



شماره دهم

اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی

متن کامل فرمایشات
و هبر معظم انقلاب اسلامی
به همراه تحلیل و
اهم مطالبات



شماره دهم

اردیبهشت ماه

سال ۱۳۹۲ (سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی)

تهیه و تدوین معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی و لاء منتظر (عجل الله فرجه)

شماره تماس:

۷۷۴۹۴۵۸-۱۲۲/۱۳۳

سایت:

v-montazar.com

پست الکترونیکی:

webmaster@v-montazar.com



مقدمه

«فهرست»

دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور در آستانه روز کارگر ۱۳۹۲/۲/۷

- الف) جایگاه کارگر در مسیر پیشرفت: ارزش انقلابی و تمدنی مجموعه کارگری کشور؛ جایگاه کار و سرمایه در اسلام و غرب و ضرورت حمایت از ایندو
۱. منقبت اصلی و محوری برای نیروی کار این است که کارگر با تن، جان و مغز خود، حرکت پیشرفت کشور و آسایش مردم را تأمین میکند
 ۲. شما مجموعه‌ی کارگری کشور، ستون فقراتید و به طور عمده شما هستید که از فلج شدن کشور جلوگیری می کنید
- ۲.۱. در عرصه فرهنگ‌سازی، مردم باید به ارزش کار پی ببرند؛ در عرصه عملی هم، قانونگذاران و مجریان، دائم باید این عناصر را مورد توجه قرار دهند
۳. اهمیت طبقه کارگر در ایران مضاعف است؛ چراکه کارگران علاوه بر انجام دادن وظائف شغلی، وظائف انقلابی و کشوری را هم خوب انجام دادند
- ۳.۱. خیلی‌ها تلاش کردند طبقه کارگر را در مقابل نظام قرار دهند؛ اما آنها ایستادند؛ این ارزش انقلابی و تمدنی مجموعه کارگری ما را روشن می کند
۴. حمایت از کار و سرمایه ایرانی، در یک سال تمام نمی شود؛ باید کار به صورت جندی و محوری دنبال شود؛ فرهنگ سازی آن برعهده همه مردم است
- ۴.۱. معنای تولید داخلی این است که زرق و برق نامهای فرنگی چشمها را جلب نکنند؛ این انحراف است که مردم دنبال نشانه های تولید خارجی باشند
- ۴.۲. اصرار میکنم ملت به سمت تولیدات داخلی بروند؛ البته دستگاه‌های حکومت وظیفه مضاعف دارند، تولید کننده داخلی هم باید کار را کامل ارائه دهد
۵. استحکام کار و احترام به کارگر، دستور اسلام است؛ اگر ایندو باهم ملاحظه می شد، افراط و تفریط های اقتصاد لیبرال و سوسیالیسم پیش نمی آمد
- ۵.۱. بدلیل حوادث امروز اروپا و آمریکا، اقتصاد سرمایه‌داری نشان داد در میدان عمل ناکام است؛ ناتوانی سوسیالیسم هم سالها پیش ظاهر شد
- ۵.۲. اسلام نگاه متعادل، انسان‌مدار و عدالت‌مدار به همه عرصه‌ها از جمله اقتصاد دارد و کارگر و تولیدکننده را به برادری سوق می دهد نه تضاد
- ب) جایگاه و مفهوم حماسه سیاسی و اقتصادی؛ برنامه های دشمن برای عدم تحقق حماسه؛ توصیه هایی به کاندیداها و شاخصه های رئیس جمهور مطلوب
۱. حماسه اقتصادی یعنی واقعه جهادگونه و پرشور؛ یعنی در برنامه ریزی ها به طبقات ضعیف توجه شود و در تولیدو مصرف حرکت جهش گونه صورت گیرد
 ۲. ما وقتی گفتیم حماسه سیاسی و اقتصادی، فهمیدیم چه میگوئیم؛ دشمن هم فهمید که ما چه میگوئیم؛ لذا با تحریم سعی کرد مردم را از نظام دور کند
- ۲.۱. اگر حماسه و جهش اقتصادی در سطوح مختلف مورد توجه قرار گیرد، همه‌ی فشارها خنثی خواهد شد
- ۲.۲. حماسه سیاسی نیز همین گونه است؛ حماسه سیاسی یعنی حضور آگاهانه مردم در صحنه سیاست و مدیریت کشور که نمونه بارز آن انتخابات است
- ۲.۳. دشمن هدف این دو حماسه را فهمید و تلاش دارد مردم را در اقتصاد دچار یأس کند و در سیاست، انگیزه مردم را از حضور در انتخابات کاهش دهد
۳. مسئله انتخابات، مسئله مهمی است؛ عرصه انتخابات، عرصه ظهور قدرت ملی در یک کشور است
- ۳.۱. گفتیم سلائق مختلف به میدان بیاید؛ اما داوطلبان در محاسبه و ارزیابی نیازی که کشور به قدرت اجرائی دارد و در ارزیابی توان خود اشتباه نکنند
- ۳.۲. سازوکار انتخابات کشور مستحکم است و حضور شورای نگهبان در قانون اساسی مبارک است؛ اینکه بعضی‌ها اعتراض هائی میکنند، غیرمنطقی است
- ۳.۱. در مسائل داخلی و اقتصاد با برنامه، حکمت، تدبیر، نگاه بلندمدت و همه‌جانبه و یک هندسه صحیح کارها را مشاهده کرده و وارد میدان شود
- ۳.۲. روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی، تغییر دائم سیاستها، تکیه بر نظرات غیر کارشناسی و اعتماد به شیوه‌های تزریقی شرق و غرب مضر است
- ۳.۳. سیاستها باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد؛ اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد و با تغییرات گوناگون متلاطم نشود
- ۳.۳.۴. برای مردم هزینه، تشویش و نگرانی ایجاد نکنند؛ وعده بی‌منا ندهند و منطقی، معقول، منطبق با واقعیت و با توکل، حرکت را پیش ببرند
۴. از تجربه سالهای انقلاب فهمیدیم خداوند با فضل خود، این ملت را بر دشمنانش غالب خواهد کردو هر کس با این ملت دربیفتد، قطعاً برخورد افتاد موخره

در اجلاس بین‌المللی علما و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران ۱۳۹۲/۲/۹

- الف) جایگاه و اهمیت، آثار، نشانه ها و ابعاد بیداری اسلامی
۱. «بیداری اسلامی» قادر خواهد بود سربرآوردن تمدن اسلامی را در چشم‌اندازی نه چندان دور، برای امت اسلامی و جهان بشریت رقم زند
 ۲. اکنون اسلام در مرکز عناصر تعیین‌کننده حوادث عالم، جایگاهی برجسته یافته است و این نخستین اثری است که بیداری اسلامی بر جای گذاشته است
 ۳. بارزترین نشانه بیداری اسلامی، اشتیاق به احیاء عظمت اسلام و آگاه شدن از ماهیت مستکبر نظام سلطه بین‌المللی، در سراسر دنیای اسلام است
 ۴. ابعاد این بیداری، گسترده و دارای امتدای رمزگونه است؛ تحقق وعده‌های الهی، نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید میدهد

۹

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۲

۱۲

۱۲

۱۲

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۴

۱۴

۱۴

۱۴

۱۵

۱۵

۱۵

۱۵

۱۶

۱۶

۱۶

۱۶

۱۶

۱۷

۲۰

۲۰

۲۰

۲۱

۳



۲۱

- ۳،۱. چون دشمن می داند قوام جمهوری اسلامی متکی به رأی مردم است، سعی می کند انتخابات را کم‌رنگ کند
- ۳،۲. به این خاطر دشمنان با این همه تلاش نتوانستند ما را متزلزل کنند که اتکا و اقتدار نظام به دل‌ها، اندیشه و بصیرت مردم است
- ۳،۳. در صورتی دشمن می تواند جمهوری اسلامی را سر به فرمان خود قرار دهد که نظام به دلیل عدم حضور مردم ضعیف باشد
۴. رسانه های رسمی دشمن از مدتی پیش طراحی، برنامه ریزی و برنامه سازی کرده اند که دل مردم را نسبت به انتخابات سرد کنند
۵. اگر حضور مردم نباشد، دشمنان براحته می توانند تهاجم خود را چندین برابر کنند؛ حضور مردم به نظام اسلامی مصونیت می بخشد
۶. باذن الله، انتخابات پیش رو، یکی از بهترین و پرشورترین انتخابات ما خواهد بود؛ البته دشمن تلاش می کند زحمت مردم را باطل کند
۱. عراره اساسی برای اینکه مشکلات انتخاباتی پیش نیاید، التزام به قانون است؛ هر کس حرفی می زند و توقعی دارد، بر اساس قانون باشد
۲. نظام از خرابکاری هایی مثل فتنه ۸۸ از پا در نمی آید؛ منتها برای کشور هزینه درست می کند؛ راه هزینه درست نشدن، التزام به قانون است
۷. توصیه من به شما مسئولان محترم انتخابات این است که قانون را معیار قرار دهید؛ ادای امانت به این است که طبق مَر قانون عمل شود
۸. افرادی که به نتیجه مطلوب خود در انتخابات نمی رسند، باید در مقابل آنچه که مبتنی بر قانون پیش می آید، صبر انقلابی داشته باشند
۹. از آنجا که خدمات مدیریت عالی اجرایی کشور تاثیرات عمیق و کوتاهی آن تاثیر منفی زیاد دارد، باید در انتخاب رئیس جمهور دقت کنیم
۱. ۹. آحاد مردم درصدد باشند که وظیفه شان را انجام دهند؛ تعهد، تدین، آمادگی و توانائی‌ها را بسنجید و طبق تشخیص عمل کنید
۲. ۹. رئیس جمهور باید کاری، مردمی، مقاوم، ارزشی، باندبیر و پابند به قوانین باشد، درد مردم را احساس کند و طبقات مختلف مردم را ببیند
۱۰. مسلماً امنیت، مصونیت و پیشرفت کشور با حضور همگانی و حداکثری مردم افزایش پیدا خواهد کرد

موخره

دیدار جمعی از فرهنگیان ۱۳۹۲/۲/۱۸

- الف) جایگاه و اهمیت معلم و آموزش و پرورش، بایسته های سند تحول آموزش و پرورش، دانشگاه فرهنگیان و کتاب های درسی
۱. این جلسه در درجه اول برای تکریم به معلمین است؛ معلمی بسیار بالاتر از سایر مشاغل است و باید منزلت لازم را در جامعه‌ی اسلامی داشته باشد
۲. معلم کسی است که پرداخت کننده و تراش دهنده یک گوهر گرانبهاست و به آن ارزش می بخشد؛ این گوهر گرانبها، کودکان ملت هستند
۱. ۲. تعلیم و خصوصیتی که با رفتار، اخلاق، حرف زدن و تعامل معلم به دانش آموز منتقل می شود، از ماندگارترین حقایق است که در ذهن باقی میماند
۳. کشوری که میخواهد سرفراز شود و مردم شجاع، آزاده و خردمند تحویل جامعه بشری دهد، باید زیرساخت تعلیم کودکی و نوجوانی را درست کند
۴. سند تحول آموزش و پرورش باید ما را به سمت هدفهای اسلامی حرکت دهد و جامعه را به سبک زندگی حقیقتاً اسلامی پیش ببرد
۱. ۴. سند تحول باید عملیاتی شود؛ منتها باید با تدبیر، تأمل و ملاحظه صحیح جوانب پیش رفت؛ کار عمیق و بلندمدتی است که نباید در آن شتابزدگی باشد
۵. در این سالها کارهای خیلی خوبی شده است؛ اما آنچه نشده است و اگر امروز دست به کار نشویم، قطعاً دیر خواهد شد، فهرست بلندبالائی است
۶. باید به طور جدی به آرایش درونی دانشگاه فرهنگیان توجه شود؛ آموزش عالی هم باید همه پشتیبانی‌های ممکن را از این دانشگاه‌ها بکند
۷. آموزش و پرورش مرکزی اساسی و مهم است و در عرض سایر دستگاه‌ها نیست؛ میتوانی آنها را به عنوان موتور قطار و مرکز ذخیره یک مجموعه تعبیر کنید
۸. در طول این سالها معلمین همیشه پای منافع انقلاب ایستاده‌اند؛ یک نمونه‌اش مسئله دفاع مقدس است، البته نمونه‌های دیگری هم دارد
۹. مسئله کتابهای درسی بسیار مهم است؛ باید به طور مداوم و به تناسب نیازها، مضمون و محتوای این کتابها ترقی و پیشرفت داشته باشد
۱. ۹. دستگاه‌های هشیار مراقب باید پیشرفتهای مبتنی بر سند تحول را تعقیب و اشکالات را اصلاح کند و در زمینه کتابهای درسی، نیازها را بسنجد
۲. ۹. اگر از معارف اسلامی، مدنی، تمدن ساز و انسان ساز در کتابهای ما وجود ندارد، بگنجانید و اموری که تخدیر کننده و گمراه کننده است حذف کنید
- ب) ضرورت تحقق حماسه سیاسی و اقتصادی و ارتباط این دو مقوله با پیشرفت کشور
۱. تا آحاد ملت نقش ایفاء نکنند، حماسه به وجود نمی آید؛ وقتی مردم با نگاه به چشم انداز روشن انگیزه حرکت را داشتند، حماسه به وجود می آید
۱. ۱. در زمینه حماسه، آموزش و پرورش نقش آفرین است؛ تعداد کثیر معلمین سراسر کشور میتوانند در مسئله انتخابات و حماسه اقتصادی تاثیر بگذارند
۱. ۲. کشور و ملت بزرگ ما با اهداف و آرمانهایی که دارد، به حماسه‌سازی در بخشهای مختلف نیاز دارد؛ ما باید با جهش پیش برویم
۲. پیشرفتهای ملت ایران در این سه دهه، متناسب با سی سال نیست؛ این پیشرفتهای به برکت انقلاب است، اما در عین حال باید افزایش پیدا کند
۱. ۲. اگر ملت ایران همین سرعت و شتاب پیشرفت را حفظ کند، بلاشک زمان زیادی طول نخواهد کشید که در جایگاه شایسته خود قرار خواهد گرفت

۲. ۲. بخش مهمی از این مسئله به مدیران اجرایی کشور ارتباط پیدا میکند؛ اینهاست که مسائل کشور را حساس میکند و نیاز به حماسه دارد
- موخره

دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی ۱۳۹۲/۲/۲۱

- الف) گفتمان غرب و اسلام در مسئله زن، راهبردهای خروج از انفعال در برابر گفتمان غرب و گسترش گفتمان اسلام
۱. ما درباره مسئله زن دچار یک عقب‌ماندگی هستیم؛ به این معنی که حرفهای برجسته‌ای داریم ولی نتوانستیم آن‌ها را به دنیا منتقل کنیم
۱. ۱. البته همان مقداری هم که در این زمینه کار شده، به برکت نظام جمهوری اسلامی و نفوذ فکر و نام انقلاب و امام بوده است
۲. باید یک نهضت بیداری در زمینه مسائل زنان را بیفتد تا بتوانیم جبهه تهاجمی و مصون از تعرض تهاجم دیگران داشته باشیم
۳. با اینکه یک گفتمان کامل، مفید و قانع کننده از اسلام در زمینه زنان داریم، اما خود را در مقابل گفتمان غربی در موضع انفعال قرار دادیم
۱. ۳. گفتمان غرب در مورد زن، یک گفتمان کاملاً حساب شده سیاسی است که از رنسانس و بعد پیدایش صنعت جدید آغاز و در روزگار ما اوج گرفت
۴. مردواره کردن زن و قرار دادن زن به عنوان وسیله راحتی برای التناذ جنسی مرد، دو جزء برجسته گفتمان غربی در مورد زن است
۱. ۴. مردواره کردن یعنی مشاغلی که با ساخت جسمی، عصبی و فکری مرد سازگارتر است را به سمت بانوان کشانده و افتخاری برای زن قرار دادند
۱. ۴. ۱. در مقابل این مساله دچار انفعال شدیم و دور خوردیم؛ چون افتخار می کنیم که در بخش های اجرایی کشور فلان تعداد زن داریم
۲. ۴. ۱. اشکال ندارد خانمی به واسطه توانایی های خود در یک مقام اجرایی قرار بگیرد؛ آنچه اشکال دارد افتخار به این مساله است
۳. ۴. ۱. بنا نبود ما کارهای مردانه را به زنها بدهیم؛ زن و مرد از لحاظ آنچه که مربوط به انسانیت است هیچ فرقی ندارند و هر یک امتیازاتی دارند
۴. ۴. ۱. این نگاه درست است که زن را در جنسیت خود بشناسیم و ارزش های مناسب برای فرد یا جامعه دارای این جنسیت را مشخص کنیم
۲. ۴. این نگاه که زن را وسیله‌ای برای التناذ جنسی مرد قرار می‌دهد، مثل یک سیلی وارد کشورهای بی‌دفاع و بی حفاظ اسلامی و کشور ما شد
۱. ۴. ۲. انقلاب، تا حد زیادی جلوی این سیل را گرفت؛ باید با حل مسئله حجاب، پوشش و حدود معاشرت زن و مرد، جلوی این بالای عظیم را سد کرد
۲. ۴. ۲. دامن زدن به مساله شهوت و همجنس بازی و همجنس گرایی، چاله های عظیم، عمیق، خطرناک و لغزشگاه عجیبی برای تمدن غرب است
۳. ۴. ۲. ۳. خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن، مرد، جامعه و خانواده را باید خیلی جدی گرفت
۱. ۵. خصوصیات زن در این گفتمان باید تبلیغ شود که عبارت است از: کرامت، عزت، ظرافت جسمی، ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافتکار کردی
۱. ۵. فقط سر انگشت ظریف و لطیف مادر می‌تواند رشته‌های بشدت رقیق و نازک اعصاب کودک را از هم جدا کند، تا برای کودک عقده به وجود نیاید
۲. ۵. ۱. زنان با تدبیر و ظرافت می‌توانند مرد را در دست خود بچرخانند و رام خود کنند
- ب) بیان مسائل اصلی مربوط به زنان کشور در شرایط کنونی و برخی از راه کارهای پیشرفت در امور زنان
۱. در مسائل مربوط به امروز زنان کشور ما دو مسئله از همه مهم‌تر، فوری‌تر و لازم‌الاهتمام‌تر از بقیه مسائل است
۱. ۱. یک مسئله، مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده است؛ برای‌خانه باید شأن قائل شد
۲. ۱. مسئله دوّم، جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری است
۱. ۲. ۱. توهین های رفتاری، زبانی و وحشی گری یدی مرد به همسر، در غربی‌ها فراوان وجود دارد که خلاف انتظار نیست؛ اما در کشور ما نباید باشد
۲. مسائل مهم دیگری مثل ازدواج، پوشش، معاشرت، حمایت مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم و مسئله اشتغال هم در مورد زنان وجود دارد
۳. باید فعالیت‌های گوناگونی که در کشور در زمینه زن وجود دارد، یک شکل سیستمی و یک هندسه‌ی عمومی پیدا کند
۱. ۳. یک مرکز عالی و ثابت با کادر قوی و چشم‌انداز بلند مدت ایجاد شود؛ ذیل آن، نهادهای متناسبی تشکیل شود و بانک اطلاعات هم وجود داشته باشد
۴. نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه انقلاب کم‌رنگ شود؛ جبهه انقلاب، زنان کارآمد، فعال، زبان‌آور، نویسندهنوعالم‌یزاد دارد
۵. صدلوسیما حتما باید نقشی صددرصدی در زمینه مطالبی که ما برای پیشرفت امور زنان عرض می‌کنیم، از شماها می‌شنویم و فکر میشود، ایفا کند
۱. ۵. صدا و سیما به گونه ای فرهنگ‌سازی کند که زن دارای خصوصیات اسلامی، محترم باشد؛ متأسفانه بعضی از برنامه‌ها در جهت عکس این است
- جمع بندی:

دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۲/۲۵

الف) اهمیت و جایگاه ماه رجب، تاثیر انقلاب در رونق اعتکاف در میان جوانان و ضرورت اتصال به معدن قدرت الهی و منبع نورانی معنویت

۱. برادران و خواهران عزیز و مخصوصاً جوانها را به اهمیت ماه رجب توجه می دهیم؛ از این مناسبتها به آسانی نمی شود صرفنظر کرد ۸۵
- ۱.۱. ماه رجب و شعبان، آمادگای برای ورود انسان به ماه مبارک رمضان است؛ آمادگی برای حضور قلب و بعد توجه بیشتر به کارها و رفتار خود۸۵
- ۱.۲. یکی از خصوصیات دعاهاى ماه رجب، توجه دادن به توحید و به اسماء و صفات الهی است ۸۶
- ۱.۳. اول ماه رجب متبرک به ولادت امام باقر و آخر آن متبرک به بعثت پیغمبر است؛ در نیمه این ماه هم سنت اعتکاف قرار دارد۸۶
۲. چقدر منظره زیبا و معطرى است که جمع کثیری از جوانهای ما روزه بگیرند و در یک مسجدی اعتکاف کنند؛ این از برکت انقلاب است ۸۶
- ۲.۱. معنویت حاصل از این فرصتها، پشتوانه ی پیش روی با عزم مقاوم در همه میدانهاست؛ امام متکی بر معنویت توانست این حرکت عظیم را راه بیندازد ۸۶
- ۲.۲. شما مردم عزیز بخصوص جوانها، می توانید به معدن عظیم قدرت الهی متصل و نورانی شوید و با پشتیبانی الهی در صحنه های مختلف نقش ایفا کنید ۸۷
- ۲.۳. از پیشرفت ملت ایران با این همه دشمنی به خاطر همین پشتوانه الهی است؛ انگیزه و همت جوانهای مؤمن امروز ما از دوره دفاع مقدس کمتر نیست ۸۷
- ب) اهمیت مضاعف انتخابات امسال، تقابل هدف ملت ایران و دشمن در انتخابات، توصیه ها یی برای برگزاری انتخابات پرشور و معیار انتخاب اصلح ۸۸
۱. امروز مسئله ی انتخابات در درجه ی اول کارهای سیاسی کشور قرار دارد ۸۸
- ۱.۱. هرچند انتخابات در ظرف یک روز انجام میگردد، اما تاثیر کوتاه مدت آن تا ۴ سال و تاثیر بلندمدت آن، گاهی اوقات تا ۴۰ سال باقی می ماند ۸۸
۲. انتخابات امسال اهمیت مضاعف دارد؛ چراکه به یک موضوع بین المللی تبدیل شده است ۸۸
۲. هدف ملت انتخاب اصلحی است که کشور را با سرعت بیشتری پیش ببرد؛ اما دشمن مایل است کشور را به سمت وابستگی و عقب ماندگی حرکت دهد ۸۸
- ۲.۱. هدف ملت ایران با دو عامل تامین می شود: انتخابات گرم و پرشور و انتخاب رئیس جمهور شایسته ی وارسته ی باعزم مؤمن انقلابی با همت جهادی ۸۹
- ۲.۲. مقصود دشمن با انتخابات سرد و انتخابی که دولت و ملت را به سمت وابستگی بیشتر و تبعیت از سیاستهای دشمن بکشاند، حاصل می شود ۸۹
۳. دشمنان برای اینکه انتخابات را از شور و هیجان بیندازند، سعی می کنند با بحرانی نشان دادن مشکلات، مردم را از حضور در انتخابات ناامید کنند ۸۹
- ۳.۱. در کجای دنیا این مشکلات وجود ندارد؟ امروز کشورهای اروپائی که صحنه گردان تبلیغات علیه ما هستند، تا خرخره در مشکلات فرو رفته اند ۹۰
- ۳.۲. البته ما هم مشکلاتی داریم؛ اما مشکلات را باید با نقاط مثبتی که الان در جمهوری اسلامی داریم، مقایسه کنیم ۹۰
- ۳.۲.۱. کدام کشور مثل کشور ما ملتی منسجم و متحد و این همه جوان سرحال و بانشاط دارد؟ ۹۰
- ۳.۲.۲. کدام ملت مثل ما با وجود این همه دشمنی ها توانسته است این عظمت و تأثیرگذاری را در دنیا و منطقه به دست آورد؟ ۹۰
- ۳.۳. شما جوانان، مسئولان و مبلغان باید در مقابل تبلیغات دشمن که الغای یاس، ناامیدی و بحران می کند، بعکس عمل کنید و به مردم امید دهید ۹۰
۴. مردم بدانند که حضور پرشور و پر رونق در انتخابات موجب می شود کشور مصونیت پیدا کند و طمع دشمن برای دست اندازی و تعرض و خیانت کم شود ۹۱
- ۴.۱. آنطور که ما ملتمان را تجربه کرده ایم و فضل الهی را مکرر آزموده ایم، ملت در این انتخابات هم آزمون افتخارآمیز دیگری را به صحنه خواهند آورد ۹۱
۵. مردم علاوه بر همت بر حضور، همت بر انتخاب خوب هم داشته باشند؛ برای انتخاب خوب باید فکر کرد و معیارها را شناخت ۹۱
- ۵.۱. معیار اصلی این است: بر حفظ عزت و حرکت در جهت هدفهای انقلاب همت کنند، اهل استقامت باشند و زرهی پولادین از یاد و توکل به خدا بیوشند ۹۱
- ۵.۲. یکی از معیارها این است که ببینید شعارهایی که تعیین می کنند، چه نوع شعارهایی است ۹۱
- ۵.۲.۱. بعضی ها برای جلب آراء، شعارهایی میدهند که از حدود اختیارشان بیرون است؛ مردم هوشمند ما دقت کنند و اینها را بشناسند ۹۲
- ۵.۲.۲. در شعارها باید آنچه را برای مردم فوریت بیشتری دارد، با واقعیات و امکانات سازگار است و به افزایش قدرت درونی ملت می انجامد، بگنجانند ۹۲
۶. تبعیت از قانونی که صددرصد درست نیست یا تحمل خطای مجری قانون که نمی توان از طریق قانونی اصلاح کرد، از بی قانونی بهتر است ۹۲
۷. باید بر اساس حجت شرعی فرد صالح تر را انتخاب کنیم؛ اگر انسان بر طبق حجت شرعی عمل کند، چنانچه بعداً غلط از آب دربیاید، باز سرفراز است ۹۲
۸. من امیدوارم؛ انسان وقتی به وضع کشور نگاه می کند، روزبه روز به آینده ی این راه و آینده ی این ملت و این کشور، امیدوارتر می شود ۹۳
- مؤخره ۹۳

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در مقطعی از تاریخ به وقوع پیوسته است که جبهه نظام کفر تاریخی با شرح صدری بلوغ یافته، تمدنی مادی را در جهان مستولی کرده است و داعیه جهانی کردن این تمدن را دارد.

اما در مقابل، تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام ناب، جبهه تاریخی ایمان را در افق جدیدی از مبارزه وارد نمود.

آرمان انقلاب اسلامی تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است که در این میان نقش رهبران بی بدیل انقلاب اسلامی به عنوان معماران تمدن اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد.

با مطالعه تاریخ تکامل جامعه شیعی، به خوبی روشن می گردد که شاخص اساسی بلوغ جامعه شیعی، ولایت پذیری از امامان معصوم (علیهم السلام) و نواب امام در زمان غیبت می باشد. از این رو، سنگین ترین تکلیف و امتحان جامعه شیعی، قبول ولایت و حرکت بر مدار اراده و خواست ولی خداست.

امام راحل اختری تابناک از سلسله فقیهان و مجتهدانی بود که با رهبری داهیه خود، جامعه شیعی را در افق جدیدی از تکلیف سنگین ولایت پذیری وارد کرد و آن چیزی نیست جز تولی به این ولی خدا در افق اجتماعی و تمدنی.

البته انقلاب اسلامی گام های آغازین خود را تا رسیدن به تمدن اسلامی برداشته است، و خلف صالح امام راحل، حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، به خوبی مسیر تحقق تمدن اسلامی را ترسیم نموده، با ولایت و مدیریت الهی خود و تبیین وظایف تمام احاد جامعه در هر منصب و مقامی در فرمایشاتشان جامعه اسلامی را گام به گام به آرمان شهر خود نزدیک می کند.

بر این اساس، آنچه بر تمامی مسولین و احاد مختلف جامعه فرض است، توجه تام و تمام به فرمایشات و مطالبات رهبری انقلاب اسلامی است؛ فرمایشاتی که عین تکلیف شرعی است و مسیر بندگی الهی را در حوزه حیات اجتماعی به خوبی ترسیم می کند.

از این رو، معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر (عجل الله فرجه) بر آن شد که از ابتدای سال ۱۳۹۱ فرمایشات آن رهبر معظم را گردآوری و تنظیم جدید کرده و همراه با تحلیل و جمع بندی مختصر و استخراج مطالبات ضمنی و صریح ایشان، با عنوان «ره نامه» و به صورت دوره ای در اختیار جامعه ولایت مدار، به ویژه مخاطبان آن فرمایشات و بالخصوص تصمیم گیران و تصمیم سازان نظام اسلامی قرار دهند.

باشد که بتوانیم از منویات آن رهبر فرزانه در جهت رشد و تعالی اسلامی بهره برده، سهمی هر چند اندک در ترویج آن داشته باشیم.

در پایان از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این جزوه یاری کرده اند به ویژه جناب آقای جعفرزاده تهیه کننده، هم چنین از مدیر عامل محترم مؤسسه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای عزت زمانی و همکاران محترم معاونت فرهنگی و انتشارات مؤسسه، تشکر و قدردانی می شود.

از خوانندگان محترم استدعا و انتظار داریم که دیدگاه های تکمیلی و اصلاحی خویش را به منظور هر چه بهتر شدن جزوات بعدی، در اختیار ما قرار دهند؛ که با آغوش باز پذیرائیم.

والسلام

معاونت پژوهشی

مؤسسه ولاء منتظر (عجل الله فرجه)





مقدمه:

خوشامد عرض میکنم به شما برادران و خواهران عزیز، نیروهای ارزشمند شکوفائی و پیشرفت کشور؛ چهره‌های نجیب و متعهدی که یکی از دشوارترین بخشهای اداره‌ی کشور و پیشرفت کشور را برعهده گرفته‌اید و در راه سعادت این ملت، بار سنگین کار را بر دوش خودتان دارید حمل میکنید. خداوند قدردان زحمات شما و تلاشهای شما باشد و ان شاء الله همه‌تان مشمول اجر و ثواب الهی باشید.

الف) جایگاه کارگر در مسیر پیشرفت؛ ارزش انقلابی و تمدنی مجموعه کارگری کشور؛ جایگاه کار و سرمایه در اسلام و غرب و ضرورت حمایت از

این دو

۱. منقبت اصلی و محوری برای نیروی کار این است که کارگر با تن، جان و مغز خود، حرکت پیشرفت کشور و آسایش مردم را تأمین میکند

در مناسبت روز کارگر، معمول است که صاحبان قلم و بیان و گویندگان و نویسندگان به مناقب قشر کارگر میپردازند؛ که البته بجا است. با قطع نظر از اینکه گفتن و نوشتن چقدر در بالا بردن و ارتقاء بخشیدن به رتبه‌ی کارگر دارای ارزش و اهمیت است، منقبت اصلی و محوری برای نیروی کار در یک جامعه این است که کارگر با تن خود، با جان خود، با مغز خود، حرکت پیشرفت کشور و آسایش مردم را تأمین میکند. درست است که عوامل دیگری هم در این عرصه مؤثرند - مانند نیروی سرمایه، نیروی مدیریت - و در جای خود باید قدر آنها هم دانسته شود، ولی کارگر این کار را با جسم و جان خود انجام میدهد؛ این یک ارزش مضاعف است.

۲. شما مجموعه‌ی کارگری کشور، ستون فقراتید و به طور عمده شما هستید که از فلج شدن کشور جلوگیری می‌کنید اگر در یک کشوری نیروی انسانی کار نباشد، یا ضعیف باشد، یا غیر ماهر باشد، یا فکر او و ذهن او دستخوش جریانات سیاسی گوناگون باشد، آن کشور فلج خواهد شد. شما مجموعه‌ی کارگری کشور ستون فقراتید، و به طور عمده شما هستید که از فلج شدن

کشور جلوگیری می‌کنید.

۲،۱. در عرصه فرهنگ‌سازی، مردم باید به ارزش کار پی ببرند؛ در عرصه عملی هم، قانونگذاران و مجریان، دائم باید این عناصر را مورد توجه قرار دهند

این باید دانسته شود، این را باید همه‌ی مردم بفهمند و بدانند. هم در عرصه‌ی فرهنگ‌سازی باید مردم به ارزش کار پی ببرند؛ هم در عرصه‌ی عملی، قانونگذاران و مجریان باید به طور دائم این عناصر را مورد توجه قرار دهند. اگر قشر کارگر در یک کشوری برخوردار از رفاه بود، برخوردار از امید بود، برخوردار از امنیت شغلی بود، حرکت این کشور به سوی پیشرفت، آسان خواهد شد؛ این یک حقیقتی است؛ این را باید همه‌ی ما درک کنیم.

۳. اهمیت طبقه کارگر در ایران مضاعف است؛ چراکه کارگران علاوه بر انجام دادن وظائف شغلی، وظائف انقلابی و کشوری را هم خوب انجام دادند

بنده اعتقاد دارم که در کشور ما اهمیت طبقه‌ی کارگر حتی از این هم بالاتر است. آنچه گفته شد، مربوط به همه جا است، مربوط به همه‌ی کشورها است؛ اما در اینجا یک چیز مضاعفی هم وجود دارد و آن این است که کارگران علاوه بر انجام دادن وظائف شغلی، وظائف انقلابی و کشوری را هم خوب انجام دادند. هم در آغاز انقلاب و پیروزی انقلاب، حرکت عظیم کارگران یکی از کلیدهای فتح بود - کارگران شرکت نفت و غیره و غیره - هم در دوران جنگ تحمیلی. در جبهه، به هر طرف انسان نگاه میکرد، جوانان کارگر، میانسالان کارگر، خلأها را پر کرده بودند. در جریانات گوناگون سیاسی هم، کارگرها اسیر اغوای کسانی نشدند که میخواستند مجموعه‌ی کارگری را در مقابل انقلاب و در مقابل نظام اسلامی قرار دهند. اینها چیز کمی نیست. البته خیلی‌ها این حقایق را نمیدانند؛ ما از نزدیک لمس کردیم.

۳،۱. خیلی‌ها تلاش کردند طبقه کارگر را در مقابل نظام قرار دهند؛ اما آنها ایستادند؛ این ارزش انقلابی و تمدنی مجموعه کارگری ما را روشن می‌کند

من در همان روزهای پیروزی انقلاب، در یک مجموعه‌ی کارگری در قسمت غرب تهران، خودم شخصاً حضور پیدا کردم؛ دیدم دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب چه کار دارند میکنند؛ چه طرحهایی، چه برنامه‌هایی، چه نقشه‌هایی دارند؛ برای اینکه در همین آغاز کار، در همین ابتدای سر زدن اولین پرتوهای انقلاب بتوانند به وسیله‌ی قشر کارگر، نفوذ سیاسی وابسته‌ی خودشان به برخی از قدرتها را تحکیم کنند. این را من از نزدیک دیدم. و در مقابل دیدم که طبقه‌ی کارگر مؤمن ما، به برکت ایمان، به برکت اعتماد به امام بزرگوار و به روحانیت، با چه صراحتی، با چه شجاعتی در مقابل آنها ایستاد؛ و این در طول سالهای متمادی تکرار شد. امروز سی و چهار سال از آن روزها میگذرد. خیلی‌ها خواستند، تلاش کردند، پول خرج کردند، برای اینکه بتوانند طبقه‌ی کارگر را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند؛ اما طبقه‌ی کارگر ایستاد؛ این خیلی مهم است. اینها ارزش مجموعه‌ی کارگری ما را، ارزش انسانی‌شان را، ارزش انقلابی‌شان را، ارزش تمدنی‌شان را برای ما روشن میکند؛ اینها باید فرهنگ شود؛ این را باید همه بدانند، همه بفهمند؛ و شما کارگرها باید افتخار کنید.



۴. حمایت از کار و سرمایه ایرانی، در یک سال تمام نمی شود؛ باید کار به صورت جدی و محوری دنبال شود؛ فرهنگ سازی آن برعهده همه مردم است

خب، ما سال گذشته گفتیم حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. این قضیه که در یک سال تمام نمیشود. حالا دوستان و مسئولان گزارشهایی میدهند که این کارها انجام گرفته است؛ خیلی خوب، خداوند به هر کاری که با نیت صحیح انجام میگیرد، برکت بدهد؛ ولی باید کار به صورت جدی و محوری دنبال شود؛ این به عهده‌ی همه‌ی مردم است. این فرهنگ‌سازی که عرض کردیم، یک بخش مهمش اینجا است.

۴,۱. معنای تولید داخلی این است که زرق و برق نامهای فرنگی چشمها را جلب نکند؛ این انحراف است که مردم دنبال نشانه های تولید خارجی باشند

ما گفتیم: تولید داخلی؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. این معنایش این است که زرق و برق نامهای فرنگی چشمها را به خودش جلب نکند. همه بدانند که این محصولی که دارند میخرند، میتواند یک کارگر ایرانی را برخوردار کند؛ میتواند او را محروم کند، یک کارگر خارجی را برخوردار کند. البته ما همه‌ی بشریت را دوست داریم، اما خب کارگر ایرانی دارد برای سربلندی این کشور تلاش میکند؛ جزو مغتنم و عزیز پیکره‌ی این ملت است؛ او را باید تأیید کرد، او را باید تقویت کرد. بعضی‌ها این را نمیفهمند و درک نمیکنند، یا برایشان نشانه‌ی تولید ایرانی و تولید خارجی فرق نمیکند؛ یا حتی بعکس، به جای اینکه دنبال نشانه‌ی تولید ایرانی بگردند، دنبال نشانه‌های تولید خارجی میگردند؛ این انحراف است، این خطا است. همه‌ی مردم مخاطب این بیاند.

۴,۲. اصرار میکنم ملت به سمت تولیدات داخلی بروند؛ البته دستگاه‌های حکومت وظیفه مضاعف دارند، تولید کننده داخلی هم باید کار را کامل ارائه دهد

من تأکید میکنم، اصرار میکنم، از همه‌ی ملت ایران درخواست میکنم، بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی؛ این کار کوچکی نیست، این کار کم‌اهمیتی نیست؛ این کار بزرگ است. البته دستگاه‌های حکومتی و دولتی - دولتی به معنای عام - در این جهت وظیفه‌ی مضاعف دارند. فلان وزارتخانه، فلان سازمان، فلان اداره وقتی میخواهد جنس داخلی خودش را تأمین کند، مطلقاً باید از جنس خارجی استفاده نکند؛ بروند سراغ تولیدات داخلی. البته از این طرف هم از تولید کننده‌ی داخلی - چه آن مدیر، چه آن کارگر، چه آن سرمایه‌گذار - خواسته میشود و اصرار میشود که کار را تمیز، درست و کامل ارائه دهند.

۵. استحکام کار و احترام به کارگر، دستور اسلام است؛ اگر ایندو باهم ملاحظه می شد، افراط و تفریط های اقتصاد لیبرال و سوسیالیسم پیش نمی آمد

هر دوی اینها اشاره‌ی اسلام و دستور دین مقدس ما است. استحکام کار را خدا از ما خواسته است، احترام به کارگر را هم خدا از ما خواسته است؛ امنیت زندگی و شغلی کارگر را خدا از ما خواسته است، امنیت سرمایه را هم خدا از ما خواسته است.

اینها وقتی در کنار هم مورد ملاحظه قرار بگیرند، این افراط و تفریطهایی که با نامهای گوناگون به وجود آمد، چه در منطقه‌ی

فعالیت اقتصاد لیبرال و به قول خودشان آزاد - آزاد یعنی آزاد برای سرمایه‌دار، اما زندان و حبس و فشار برای طبقه‌ی مظلوم و فقیر؛ که امروز شما دارید در اروپا واکنشها و بازخوردهایش را ملاحظه میکنید - و چه در عرصه‌ی سوسیالیسم، به وجود نمی‌آمد.

۵,۱. بدلیل حوادث امروز اروپا و آمریکا، اقتصاد سرمایه‌داری نشان داد در میدان عمل ناکام است؛ ناتوانی سوسیالیسم هم سالها پیش ظاهر شد

بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد لیبرال همین حوادثی است که امروز در اروپا و به شکل دیگری در آمریکا وجود دارد. در میدان عمل و در عرصه‌ی تجربه، اقتصاد سرمایه‌داری نشان داد که غلط است، ناکام است؛ حتی به سود خود آن طبقاتی که این اقتصاد برای حمایت از آنها به وجود آمد، نیست. حالا طبقه‌ی کارگر که سالهای متمادی در آنجاها لگدمال میشد، اما حتی به سود خود سرمایه‌دار و بانکدار و صاحبان کارتلها و تراستها هم نیست؛ و این هنوز اول کار است، بعد از این بدتر هم خواهد شد. هی وعده میدهند که درستش میکنیم؛ نخواهند توانست درست کنند. این راه، راه سراشیب لغزان است؛ دارند میروند پائین، و این یک بخشی از تزلزل تمدن مادی و غلط غرب است؛ بخش اخلاقی و اعتقادی و نظری و فکری‌شان هم که جدا است. اینها برای ما تجربه است. آن بخش عرصه‌ی سوسیالیسم و اینها هم که خب، سالها پیش ناتوانی و ناکامی‌اش ظاهر شد.

۵,۲. اسلام نگاه متعادل، انسان‌مدار و عدالت‌مدار به همه عرصه‌ها از جمله اقتصاد دارد و کارگر و تولیدکننده را به برادری سوق می دهد نه تضاد

اسلام نگاه متعادل، انسان‌مدار و عدالت‌مدار به همه‌ی عرصه‌ها دارد، از جمله به این عرصه؛ هم رعایت این طرف، هم رعایت آن طرف؛ برادری اینها با همدیگر، نه تضاد آنها؛ و همه متوجه به تکلیف الهی و به این که خدای متعال ناظر و حاضر است. اینها باید بشود فرهنگ زندگی ما، و همین جور عمل کنیم.

ب) جایگاه و مفهوم حماسه سیاسی و اقتصادی؛ برنامه های دشمن برای عدم تحقق حماسه؛ توصیه هایی به کاندیداها و شاخصه های رئیس جمهور مطلوب

۱. حماسه اقتصادی یعنی واقعه جهادگونه و پرشور؛ یعنی در برنامه ریزی ها به طبقات ضعیف توجه شود و در تولیدو مصرف حرکت جهش گونه صورت گیرد

ما عرض کردیم «حماسه‌ی سیاسی» و «حماسه‌ی اقتصادی». حماسه‌ی اقتصادی فقط دست دولت نیست؛ البته برنامه‌ریزی‌های دولت مؤثر است. حماسه یعنی واقعه‌ی جهادگونه و پرشور؛ این را باید ملت ایران و مسئولان کشور مورد نظر قرار دهند؛ ضعفها را، خلأها را پُر کنند؛ اول بشناسند. در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها باید زندگی و معیشت طبقات ضعیف مورد توجه قرار گیرد؛ بعد برای آنها برنامه‌ریزی کنند. این میشود حماسه. آحاد مردم، چه در مصرفشان، چه در تولیدشان؛ بخشهای مولد یک جور، بخشهای مصرف‌کننده یک جور، بخشهای خدمات یک جور؛ بدانند که برای پیشرفت کشور حرکت جهش‌گونه لازم است، خلق حماسه لازم است؛ آن وقت کشور پیش خواهد رفت،



استقرار پیدا خواهد شد.

۲. ما وقتی گفتیم حماسه سیاسی و اقتصادی، فهمیدیم چه میگوئیم؛ دشمن هم فهمید که ما چه میگوئیم؛ لذا با تحریم سعی کرد مردم را از نظام دور کند

حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، دو توأم‌اند؛ هر کدامی دیگری را تقویت میکند و حفظ میکند و نگه میدارد. ما که اول سال عرض کردیم حماسه‌ی سیاسی و اقتصادی، فهمیدیم چه داریم میگوئیم؛ دشمن هم فهمید که ما چه داریم میگوئیم. دشمن با تحریم و با فشار اقتصادی گوناگون سعی کرد مردم را از میدان خارج کند. میگویند که ما با مردم دشمن نیستیم. دروغ میگویند؛ راحت، با وقاحت! بیشترین فشار برای این است که مردم ناراحت شوند، مردم در تنگنا قرار بگیرند، مردم زیر فشار قرار بگیرند، شاید بتوانند به این وسیله بین مردم و نظام اسلامی فاصله ایجاد کنند. هدف، فشار بر مردم است.

۲،۱. اگر حماسه و جهش اقتصادی در سطوح مختلف مورد توجه قرار گیرد، همه‌ی فشارها خنثی خواهد شد

اگر چنانچه این حرکت عظیم اقتصادی، این جهش اقتصادی، این برنامه‌ریزی درست، چه در بخش قانونگذاری، چه در بخش اجرا، در سطوح مختلف، مورد توجه قرار بگیرد، همه‌ی این فشارها خنثی خواهد شد. ملت ایران و مسئولان کشور باید با عزم راسخ، دشمن را مأیوس کنند.

۲،۲. حماسه سیاسی نیز همین گونه است؛ حماسه سیاسی یعنی حضور آگاهانه مردم در صحنه سیاست و مدیریت کشور که نمونه بارز آن انتخابات است

حماسه‌ی سیاسی هم همین جور است. حماسه‌ی سیاسی یعنی حضور آگاهانه‌ی مردم در صحنه‌ی سیاست کشور و مدیریت کشور؛ نمونه‌ی بارز همین حادثه‌ی انتخابات است که اندکی بعد ان‌شاءالله به توفیق الهی، در وقت مقرر، با حضور و شرکت شوق‌آفرین مردم انجام خواهد گرفت.

۲،۳. دشمن هدف این دو حماسه را فهمید و تلاش دارد مردم را در اقتصاد دچار یأس کند و در سیاست، انگیزه مردم را از حضور در انتخابات کاهش دهد

آنها چون فهمیدند هدف حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی چیست، از همین حالا به خیال خودشان شروع کرده‌اند به تخریب کردن. امروز انواع و اقسام تبلیغات وجود دارد برای اینکه در عرصه‌ی اقتصادی، مردم را دچار یأس و نومیدی کنند؛ در عرصه‌ی سیاسی، انگیزه‌ی مردم را از حضور در میدان سیاست و بالخصوص در میدان انتخابات کاهش دهند. آنها ملت ایران را نشناخته‌اند. این حرکت عظیم ملت ایران در عرصه‌های مختلف، نتوانسته غفلت و بی‌اطلاعی طراحان و سیاستگذاران پشت پرده‌ی استکبار را به خود بیاورد و متوجه کند؛ نمیدانند با کی طرفند. در طول این سی و چند سال، این ملت، با این همه معارضة، با این همه دشمنی، ایستاد. مسئولین اگر یک جا از خودشان ایستادگی نشان دادند، به پشتوانه‌ی مردم بود، به پشتیبانی مردم بود. آفرین اول مال مردم است، تحسین بزرگ متعلق به

مردم است؛ اینها بودند که به مسئولین دل دادند، پشتگرمی دادند تا بتوانند در مقابل زورگوئی‌ها و فشارها و افزون‌طلبی‌های دشمنان و مستکبران بایستند؛ آنجائی که ایستادند. امروز هم همین جور است، در آینده هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود.

۳. مسئله انتخابات، مسئله مهمی است؛ عرصه انتخابات، عرصه ظهور قدرت ملی در یک کشور است

مسئله‌ی انتخابات، مسئله‌ی مهمی است. عرصه‌ی انتخابات، عرصه‌ی ظهور قدرت ملی در یک کشور است. ملتی که زنده است، بانشاط است، متکی به اراده‌ی الهی است، مطمئن به پشتیبانی الهی است، این ملت در همه‌ی عرصه‌ها پیروز خواهد شد؛ در این عرصه هم همین جور است.

۳،۱. گفتیم سلائی مختلف به میدان بیاید؛ اما داوطلبان در محاسبه و ارزیابی نیازی که کشور به قدرت اجرائی دارد و در ارزیابی توان خود اشتباه نکنند

ما عرض کردیم سلائی مختلف و هر کسی که احساس میکند توانائی دارد، بیاید وسط میدان؛ توده‌ی مردم و جمعیت عظیم ده‌ها میلیونی ملت هم ان‌شاءالله وارد میدان خواهند شد؛ اما در محاسبه، آن کسانی که داوطلب میشوند، اشتباه نکنند؛ بدانند مدیریت اجرائی کشور یعنی چه. نه در ارزیابی نیازی که کشور به یک قدرت اجرائی دارد، اشتباه کنند، نه در ارزیابی توان خودشان اشتباه کنند. اگر چنانچه ارزیابی درستی انجام دادند، بیایند توی میدان؛ ملت هم نگاه میکند، انتخاب میکند.

۳،۲. سازوکار انتخابات کشور مستحکم است و حضور شورای نگهبان در قانون اساسی مبارک است؛ اینکه بعضی‌ها اعتراض هائی میکنند، غیرمنطقی است

سازوکار انتخابات در کشور ما، سازوکار مستحکمی است. اینکه گوشه و کنار بعضی‌ها اعتراضهائی میکنند، واقعاً غیر منطقی است؛ واقعاً بیجا است. حضور شورای نگهبان در قانون اساسی - که امام هم مکرر روی آن تأکید میکردند - حقیقتاً یک حضور مبارکی است. تشخیص شورای نگهبان، تشخیص یک عده انسانهای عادل، بی‌طرف و بصیر نسبت به صلاحیتها است؛ این یک چیز مبارکی برای ما و برای همه‌ی آحاد ملت است. بعد در بین این کسانی که تشخیص داده شد صالحند، مردم میگردند، تحقیق میکنند، از افراد میپرسند، از آدمهای مورد اعتماد سؤال میکنند، به سوابق نگاه میکنند، به شعارها نگاه میکنند، به حرفها و گفته‌ها نگاه میکنند، سپس تصمیم‌گیری میکنند.

۳،۳. نامزد انتخابات به خدا، انقلاب، قانون اساسی و مردم ایمان داشته، دارای روحیه‌مقاوم باشد؛ با تدبیر و حکمت عمل کند و تهذیب اخلاقی داشته باشد

نامزد انتخابات اولاً باید به خدا و به این انقلاب و به قانون اساسی و به این مردم ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ ثانیاً دارای روحیه‌ی مقاوم باشد. این ملت اهداف بلندی دارد، کارهای بزرگی دارد، تسلیم نیست، کسی نمیتواند با این ملت با زبان زور حرف بزند. کسانی که در رأس قوه‌ی اجرائی قرار میگیرند، باید کسانی باشند که در مقابل فشارهای دشمنان مقاوم باشند؛ زود نترسند، زود از میدان خارج نشوند؛ این یکی از شرطهای لازم است. ثالثاً انسانهای با تدبیری باشند، با حکمت باشند.



۳,۳,۱. در مسائل داخلی و اقتصاد با برنامه، حکمت، تدبیر، نگاه بلندمدت و همه‌جانبه و یک هندسه صحیح کارها را مشاهده کرده و وارد میدان شود

ما در سیاست خارجی گفتیم «عزت و حکمت و مصلحت»؛ در اداره‌ی کشور هم همین جور است، در مسائل داخلی هم همین جور است، در اقتصاد هم همین جور است؛ باید با برنامه، با حکمت، با تدبیر، با نگاه بلندمدت و همه‌جانبه، با یک هندسه‌ی صحیح کارها را مشاهده کنند، نگاه کنند، وارد میدان شوند.

۳,۳,۲. روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی، تغییر دائم سیاستها، تکیه بر نظرات غیر کارشناسی و اعتماد به شیوه‌های تزریقی شرق و غرب مضر است

روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی، مضر است؛ تغییر سیاستهای اقتصادی به طور دائم، مضر است - در همه‌ی بخشها، بخصوص در اقتصاد - تکیه کردن بر نظرات غیر کارشناسی، مضر است؛ اعتماد کردن به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است.

۳,۳,۳. سیاستها باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد؛ اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد و با تغییرات گوناگون متلاطم نشود

سیاستهای اقتصاد باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه‌ی دنیا، آن گوشه‌ی دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است. رئیس‌جمهوری که میخواهد این کشور بزرگ را اداره کند، این راه پرافتخار را به کمک مردم و برای مردم طی کند، باید اینچنین خصوصیتی داشته باشد. رابعاً باید تهذیب اخلاقی داشته باشد؛ نپرداختن به حواشی. اینها چیزهای لازمی است. بنده توصیه‌ام به همه‌ی دولت‌ها همیشه همین بوده است. میدانید من از دولت‌ها و از رؤسای جمهور در طول این سالهای متمادی همواره حمایت کردم؛ توصیه هم کردم، در موارد متعدد و زیادی از آنها توضیح هم خواستم.

۳,۳,۴. برای مردم هزینه، تشویش و نگرانی ایجاد نکنند؛ وعده بی‌مبنا ندهند و منطقی، معقول، منطبق با واقعیت و با توکل، حرکت را پیش ببرند

تکیه این بوده است که برای مردم هزینه درست نکنند، مشکل درست نکنند، دغدغه‌آفرینی نکنند، مردم را دچار تشویش و نگرانی نکنند؛ البته وعده‌ی بیخود و بی‌مبنا هم ندهند، در باغ سبزه‌های بی‌منطق هم باز نکنند؛ منطقی، معقول، منطبق با واقعیت و با توکل به خدای متعال حرکت را پیش ببرند؛ ان‌شاءالله در آینده هم باید همین جور باشد.

۴. از تجربه سالهای انقلاب فهمیدیم خداوند با فضل خود، این ملت را بر دشمنانش غالب خواهد کرد و هر کس با این ملت دربیفتد، قطعاً برخواهد افتاد

آنچه که ما از تجربه‌ی سالهای طولانی انقلاب فهمیدیم، این است که خدای متعال با فضل خود، با هدایت خود، این ملت را بر همه‌ی دشمنانش غالب خواهد کرد؛ دشمنان، خودشان تصدیق خواهند کرد - همچنان که امروز دارند تصدیق میکنند - و هر کسی که با این ملت، با این حرکت عظیمی که کرده است، با این انگیزه‌ی ایمانی عمیقی که در این ملت هست، دربیفتد، قطعاً برخواهد افتاد.

موخره

از خداوند متعال میخواهیم که آینده‌ی این ملت عزیز را و این کشور را از گذشته‌ی او روزبه‌روز بهتر کند و پیروزی‌های پی‌درپی را نصیب شما مردم عزیز بکند. ان‌شاءالله طبقه‌ی کارگر، قشر کارگر، مجموعه‌های عظیم کارگری بتوانند افتخاراتی را که تا امروز آفریده‌اند، در آینده آنها را مضاعف کنند و ان‌شاءالله چهره‌ی درخشان نیروی کار و کارگر، بیش از پیش در بین مردم ما روشن شود. والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	دنبال کردن جدی و محوری فرهنگ‌سازی در حمایت از کار و سرمایه ایرانی	مردم	در عرصه فرهنگ‌سازی باید مردم به ارزش کار پی ببرند... ما سال گذشته گفتیم حمایت از کار و سرمایه ایرانی. این قضیه که در یک سال تمام نمی‌شود. حالا دوستان و مسئولان گزارش‌هایی می‌دهند که این کارها انجام گرفته است؛ خیلی خوب، خداوند به هر کاری که با نیت صحیح انجام می‌گیرد، برکت بدهد؛ ولی باید کار به صورت جدی و محوری دنبال شود؛ این به عهده همه مردم است. این فرهنگ‌سازی که عرض کردیم، یک بخش مهمش اینجا است. ما گفتیم: تولید داخلی؛ کار ایرانی، سرمایه ایرانی. این معنایش این است که زرق و برق نام‌های فرنگی چشم‌ها را به خودش جلب نکند. همه بدانند که این محصولی که دارند می‌خرند، می‌تواند یک کارگر ایرانی را برخوردار کند؛ می‌تواند او را محروم کند، یک کارگر خارجی را برخوردار کند.



۲	در نظر داشتن دائمی ارزش کار	قانون‌گذاران و مجریان	هم در عرصه فرهنگ‌سازی باید مردم به ارزش کار پی ببرند؛ هم در عرصه عملی، قانون‌گذاران و مجریان باید به طور دائم این عناصر را مورد توجه قرار دهند. اگر قشر کارگر در یک کشوری برخوردار از رفاه بود، برخوردار از امید بود، برخوردار از امنیت شغلی بود، حرکت این کشور به سوی پیشرفت، آسان خواهد شد؛ این یک حقیقتی است؛ این را باید همه ما درک کنیم.
۳	حرکت به سمت مصرف تولیدات داخلی	ملت ایران	من تأکید می‌کنم، اصرار می‌کنم، از همه ملت ایران درخواست می‌کنم، بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی؛ این کار کوچکی نیست، این کار کم‌اهمیتی نیست؛ این یک کار بزرگ است.
۴	استفاده نکردن از جنس خارجی و رفتن به سمت تولیدات داخلی	دستگاه‌های حکومتی و دولتی	بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی... . دستگاه‌های حکومتی و دولتی - دولتی به معنای عام - در این جهت وظیفه مضاعف دارند. فلان وزارتخانه، فلان سازمان، فلان اداره وقتی می‌خواهد جنس داخلی خودش را تأمین کند، مطلقاً باید از جنس خارجی استفاده نکند؛ بروند سراغ تولیدات داخلی
۵	تولید درست و کامل و تمیز محصولات	تولیدکننده داخلی	از تولیدکننده داخلی - چه آن مدیر، چه آن کارگر، چه آن سرمایه‌گذار - خواسته می‌شود و اصرار می‌شود که کار را تمیز، درست و کامل ارائه دهند.
۶	توجه کردن به زندگی و معیشت طبقات ضعیف در برنامه‌ریزی‌ها	مسئولان	[مسئولان] ضعف‌ها را، خلاها را پُر کنند؛ اول بشناسند. در همه برنامه‌ریزی‌ها باید زندگی و معیشت طبقات ضعیف مورد توجه قرار گیرد؛ بعد برای آنها برنامه‌ریزی کنند.

۷	حرکت جهش‌گونه در اقتصاد و خلق حماسه برای پیشرفت کشور و ایجاد یأس در دشمن	آحاد مردم در بخش‌های مولد، مصرف و خدمات	آحاد مردم، چه در مصرفشان، چه در تولیدشان؛ بخش‌های مولد یک جور، بخش‌های مصرف‌کننده یک جور، بخش‌های خدمات یک جور؛ بدانند که برای پیشرفت کشور حرکت جهش‌گونه لازم است، خلق حماسه لازم است؛ آن وقت کشور پیش خواهد رفت، استقرار پیدا خواهد شد... اگر چنانچه این حرکت عظیم اقتصادی، این جهش اقتصادی، این برنامه‌ریزی درست، چه در بخش قانون‌گذاری، چه در بخش اجرا، در سطوح مختلف، مورد توجه قرار بگیرد، همه این فشارها خنثی خواهد شد. ملت ایران و مسئولان کشور باید با عزم راسخ، دشمن را مأیوس کنند.
۸	تحقق بخشیدن به حماسه سیاسی با حضور آگاهانه در انتخابات و صحنه سیاست و مدیریت کشور	مردم	حماسه سیاسی، یعنی حضور آگاهانه مردم در صحنه سیاست کشور و مدیریت کشور؛ نمونه بارز همین حادثه انتخابات است که اندکی بعد ان‌شاءالله به توفیق الهی، در وقت مقرر، با حضور و شرکت شوق‌آفرین مردم انجام خواهد گرفت.
۹	اشتباه نکردن در محاسبه نیاز کشور به قدرت اجرایی و ارزیابی توان خود	داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری	ما عرض کردیم سلائق مختلف و هر کسی که احساس می‌کند توانائی دارد، بیاید وسط میدان؛ توده مردم و جمعیت عظیم ده‌ها میلیونی ملت هم ان‌شاءالله وارد میدان خواهند شد؛ اما در محاسبه، آن کسانی که داوطلب می‌شوند، اشتباه نکنند؛ بدانند مدیریت اجرایی کشور یعنی چه. نه در ارزیابی نیازی که کشور به یک قدرت اجرایی دارد، اشتباه کنند، نه در ارزیابی توان خودشان اشتباه کنند. اگر چنانچه ارزیابی درستی انجام دادند، بیایند توی میدان؛ ملت هم نگاه می‌کند، انتخاب می‌کند.



مقدمه

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد المصطفى و آله الأطيبين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

به شما میهمانان عزیز خوشامد میگویم و از خداوند عزیز و رحیم میخواهم که به این تلاش جمعی برکت دهد و آن را گام مؤثری در جهت بهروزی مسلمانان سازد. «آنه سمیع مجیب».

الف) جایگاه و اهمیت، آثار، نشانه‌ها و ابعاد بیداری اسلامی

۱. «بیداری اسلامی» قادر خواهد بود سربرآوردن تمدن اسلامی را در چشم‌اندازی نه‌چندان دور، برای امت اسلامی و جهان بشریت رقم زند

موضوع «بیداری اسلامی» که شما در این اجلاس به آن خواهید پرداخت، امروزه در صدر فهرست مسائل جهان اسلام و امت اسلامی است؛ پدیده‌ی شگرفی است که اگر باذن الله سالم بماند و

ادامه یابد، قادر خواهد بود سربرآوردن تمدن اسلامی را در چشم‌اندازی نه‌چندان دوردست، برای امت اسلامی و آنگاه برای جهان بشریت رقم زند.

۲. اکنون اسلام در مرکز عناصر تعیین‌کننده حوادث عالم، جایگاهی برجسته یافته است و این نخستین اثری است که بیداری اسلامی بر جای گذاشته است

آنچه امروز در برابر چشم ما است و هیچ انسان مطلع و هوشمندی نمیتواند آن را انکار کند، آن است که اکنون اسلام از حاشیه‌ی معادلات اجتماعی و سیاسی جهان خارج شده و در مرکز عناصر تعیین‌کننده‌ی حوادث عالم، جایگاهی برجسته و نمایان یافته است و نگاه تازه‌ای را در عرصه‌ی زندگی و سیاست و حکومت و تحولات اجتماعی عرضه میکند؛ و این در دنیای کنونی که پس از شکست کمونیزم و لیبرالیسم، دچار خلأ عمیق فکری و نظری است، پدیده‌ای مهم و پرمعنی به شمار میرود. این نخستین اثری است که حوادث سیاسی و انقلابی در شمال آفریقا و منطقه‌ی عربی، در مقیاس جهانی بر جای گذاشته است، و خود مبشر حقایق بزرگتری است که در آینده اتفاق خواهد افتاد.

۳. بارزترین نشانه بیداری اسلامی، اشتیاق به احیاء عظمت اسلام و آگاه شدن از ماهیت مستکبر نظام سلطه بین‌المللی، در سراسر دنیای اسلام است

بیداری اسلامی که سخنگویان جبهه‌ی استکبار و ارتجاع حتی از به زبان آوردن نام آن نیز پرهیز میکنند و میترسند، حقیقتی است که اکنون تقریباً در سراسر دنیای اسلام میتوان نشانه‌های آن را دید. بارزترین نشانه‌ی آن، اشتیاق افکار عمومی و بویژه در قشرهای جوان، به احیاء مجد و عظمت اسلام و آگاه شدن آنان از ماهیت نظام سلطه‌ی بین‌المللی و آشکار شدن چهره‌ی وقیح و ستمگر و مستکبر دولتها و کانونهائی است که بیش از دویست سال شرق اسلامی و غیراسلامی را در زیر پنجه‌های خونین خود فشرده و با نقاب تمدن و فرهنگ، هستی ملتها را دستخوش قدرت‌طلبی بیرحمانه و تجاوزگرانه‌ی خود کرده‌اند.

۴. ابعاد این بیداری، گسترده و دارای امتدادی رمزگونه است؛ تحقق وعده‌های الهی، نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید میدهد

ابعاد این بیداری مبارک بسی گسترده و دارای امتدادی رمزگونه است؛ ولی آنچه از دستاوردهای نقد آن در چند کشور شمال آفریقا دیده شد، میتواند دلها را به نتایج بزرگ و شگرف آینده به اطمینان برساند. همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه‌ی امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید میدهد.

۴,۱. حکایت قرآن از وعده‌هایی که خداوند به مادر موسی، پیامبر اسلام و مومنان داده است، نمونه‌هایی از این تاکتیک ربوبی است حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است. در آن هنگامه‌ی دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «أنا رادّوه اليك و جاعلوه من المرسلين» (۱) تحقق وعده‌ی اول که وعده‌ی کوچکتر و مایه‌ی دلخوشی مادر بود، نشانه‌ی تحقق وعده‌ی رسالت شد، که بسی بزرگتر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «فرددناه الى امّہ کی تقرّ عینها و لا تحزن و لتعلم انّ وعد الله حق» (۲) این وعده‌ی حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد.

نمونه‌ی دیگر، یادآوری قدرت فائقه‌ی الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است، که خداوند به وسیله‌ی پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امثال امر: «فلیعبدوا ربّ هذا البيت» (۳) به کار میبرد و میفرماید: «ألم يجعل کیدهم فی تضلیل» (۴) یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده‌ی: «ما ودّعک ربّک و ما قلی» (۵) از یادآوری نعمت معجزگون: «ألم یجدک یتیمًا فأوی. و وجدک ضالًّا فهدی» بهره میگیرد. و چنین نمونه‌هائی در قرآن بسیار است.

۴,۲. روزی که اسلام در ایران پیروز شد، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگری فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه‌ی بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی‌درپی فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید.

۱،۲،۴. واقعیت‌های درخشان جمهوری اسلامی، در سایه اعتماد به وعده الهی و مقاومت به دست آمده و تجربه‌ای گرانبها در دسترس
بیداری اسلامی است

واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه‌ی ضعفائی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: «أنا لمدركون» (۶) سر میدادند، نهیب زده‌اند که: «كلاً انّ معی ربّی سیهدین» (۷)

امروز این تجربه‌ای گرانبها در دسترس ملت‌هائی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند.

ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده‌ی: «و لینصرنّ الله من ینصره انّ الله لقوی عزیز» (۸) خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.

ب) بیان توصیه‌ها و راهبردهایی به علما و رهبران نهضت بیداری اسلامی و تعیین معیار حرکت و نوع نسبت نهضت با غرب و دشمنان اسلام

اکنون در این جلسه‌ی مهم که جمعی از علمای امت از کشورها و مذاهب گوناگون اسلامی در آن حضور یافته‌اند، شایسته میدانم به بیان چند نکته‌ی لازم در مسائل بیداری اسلامی بپردازم:

۱. نخستین امواج بیداری در کشورهای این منطقه، غالباً به وسیله‌ی علما و مصلحان دینی از کشورهای ایران، مصر، هند و عراق پدید آمد

اولین مطلب آن است که نخستین امواج بیداری در کشورهای این منطقه که همزمان با آغاز ورود پیشقراول‌های استعمار آغاز شد، غالباً به وسیله‌ی علمای دین و مصلحان دینی پدید آمد. نام رهبران و شخصیت‌های برجسته چون سیدجمال‌الدین و محمد عبده و میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و محمود الحسن و محمدعلی و شیخ فضل‌الله و حاج آقا نورالله و ابوالاعلی مودودی و دهها روحانی معروف بزرگ و مجاهد و متنفذ از کشورهای ایران و مصر و هند و عراق در صفحات تاریخ برای همیشه ثبت و ضبط است.

۱،۱. در دوران معاصر هم نام «امام خمینی» عظیم چون ستاره پرفروغی می درخشد؛ فهرست مصلحان دینی غیرروحانی نیز بلندو اعجاب‌انگیز است

در دوران معاصر هم نام درخشان «امام خمینی» عظیم چون ستاره‌ی پرفروغی بر تارک انقلاب اسلامی ایران میدرخشد. در این میان، صدها عالم معروف و هزاران عالم غیرمعروف نیز، امروز و دیروز، نقش‌آفرین حوادث اصلاحی بزرگ و کوچک در کشورهای گوناگون بوده‌اند. فهرست مصلحان دینی از قشرهای غیرروحانی همچون حسن‌البناء و اقبال لاهوری نیز بلند و اعجاب‌انگیز است.

۱،۲. رجال دین‌شناس هر جا که در نقش هدایتگر، پیشاپیش صفوف مردم حرکت کرده‌اند، نقش آنان در نشان دادن راه به مردم،

اثرگذارتر بوده است

روحانیان و رجال دین‌شناس کمابیش در همه جا مرجع فکری و سنگ صبور روحی مردم بوده‌اند و هر جا که در هنگامه‌ی تحولات بزرگ، در نقش هدایتگر و پیشرو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات حرکت کرده‌اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره‌ی آنان در نشان دادن راه به مردم، اثرگذارتر بوده است.

۱،۳. دشمنان سعی می کنند قطب‌های جدیدی برای این مرجعیت فکری بترانند؛ لذا عالمان دین باید با هوشیاری و دقت راه نفوذ دشمن را بکلی ببندند

این به همان اندازه که برای نهضت بیداری اسلامی دارای سود و برکت است، برای دشمنان امت و کینه‌ورزان با اسلام و مخالفان حاکمیت ارزش‌های اسلامی، دغدغه‌آفرین و نامطلوب است و سعی میکنند این مرجعیت فکری را از پایگاه‌های دینی سلب کرده و قطب‌های جدیدی برای آن بترانند؛ که به تجربه دریافته‌اند که با آنان میتوان بر سر اصول و ارزش‌های ملی براضی معامله کرد! چیزی که در مورد عالمان باتقوا و رجال دینی متعهد هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

این، وظیفه‌ی عالمان دین را سنگین‌تر میکند. آنها باید با هوشیاری و دقت فراوان، و با شناخت شیوه‌ها و ترفندهای فریبنده‌ی دشمن، راه نفوذ را بکلی ببندند و فریب دشمن را ناکام کنند.

۱،۳،۱. آلوده شدن به صله و احسان صاحبان زر و زور، و منیت و قدرت‌طلبی که به سوی قطب‌های قدرت گرایش می دهد، بستر فساد و انحراف است

نشستن بر سفره‌ی رنگین متاع دنیا، از بزرگترین آفته‌ها است. آلوده شدن به صله و احسان صاحبان زر و زور و نمک‌گیر شدن در برابر طاغوت‌های شهوت و قدرت، خطرناک‌ترین عامل جدائی از مردم و از دست دادن اعتماد و صمیمیت آنها است. منیت و قدرت‌طلبی که سست‌عنصران را به گرایش به سوی قطب‌های قدرت فرا میخواند، بستر آلودگی به فساد و انحراف است. این آیه‌ی قرآن را همواره باید در گوش داشته باشند که: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض و لا فساداً و العاقبة للمتقين» (۹)

امروز در دوران حرکت‌های امیدبخش بیداری اسلامی، گاه صحنه‌هائی دیده میشود که نمایشگر تلاش عمده‌ی آمریکا و صهیونیسم برای تراشیدن مرجعیت‌های فکری نامطمئن از یک سو، و تلاش قارون‌های شهوتران برای کشاندن اهل دین و تقوا بر سر بساط مسموم و آلوده‌ی خود، از سوی دیگر است. علمای دین و رجال دیندار و دین‌مدار، باید بشدت مراقب و دقیق باشند.

۲. ترسیم نقشه راه و تعیین اهداف میانی و نزدیک مبتنی بر شناسایی هدف بلندمدت، یکی از لوازم مهم نهضت بیداری اسلامی است

دومین نکته، لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است؛ نقطه‌ی متعالی و والائی که بیداری ملت‌ها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسائی این نقطه است که میتوان نقشه‌ی راه را ترسیم کرد و هدف‌های میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود.



۲,۱. هدف نهائی و بلندمدت این حرکت نمی تواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد

این هدف نهائی نمیتواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه‌ی ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد.

شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگوئی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، میتوان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است.

۲,۲. نباید با نگاه شتابزده یا بدبینانه به این چشم‌انداز نگریم؛ میتوانیم حلقه انحصار قدرتهای سلطه‌گر را بشکنیم و پیشرو احقاق حق ملت‌های جهان باشیم

تجربه نشان داده است که اینها همه، کارهای ممکن و در دسترس توانائیهای جوامع ما است. نباید با نگاه شتابزده یا بدبینانه به این چشم‌انداز نگریم. بدبینی به توانائیهای خود، کفران نعمت الهی است؛ و غفلت از امداد الهی و کمک سنتهای آفرینش، فرو لغزیدن به ورطه‌ی: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ» (۱۰) است. ما میتوانیم حلقه‌ی انحصارات علمی و اقتصادی و سیاسی قدرتهای سلطه‌گر را بشکنیم و امت اسلامی را پیشرو احقاق حق اکثریت ملت‌های جهان که اینک مقهور اقلیت مستکبرند، باشیم.

۲,۲,۱. تمدن اسلامی با شاخصه‌های ایمان، علم، اخلاق و مجاهدت مداوم، نقطه رهائی از جهان‌بینی مادی و اخلاق به لجن کشیده تمدن غرب است

تمدن اسلامی میتواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه‌ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه‌ی بشریت هدیه دهد و نقطه‌ی رهائی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد.

۳. در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست، اخلاق، رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد

مطلب سوم آن است که در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه‌ی تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد. کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولتهای مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب‌ماندگی خجلت‌آور علمی، دچار شدند؛ و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخارآنگیز در همه‌ی این عرصه‌ها برخوردار بود.

۳,۱. این سخن به معنی دشمنی با غرب نیست؛ ادعای ما، علیه ظلم و استکبار، تحکم و تجاوز و فساد و انحطاط اخلاقی و عملی است

این سخن را نباید به معنی دشمنی با غرب دانست. ما با هیچ گروهی از انسانها به خاطر تمایز جغرافیائی، دشمنی نداریم. ما از علی (علیه‌السلام) آموخته‌ایم که در باره‌ی انسانها فرمود: «أَمَّا اخ لک فی الدِّین او نظیر لک فی الخلق». (۱۱) ادعای ما، علیه ظلم و استکبار، و تحکم و تجاوز، و فساد و انحطاط اخلاقی و عملی است که از سوی قدرتهای استعماری و استکباری بر ملت‌های ما وارد شده است. هم‌اکنون نیز تحکمه‌ها و دخالت‌ها و زورگوئی‌های آمریکا و برخی دنباله‌روانش در منطقه را در کشورهایی که نسیم بیداری در آنها به طوفان قیام و انقلاب بدل شده است، مشاهده میکنیم.

۳,۲. وعده‌ها و وعیدهای دشمنان نباید در تصمیم‌ها و اقدام‌های نخبگان سیاسی و حرکت عظیم مردمی اثر بگذارد؛ اینجا نیز باید از تجربه‌ها درس بیاموزیم

وعده‌ها و وعیدهای آنان نباید در تصمیم‌ها و اقدام‌های نخبگان سیاسی و در حرکت عظیم مردمی اثر بگذارد. در اینجا نیز باید از تجربه‌ها درس بیاموزیم. آنها که در طول سالیان به وعده‌های آمریکا دل خوش کرده و رکون به ظالم را مبنای مشی و سیاست خود ساختند، نتوانستند گرهی از کار ملت خود بکشایند، یا ستمی را از خود یا دیگران برطرف کنند. آنها با تسلیم در برابر آمریکا نتوانستند از ویرانی حتی یک خانه‌ی فلسطینی در سرزمینی که متعلق به فلسطینیان است، جلوگیری کنند. سیاستمداران و نخبگانی که فریفته‌ی تطمیع یا مرعوب تهدید جبهه‌ی استکبار شوند و فرصت بزرگ بیداری اسلامی را از دست دهند، باید از این تهدید الهی بیمناک باشند که فرمود: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ. جَهَنَّمَ يَصْلُونَهَا وَ بئس القرار». (۱۲)

۴. یکی از خطرناک‌ترین اموری که نهضت بیداری اسلامی را تهدید میکند، اختلاف‌افکنی و معارضه‌های خونین فرقه‌ای، مذهبی، قومی و ملی است

نکته‌ی چهارم آن است که امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید میکند، اختلاف‌افکنی و تبدیل این نهضت‌ها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم‌اکنون از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب و صهیونیسم، با کمک دلارهای نفتی و سیاستمداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و بویژه در منطقه‌ی عربی، با جد و اهتمام دنبال میشود و پولی که میتوانست در خدمت بهروزی خلق خدا باشد، خرج تهدید و تکفیر و ترور و بمبگذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه‌های درازمدت میگردد. آنها که قدرت یکپارچه‌ی اسلامی را مانع هدفهای خبیث خود میدانند، دامن‌زدن به اختلاف‌ها در درون امت اسلامی را آسانترین راه برای مقصود شیطانی خود یافته‌اند و تفاوت‌های نظری در فقه و کلام و تاریخ و حدیث را - که طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است - دستاویز تکفیر و خونریزی و فتنه و فساد ساخته‌اند.

۴,۱. بی‌شک دست‌گذار دشمن از جهل‌ها، عصبیت‌ها و سطحی‌نگری‌ها در میان جوامع ما بهره‌برداری میکند و بر روی آتش اختلاف، بنزین می‌ریزد



نگاه هوشمندانه به صحنه‌ی درگیریه‌های داخلی، دست دشمن را در پس این فاجعه‌ها بروشنی نشان می‌دهد. این دست غدار، بی‌شک از جهل‌ها و عصبیتها و سطحی‌نگری‌ها در میان جوامع ما بهره‌برداری میکند و بر روی آتش، بنزین میریزد. وظیفه‌ی مصلحان و نخبگان دینی و سیاسی در این ماجرا بسیار سنگین است. اکنون لیبی به گونه‌ای، مصر و تونس به گونه‌ای، سوریه به گونه‌ای، پاکستان به گونه‌ای، و عراق و لبنان به گونه‌ای درگیر یا در معرض این شعله‌های خطرناکند.

۴,۲. تبلیغات دشمن، جنگ ویرانگر در سوریه را نزاع شیعه و سنی وانمود میکند؛ در حالیکه دو طرف، طرفداران مقاومت ضدصهیونیستی و مخالفان آنند

باید بشدت مراقب و در پی علاج بود. ساده‌اندیشی است که این همه را به عوامل و انگیزه‌های عقیدتی و قومی نسبت دهیم. تبلیغات غرب و رسانه‌های منطقه‌ای وابسته و مزدور، جنگ ویرانگر در سوریه را نزاع شیعه و سنی وانمود میکنند و حاشیه‌ی امنی برای صهیونیستها و دشمنان مقاومت در سوریه و لبنان پدید می‌آورد. این در حالی است که دو طرف نزاع در سوریه، نه سنی و شیعه، بلکه طرفداران مقاومت ضدصهیونیستی و مخالفان آنند. نه دولت سوریه یک دولت شیعی، و نه معارضه‌ی سکولار و ضد اسلام آن یک گروه سنی‌اند. تنها هنر گرداندگان این سناریوی فاجعه‌آمیز آن است که توانسته‌اند از احساسات مذهبی ساده‌اندیشان در این آتش‌افروزی مهلک استفاده کنند. نگاه به صحنه و دست‌اندرکاران سطوح مختلف آن، میتواند مسئله را برای هر انسان منصفی روشن کند.

۴,۳. این موج تبلیغات در مورد بحرین به گونه‌ای دیگر به دروغ و فریب سرگرم است

این موج تبلیغات در مورد بحرین نیز به گونه‌ای دیگر به دروغ و فریب سرگرم است. در بحرین، اکثریتی مظلوم که سالهای متمادی است از حق رأی و دیگر حقوق اساسی یک ملت، محرومند، به مطالبه‌ی حق خود برخاسته‌اند. آیا چون این اکثریت مظلوم شیعه‌اند و حکومت جبار سکولار، متظاهر به سنی‌گری است، باید این را نزاع شیعه و سنی دانست؟ استعمارگران اروپائی و آمریکائی و همپایه‌های آنان در منطقه البته میخواهند چنین وانمود کنند، ولی آیا این حقیقت است؟ اینها است که علمای دین و مصلحان منصف را به تأمل و دقت و احساس مسئولیت فرا میخواند و شناختن هدفهای دشمنان در عمده کردن اختلافات مذهبی و قومی و حزبی را بر همه فرض میسازد.

۵. یکی از معیارهای درستی مسیر نهضت‌های بیداری اسلامی را می‌توان در نوع موضعگیری آنان در قبال مسئله‌ی فلسطین جستجو کرد

نکته‌ی پنجم آن است که درستی مسیر نهضت‌های بیداری اسلامی را از جمله باید در موضعگیری آنان در قبال مسئله‌ی فلسطین جستجو کرد. از ۶۰ سال پیش تاکنون داغی‌بزرگتر از غصب کشور فلسطین بر دل امت اسلامی نهاده نشده است. فاجعه‌ی فلسطین از روز اول تاکنون، ترکیبی از کشتار و ترور و ویرانگری و غصب و تعرض به مقدسات اسلامی بوده است. وجود ایستادگی و مبارزه در برابر این دشمن حربی و غاصب، مورد اتفاق همه‌ی مذاهب اسلامی و محل اجماع همه‌ی جریانات صادق و سالم ملی بوده است.

۵,۱. هر کس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه ببرد و به جبهه‌ی مقاومت پشت کند، متهم است

هر جریانی در کشورهای اسلامی که این وظیفه‌ی دینی و ملی را به ملاحظه‌ی خواست تحکم‌آمیز آمریکا یا به بهانه‌ی توجیه‌های غیرمنطقی، به دست فراموشی بسپارد، نباید انتظار داشته باشد که به چشم وفاداری به اسلام یا صداقت در ادعای میهن‌دوستی به او نگریسته شود. این یک محک است. هر کس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه ببرد و به جبهه‌ی مقاومت پشت کند، متهم است. امت اسلامی باید در همه جا و همه وقت، این معیار و شاخص نمایان و اساسی را در مدنظر داشته باشد.

۶. کید دشمن را هرگز از نظر دور مدارید، غفلت ما برای دشمنان فرصت‌آفرین است؛ تجربه‌ی ما در جمهوری اسلامی در این زمینه نیز عبرت‌آموز است

میهمانان عزیز! برادران و خواهران! کید دشمن را هرگز از نظر دور مدارید. غفلت ما برای دشمنان ما فرصت‌آفرین است. درس علی(علیه‌السلام) به ما این است که: «من نام لم ینم عنه» (۱۳) تجربه‌ی ما در جمهوری اسلامی در این زمینه نیز عبرت‌آموز است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولتهای مستکبر غربی و آمریکا که مدتهای مدید پیش از آن، طاغوتهای ایرانی را در مشت خود گرفته و سرنوشت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشورمان را رقم میزدند و نیروی پر قدرت ایمان اسلامی در درون جامعه را دست‌کم گرفته و از توان بسیج و هدایت اسلام و قرآن بی‌خبر مانده بودند، ناگهان به غفلت خود پی بردند و دستگاههای حاکمیتی و سرویسهای اطلاعاتی و اتاقهای فرمان آنان به کار افتادند تا شکست فاحش خود را جبران کنند.

۶,۱. تا کنون ایستادگی بر سر اصول اسلامی، و حضور مردم در صحنه مکر دشمنان ما را نقش بر آب کرده؛ این دو عامل در همه جا کلید فتح و فرج است

انواع توطئه‌ها و ترفندها را در این سی‌وچند سال از آنان دیده‌ایم. چیزی که مکر آنان را نقش بر آب کرده است، در اصل دو عامل اساسی است: ایستادگی بر سر اصول اسلامی، و حضور مردم در صحنه. این دو عامل در همه جا کلید فتح و فرج است. عامل اول به وسیله‌ی ایمان صادقانه به وعده‌ی الهی، و عامل دوم به برکت تلاش مخلصانه و تبیین صادقانه تضمین میشود. ملتی که صدق و صمیمیت پیشوایان را باور کند، صحنه را از حضور پر برکت خود رونق میبخشد؛ و هر جا که ملت با عزم راسخ در صحنه بماند، هیچ قدرتی توان شکست دادن آن را نخواهد داشت. این تجربه‌ی موفقی برای همه‌ی ملت‌هایی است که با حضور خود بیداری اسلامی را رقم زدند.

موخره

از خداوند متعال هدایت و دستگیری و کمک و رحمتش را برای شما و همه‌ی ملت‌های مسلمان مسئلت میکنم. والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	مراقبت از آلوده نشدن به صله و احسانِ صاحبان زر و زور	علمای بیداری اسلامی	<p>[دشمنان بیداری اسلامی] سعی می‌کنند... مرجعیت فکری را از پایگاه‌های دینی سلب کرده و قطب‌های جدیدی برای آن بتراشند؛ که به تجربه دریافته‌اند که با آنان می‌توان بر سر اصول و ارزش‌های ملی به راحتی معامله کرد! چیزی که در مورد عالمان باتقوا و رجال دینی متعهد هرگز اتفاق نخواهد افتاد. این، وظیفه عالمان دین را سنگین‌تر می‌کند. آنها باید با هوشیاری و دقت فراوان و با شناخت شیوه‌ها و ترفندهای فریبنده دشمن، راه نفوذ را به کلی ببندند و فریب دشمن را ناکام کنند.</p> <p>نشستن بر سفره رنگین متاع دنیا، از بزرگ‌ترین آفت‌ها است. آلوده شدن به صله و احسانِ صاحبان زر و زور و نمک‌گیر شدن در برابر طاغوت‌های شهوت و قدرت، خطرناک‌ترین عامل جدایی از مردم و از دست دادن اعتماد و صمیمیت آنها است. منیت و قدرت‌طلبی که سست‌عنصران را به گرایش به سوی قطب‌های قدرت فرا می‌خواند، بستر آلودگی به فساد و انحراف است. این آیه قرآن را همواره باید در گوش داشته باشند که: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض و لا فساداً و العاقبة للمتقين».</p>
۲	مراقبت از آلوده نشدن به فساد و انحراف به واسطه منیت، قدرت‌طلبی و گرایش به قطب‌های قدرت	علمای بیداری اسلامی	<p>[علمای بیداری اسلامی مراقب باشند که] منیت و قدرت‌طلبی که سست‌عنصران را به گرایش به سوی قطب‌های قدرت فرا می‌خواند، بستر آلودگی به فساد و انحراف است. این آیه قرآن را همواره باید در گوش داشته باشند که: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض و لا فساداً و العاقبة للمتقين».</p>

<p>وعده‌ها و وعیدهای آنان [یعنی دشمنان بیداری اسلامی] نباید در تصمیم‌ها و اقدام‌های نخبگان سیاسی و در حرکت عظیم مردمی اثر بگذارد. در اینجا نیز باید از تجربه‌ها درس بیاموزیم. آنها که در طول سالیان به وعده‌های آمریکا دل خوش کرده و رکون به ظالم را مبنای مشی و سیاست خود ساختند، نتوانستند گرهی از کار ملت خود بگشایند، یا ستمی را از خود یا دیگران برطرف کنند. آنها با تسلیم در برابر آمریکا نتوانستند از ویرانی حتی یک خانه فلسطینی در سرزمینی که متعلق به فلسطینیان است، جلوگیری کنند. سیاستمداران و نخبگانی که فریفته تطمیع یا مرعوب تهدید جبهه استکبار شوند و فرصت بزرگ بیداری اسلامی را از دست دهند، باید از این تهدید الهی بیمناک باشند که فرمود: «ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و اهلوا قومهم دار البوار جهنم یصلونها و بئس القرار».</p>	<p>نخبگان سیاسی و مردم</p>	<p>اثر نگذاشتن وعده‌ها و وعیدهای دشمنان بیداری اسلامی در تصمیم‌ها و اقدام‌ها</p>	<p>۶</p>
<p>امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید می‌کند، اختلاف‌افکنی و تبدیل این نهضت‌ها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است... نگاه هوشمندانه به صحنه درگیری‌های داخلی، دست دشمن را در پس این فاجعه‌ها به روشنی نشان می‌دهد. این دست غدار، بی‌شک از جهل‌ها و عصبیت‌ها و سطحی‌نگری‌ها در میان جوامع ما بهره‌برداری می‌کند و بر روی آتش، بنزین می‌ریزد. وظیفه مصلحان و نخبگان دینی و سیاسی در این ماجرا بسیار سنگین است... اینها است که علمای دین و مصلحان منصف را به تأمل و دقت و احساس مسئولیت فرا می‌خواند و شناختن هدف‌های دشمنان در عمده کردن اختلافات مذهبی و قومی و حزبی را بر همه فرض می‌سازد.</p>	<p>علمای دین و مصلحان و نخبگان دینی و سیاسی</p>	<p>دقت و تأمل در شناخت هدف‌های دشمن برای تبدیل بیداری اسلامی به معارضه‌های خونین</p>	<p>۷</p>



<p>ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان [لازم] است؛ نقطه متعالی و والائی که بیداری ملت‌ها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسائی این نقطه است که می‌توان نقشه راه را ترسیم کرد و هدف‌های میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود. این هدف نهایی نمی‌تواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه ابعاض خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد.</p>	<p>علمای بیداری اسلامی</p>	<p>ترسیم نقشه راه و تعیین اهداف میان‌مدت و نزدیک بیداری اسلامی، مبتنی بر هدف بلندمدت تمدن درخشان اسلامی</p>	<p>۳</p>
<p>نباید با نگاه شتابزده یا بدبینانه به این چشم‌انداز [ایجاد تمدن درخشان اسلامی] نگریم. بدبینی به توانائی‌های خود، کفران نعمت الهی است؛ و غفلت از امداد الهی و کمک سنت‌های آفرینش، فرو لغزیدن به ورطه: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ» است. ما می‌توانیم حلقه انحصارات علمی و اقتصادی و سیاسی قدرت‌های سلطه‌گر را بشکنیم و امت اسلامی را پیشرو احقاق حق اکثریت ملت‌های جهان که اینک مقهور اقلیت مستکبرند، باشیم.</p>	<p>علمای بیداری اسلامی</p>	<p>نداشتن نگاه شتابزده یا بدبینانه به ایجاد تمدن درخشان اسلامی</p>	<p>۴</p>
<p>در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد. کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولت‌های مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب‌ماندگی خجالت‌آور علمی، دچار شدند؛ و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخارآنگیز در همه این عرصه‌ها برخوردار بود.</p>	<p>علمای بیداری اسلامی</p>	<p>توجه دائم به تجربه تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست، اخلاق، رفتار و سبک زندگی</p>	<p>۵</p>



دیدار جمعی از مداحان

در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها

۱۳۹۲/۰۲/۱۱



مقدمه

این عید شریف را، میلاد مسعود را، روز شادی و فرح و طراوت دل‌های شیعیان را در طول تاریخ، به همه‌ی شما عزیزان، برادران، خواهران، بلبلان باغ مدحت آل پیغمبر، و ثناگستران برترین و بهترین خلائق عالم و آدم تبریک عرض میکنم. امیدواریم خداوند متعال از همه‌ی شما عزیزانی که برنامه اجرا کردید - خوانندگان، سرایندگان، اجرا کنندگان و مجموعه‌ی شما عزیزان - این توسل را به بهترین وجهی قبول بفرماید. بنده‌ی حقیر، خدا را سپاسگزارم که توفیق مرحمت کرده است؛ شاید حدود سی سال یا بیشتر است که ما این توسل را در این روز داریم و بحمدالله رونق و شکوه و معنویت و رشد مفاهیم و معانی را انسان در پیشرفت سالها مشاهده میکند. امسال برنامه‌ای که اجرا کردید، بسیار خوب بود؛ هم از لحاظ محتوا، هم از لحاظ قالب؛ شعرها خوب بود، اجراها و خواندن‌ها خیلی خوب بود. ان‌شاءالله که شما دوستان و عزیزان روزبه‌روز در جهت معرفت‌افزائی و نورپراکنی در فضای ذهنی جامعه، موفق‌تر باشید.

الف) جایگاه والای مدیحه سرای خاندان پیامبر؛ توصیه‌هایی به مداحان در ارتقا جایگاه مداحی و نقش امید آفرین آنان در حماسه سازی

۱. این سلسله، رشته، جریان و شبکه توسل به اهل‌بیت و برانگیختن عواطف در کنار عقل و خرد، فرصت خیلی مهمی برای کشور ماست

مدیحه‌سرایی خاندان پیغمبر است؛ این مهمی که شماها بر عهده گرفته‌اید. امروز بحمدالله در سرتاسر کشور شبکه‌ی مداحان و ثناگستران خاندان پیغمبر توسعه پیدا کرده است؛ جمعیت زیادی، استعداد‌های زیادی، دل‌های مشتاقی در میان خود مداحان - که از جوان‌های ما، پیشکسوت‌های ما، اساتید ما تشکیل شده است - بحمدالله میان مردم میروند و وسیله‌ی توسل مردم را فراهم میکنند و سفره‌ی برکت اهل‌بیت را میگسترانند؛ این یک فرصتی است برای کشور ما؛ مثل خیلی از فرصتهای دیگری که ما داریم. برادران مسلمان ما در کشورهای دیگر، خیلی از فرصتهای ما را ندارند؛ یکی‌اش همین است. این سلسله و رشته و جریان و شبکه‌ی توسل به اهل‌بیت و محبت اهل‌بیت و برانگیختن عواطف، خیلی فرصت مهمی است.

۸	مدنظر داشتن، معیار و شاخص نمایان و اساسی حمایت از ملت فلسطین در همه جا و همه وقت	امت اسلامی	هر جریانی در کشورهای اسلامی که این وظیفه دینی و ملی را به ملاحظه خواست تحکم‌آمیز آمریکا یا به بهانه توجیه‌های غیرمنطقی، به دست فراموشی بسپارد، نباید انتظار داشته باشد که به چشم وفاداری به اسلام یا صداقت در ادعای میهن‌دوستی به او نگریسته شود. این یک محک است. هر کس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه ببرد و به جبهه مقاومت پشت کند، متهم است. امت اسلامی باید در همه جا و همه وقت، این معیار و شاخص نمایان و اساسی را در مدنظر داشته باشد.
۹	از نظر دور نداشتن کید دشمن	علمای اسلامی	میهمانان عزیز! برادران و خواهران! کید دشمن را هرگز از نظر دور مدارید. غفلت ما برای دشمنان ما فرصت‌آفرین است. درس علی(علیه‌السلام) به ما این است که: «من نام لم ینم عنه». تجربه ما در جمهوری اسلامی در این زمینه نیز عبرت‌آموز است.



۱,۱. در میان دیگران، این مقدار دعای خوش لفظِ خوش معنای خوش مضمون وجود ندارد؛ این هم از اختصاصات امتیازات پیروان اهل بیت است

حالا به هر دلیلی، دیگران در مناطق دیگر، از این نعمت بزرگ، از این برکت عام، به این شکل برخوردار نیستند؛ ما داریم. یقیناً یکی از عواملی که دین را، معنویت را، عقیده را و اخلاق را در یک جمعیتی در طول تاریخ حفظ میکند، عواطف است؛ در کنار عقل و خرد و استدلال. انبیاء و فرستادگان الهی ننشسته‌اند با مردم با زبان فلسفی حرف بزنند؛ اگرچه برای فهمیدن کلام آنها و تعمق در بیان آنها، عقل فلسفی لازم بود و هست؛ یعنی فلاسفه‌ی بزرگ از سفره‌ی گسترده‌ی عمومی انبیای الهی بیشترین بهره را می‌برند؛ اما این سفره، سفره‌ی خاص نیست؛ لذا زبان آن، زبان استدلال عقلی و بگو و مگو و ان قلت و قلت نیست؛ این زبان، ترکیبی است از اندیشه و عقل و عواطف؛ عاطفه است که میتواند مسیر فهم عقلی و حرکت عقلی و جریان عقلی را هموار کند. ما به طور طبیعی این جریان را داریم؛ هم در جلسات مدح و عزا و شادی و مولودی‌خوانی و عزاداری، هم در جلسات دعاخوانی؛ این دعای کمیل، این دعای ندبه، این دعای امام حسین در عرفه، و دعاهائی که مخصوص ما است. در میان دیگران، این مقدار دعای خوش لفظِ خوش معنای خوش مضمون وجود ندارد؛ این هم از اختصاصات امتیازاتی است که بحمدالله پیروان اهل بیت از آن برخوردارند. اینها همه‌اش عقل و عاطفه را درآمیخته‌ی با یکدیگر در طول تاریخ و در عمق ذهن بشر و عواطف انسان جاری میکند.

۲. شأن مداح این است که بتواند با بیان هنری، معرفت را در بین مردم گسترش دهد؛ این محور اصلی است و شعر و لحن باید در این جهت قرار گیرد

بنابراین شأن مداح این است؛ یعنی برانگیختن عواطف، و به کمک اندیشه و خرد بردن این عواطف. شأن مداح و ستایشگر - این حرفه‌ای که امروز در کشور ما بحمدالله بوفور وجود دارد - این است که بتواند با بیان هنری، با شیوه‌ی هنری، با اجرای هنری، معرفت را در بین مردم گسترش دهد. این شد محور اصلی. شعری که انتخاب میکنید، لحنی که انتخاب میکنید، شیوه‌ای که در آن با مردم حرف میزنید، در این جهت قرار بگیرد؛ در جهت افزایش معرفت و عمق بخشیدن به هدایت مردم و دانائی‌های آنها از دین و از راه زندگی؛ این کاری است که جامعه‌ی مداح به بهترین وجهی میتواند انجام دهد.

۲,۱. گاهی تأثیر شعری که حامل معارف است، از ساعت‌ها سخن فصیح و بلیغ بیشتر و عمیق‌تر میشود؛ این یک فرصت است، نباید آن را ضایع کرد

بارها عرض کرده‌ایم و این یک حقیقتی است که وقتی شما یک قصیده را یا یک غزل را که حامل معارف است، در یک مجلسی میخوانید، گاهی از ساعتها سخن گفتن فصیح و بلیغ یک‌گوینده تأثیرش بیشتر و عمیق‌تر میشود؛ این یک فرصت است؛ از این فرصت باید استفاده کرد؛ این فرصت را نباید ضایع کرد. شعری که محتوا نداشته باشد، این فرصت را ضایع میکند؛ یا اگر چنانچه در آن یک نکته‌ی ضعیف و احیاناً غلط وجود داشته باشد، این فرصت را ضایع میکند؛ یا اگر چنانچه کیفیت اجرا جوری باشد که مرزهای شرعی را مخدوش کند، این فرصت ضایع شده است؛ یا اگر جوری باشد که نیازهای نقد را که امروز مردم به دانستن آنها احتیاج دارند، ندیده بگیرد،

این فرصت ضایع شده است.

۲,۲. اثری که مداحهای ما در اعماق جان رزمندگان جبهه گذاشتند، کم‌نظیر است؛ امروز هم توجه به نیاز روز در مداح‌های ما دیده می‌شود

فرض کنیم در دوران جنگ تحمیلی که کشور نیاز داشت به یک حماسه‌ی پرشور عملی و جهاد در میدان، جوانها هم آماده بودند، پدر و مادرها هم آماده بودند، یک نفری برود در مجالس و محافل خود، شعر هم بخواند، خوب هم اجرا کند، منتها اشاره‌ای به این نیاز وقت نکند؛ این ضایع کردن فرصت است.

آن روز مداحها نقشهای خیلی خوبی آفریدند. در این جبهه کارهائی که مداحهای ما کردند، اثری که آنها در اعماق جان رزمندگان ما گذاشتند، کم‌نظیر است. من بعضی را اطلاع دارم؛ مداحهای ترک‌زبان یک جور، مداحهای فارس‌زبان یک جور، همین آقایان مداحهای زنجان که امروز یکی از آنها اینجا خواندند، و جاهای دیگر و جاهای دیگر و از همه جا، و همچنین شعرائی که این مداحها را پشتیبانی میکردند، آن روز همه به وظیفه‌شان عمل کردند. امروز هم من نگاه میکنم، می‌بینم در میان این شعرهائی که خوانده شد، به نیازهای نقد توجه شده بود؛ نمونه‌ی کاملش همین شعر آقای سازگار است، که هر سال همین جور است. ایشان در این شعرها و سرودها یک پیوند لطیف درست هنری‌ای بین عرش و فرش میزند؛ از حریم ملکوت همین طور آرام و با شیوه‌ی هنری حرکت میکند، می‌آید در نیاز امروز، آنجا به این نیاز میرسد. ببینید، این ترکیب هنرمندانه است؛ شعر هم خوب است.

۳. حنجره، لحن و آهنگ و قریحه شعر، نعمت‌های الهی است؛ این نعمت‌ها را در خدمت معرفت افزایشی قرار دهید، نه اختلاف افکنی و تحریک عصبیت‌ها

شما از حنجره استفاده میکنید، که نعمت خدا است؛ از لحن و آهنگ استفاده میکنید، که نعمت خدا است؛ از شعر استفاده میکنید، که قریحه‌اش نعمت خداداد الهی است. این نعمتها در اختیار شما است؛ اینها را در خدمت چه قرار میدهید؟ در خدمت معرفت‌افزایی. اگر در خدمت اختلاف‌افکنی واقع شد، اگر در خدمت تحریک عصبیتهائی قرار گرفت که امروز به خاطر این عصبیته‌ها، متعصبین لجوج در نقاطی از دنیا بیست تا سی تا سر می‌برند، این استفاده، استفاده‌ی بدی است؛ این را خیلی مراقب باشید.

۳,۱. مراقب باشید شعر شما از طریق وسائل گوناگون انتقال پیام، افراد جاهل متعصب را تحریک نکند؛ تحریک عصبیت‌های اختلاف‌افکن، مصلحت نیست

شما اینجا یک شعری بخوانید، امروز هم که ویدئو و اینترنت و وسائل گوناگون انتقال پیام وجود دارد؛ عکس و تفصیلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهل متعصب را تحریک کند، بیندازد به جان یک مشت زن و بچه‌ی بی‌گناه، خون اینها را بریزد. مراقب این چیزها باشید. اینکه بنده این همه اصرار میکنم، تأکید میکنم برای اینکه اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کمرنگ کنید، برای این است. کسی خیال نکند که اگر ما بخواهیم نعمت این عشقی که دل‌های مردم ما را بحمدالله پر کرده و مالا مال از محبت اهل بیت است، شکرگزاری کنیم و این عواطف را تحریک کنیم، راهش آن است؛ نه، اشتباه است. اختلاف‌افکنی یا تحریک عصبیتهای اختلاف‌افکن،



مصلحت نیست؛ نه امروز مصلحت است، نه زمان امام صادق (علیه‌السلام) مصلحت بود؛ آنها هم جلویش را گرفتند. بعضی از افراد سطحی‌نگر به این مسئله توجه ندارند.

۳,۲. مراقب اختلاف افکنی داخلی هم باشید؛ با امیدآفرینی در مردم، به خلق حماسه کمک کنید، چون حماسه از دل می‌جوشد و با عقل هدایت میشود

همین طور است اختلافات داخلی و درونی. امروز مردم ما باید امید داشته باشند؛ اگر امید بود، حماسه خواهد بود. اینکه ما عرض کردیم «حماسه»، حماسه که دستوری نیست، بخشنامه‌ای نیست؛ بخشنامه صادر میکنیم، مردم حماسه ایجاد کنند! مگر میشود چنین چیزی؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل می‌جوشد، حماسه با عقل هدایت میشود، حماسه با ایمان پشتیبانی میشود؛ اینها که دستوری نیست. اگر چنانچه دل از امید خالی شد، فکر از منطق صحیح تهی شد، حماسه به وجود نمی‌آید. ما در ذهنها تردید ایجاد کنیم، در دلها یأس تزریق کنیم، حماسه به وجود می‌آید؟ معلوم است که نه.

۳,۲,۱. حماسه آفرینی یعنی فضای بدبینی و سوء ظن به وجود نیاید؛ بلکه فضای امید، خوشبینی و نگاه به چشم‌اندازهای قطعی و یقینی به وجود آید

حماسه‌آفرینی این است: فضای بدبینی به وجود نیاید؛ فضای سوء ظن به وجود نیاید؛ فضای امید، فضای خوشبینی، فضای نگاه به چشم‌اندازها به وجود آید؛ چشم‌اندازهایی که قطعی است، یقینی است، حقیقی است، تلقینی نیست.

۳,۲,۲. امروز حرکت عمیق و وسیع پیشرونده انقلاب به سوی اهداف، یک چشم‌انداز حقیقی است و نباید در جهاد مداوم برای تحقق آن تردید آفرینی کرد

مثلاً در اوائل دهه‌ی ۶۰ - سی سال قبل از این - اگر چنانچه ما میگفتیم آینده چنین و چنان خواهد شد، ممکن بود بعضی‌ها بگویند بله، اینها دارند تلقین میکنند؛ اما امروز که دیگر این حرفها نیست؛ امروز که داریم می‌بینیم حرکت عمیق و وسیع پیشرونده‌ی انقلاب و کشور را به سوی اهداف؛ هم اهداف مادی، هم اهداف معنوی؛ هم اهداف سیاسی، هم اهداف اجتماعی؛ هم اهداف داخلی، هم اهداف بین‌المللی؛ اینها جلوی چشم ما است؛ مگر کسی میتواند منکر شود؟ آن وقت این چشم‌اندازی را که امروز ما برای خودمان ترسیم میکنیم، کسی بیاید در آن تردید آفرینی کند، یأس آفرینی کند، ناامیدی به وجود بیاورد؛ همچنین در حرکت و جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است.

۳,۲,۳. جهاد مداوم شوق آفرین، نیاز پیشرفت و تمدن‌سازی است؛ امروز که به این جهاد نیاز مندیم، نباید کسی به تنبلی، انزوا و بیکارگی دعوت کند.

جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفته‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به

تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها میشود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و احلوا قومهم دار البوار»؛ (۱) این نباید بشود.

۴. مداحی، معرفت‌افزایی است؛ پراکندن معرفت، حکمت، امید و عقیده‌ی راسخ است؛ جوشاندن چشمه‌های عواطف در دلهاست

در بین شما عزیزان بحمدالله هم پیشکسوتها هستند، هم جوانها هستند، استعدادهای خوبی هم وجود دارد. در میان شما، گلهای پرتراوت نوری من مشاهده میکنم، که توانسته‌اید خوب وسط میدان بیایید و جای خالی گذشتگان را نه فقط پر کنید، بلکه برتر و بهتر از آنها - ما خیلی از گذشتگان را هم دیدیم - حرکت کنید.

آنچه که من به شما عرض میکنم، این است: مداحی، معرفت‌افزایی است. مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده‌ی راسخ است.

مداحی، جوشاندن چشمه‌های عواطف در دلها است؛ با استفاده‌ی از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا.

۵. اگر از لحاظ اخلاق، تدین و عفت‌نمود تحسین‌آوری داشتید، آثار مداحی مضاعف می‌شود؛ اما اگر بعکس شد، اثر این هنرها از بین خواهد رفت

البته یک اصل مسلمی وجود دارد عزیزان من! مردم از صدای شما خوششان می‌آید، از شعر شما لذت می‌برند، از اجرای شما - چه در مدحتان، چه در مصیبتتان - دلهایشان تکان می‌خورد و اشک می‌ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه میکنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین‌آوری داشتید، همه‌ی آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای نکرده بعکس شد؛ مردم نشانه‌ی تزلزل اخلاقی، نشانه‌ی عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبایی‌هایی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید.

۵,۱. مداح باید مراقب اخلاق، پاک‌ی زبان، پاک‌ی دامن، پاک‌ی دل و پاک‌ی دست باشد؛ وقتی در چنین جایگاهی قرار گرفت، یکانسان برجسته‌است

همه‌مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه‌ای‌ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران، نامداران عرصه‌ی دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم؛ شما هم همین طور. شما کسانی که در عرصه‌ی دین و معرفت و امور الهی دارید کار میکنید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاک‌ی زبان، پاک‌ی دامن، پاک‌ی دل، پاک‌ی دست. خدای متعال به شما کمک کند. یک مداح آستان فاطمی (سلام الله علیها) وقتی که در یک چنین جایگاهی قرار گرفت، یک انسان برجسته است. یعنی همین جوری که بین ماها فهمیده شده، دانسته شده و اعتقاد پیدا کرده‌ایم، کسانی که در راه مدح ائمه (علیهم‌السلام) و اظهار ارادت به این بزرگوار و توجه دادن دلها به این بزرگواران هستند، اینها پیش خدای متعال عزیز و محبوبند.



۶. لزومی ندارد در مجلس مولودی حتماً روضه خوانده شود؛ نگذارید در خارج اینگونه وانمود شود عواطف مردم به ائمه، منحصر در عزاداری است

البته امروز یک نکته‌ای در جلسه‌ی ما وجود داشت که این نکته، نکته‌ی مستحسنی است. من در این سالهای طولانی، خیلی اوقات به برادران مداح که اینجا میخواندند، این اعتراض را میکردم که جلسه‌ی جشن و مولود را تبدیل میکردند به مجلس عزاداری؛ مفصل روضه خواندند و اشک گرفتند! هر چیزی به جای خودش. به شما میگویند مداح. مداح یعنی چه؟ شاخصه‌ی اصلی شما مداحی است، نه روضه‌خوانی. روضه بخوانید، بنده طرفدار روضه‌خوانی‌ام، خودم هم روضه‌خوانم. اینجور نیست که در مجلس مولودی‌خوانی ائمه (علیهم‌السلام) هم حتماً باید یک روضه‌ای خوانده شود، یک دمی داده شود، یک اشکی گرفته شود؛ هیچ لزومی ندارد. بگذارید عواطفی که مردم نسبت به ائمه (علیهم‌السلام) دارند، در خارج اینجور وانمود نشود که منحصر است در قضیه‌ی گریه و سینه‌زنی و عزاداری؛ نه، عزاداری به جای خود، مدیحه و مولودی‌خوانی و شادی هم به جای خود؛ اینها را نباید با هم مخلوط کرد.

ب) گناه بزرگ تمدن غرب در مساله زن و انحطاط حتمی آن به همین دلیل؛ نگاه اسلام به زن و وظایف محوله به او؛ و مسائل قابل برنامه ریزی درباره زن

۱. یکی از سیئات تمدن مادی، حرکتی است که در مورد زن انجام دادند؛ گناه بزرگی که به این زودی قابل پاک و جبران شدن نیست

و اما نکته‌ی دوم که امروز شایسته است درباره‌اش صحبت شود، مسئله‌ی زن است. یکی از سیئات تمدن مادی، حرکتی است که در مورد زن انجام دادند. ما در این زمینه خیلی حرف داریم. گناه بزرگی که تمدن غرب در مورد جنس زن مرتکب شده است، نه به این زودی قابل پاک شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتی نه به آسانی قابل بیان کردن است. حالا اسمهای گوناگونی هم میگذارند - مثل همه‌ی کارهایشان - جنایت میکنند، اسمش را حقوق بشر میگذارند! ظلم میکنند، اسمش را طرفداری از ملتها میگذارند! حمله‌ی نظامی میکنند، اسمش را دفاع میگذارند! یکی از طبایع تمدن غربی، فریب است؛ دورویی، نفاق، دروغگوئی، تناقض در رفتار و گفتار؛

۱،۱. در دنیا کاری کرده‌اند که از مهمترین وظائف و خصوصیت حتمی زن این است که جلوه‌گری کند و زیبایی‌هایش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد

در قضیه‌ی زن هم عیناً همین جور است. آنها متأسفانه فرهنگ رائج خودشان را در کل دنیا گسترش داده‌اند. امروز در دنیا کاری کرده‌اند که یکی از مهمترین وظائف زن - اگر نگوئیم مهمترین وظائف - این است که جلوه‌گری کند، زیبایی‌های خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن! متأسفانه الان در دنیا اینجور شده. در رسمی‌ترین مجالس - مجالس سیاسی، مجالس گوناگون - مردها باید با شلوار بلند بیایند، باید با لباس پوشیده بیایند، اما زنها هرچه برهنه‌تر و عریان‌تر بیایند، اشکالی ندارد! این عادی است؟ این طبیعی است؟ این یک حرکت بر طبق طبیعت است؟ آنها این کار را کردند.

۱،۱،۱. عریان شدن زن را آزادی گذاشته اند و حجاب را اسارت معرفی می کنند؛ یکی از اولین آثار سوء این مسئله، سست شدن بنیان خانواده است

زن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه مایه‌ی التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته‌اند آزادی، اسم نقطه‌ی مقابلش را گذاشته‌اند اسارت! در حالی که احتجاب زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزه‌روز هم بیشتر میشکنند؛ اسمهای گوناگون هم رویش میگذارند. اولین یا شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسئله گذاشت، ویران کردن خانواده بود؛ بنیان خانواده سست شد. وقتی در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفاسد در این جامعه نهادینه میشود.

۱،۲. قانون های ابلهانه و خباثت‌آمیزی که تمدن غربی در مسائل جنسی می گذراد، آنها را به ته درّه می برد؛ این انحطاط، قابل جلوگیری نیست

مشکلاتی که امروز در غرب وجود دارد، این قانونهای ابلهانه و خباثت‌آمیزی که اینها در زمینه‌ی مسائل جنسی دارند میگذرانند، اینها را به ته درّه دارد حرکت میدهد. این انحطاط، قابل جلوگیری هم نیست؛ اینها محکوم به سقوطند. تمدن غربی چه بخواهد، چه نخواهد، دیگر قادر نیست جلوی این سقوط را بگیرد.

۱،۲،۱. زوال تمدنها، مثل سر برآوردن تمدنها، یک امر تدریجی است و این تدریج اتفاق افتاده است؛ تمدن غربی محکوم به شکست است

ترمز این وسیله بریده است، جاده هم بشدت لغزنده و سراسیب است. اینها گناه کردند آن وقتی که ترمز را بریدند و آمدند خودشان را در لب این پرتگاه قرار دادند؛ لذا محکوم به شکستند. زوال تمدنها، مثل سر برآوردن تمدنها، یک امر تدریجی است - یک امر دفعی و فوری نیست - و این تدریج دارد اتفاق می‌افتد و گمان نمیکنم از چشم این نسل یا نسل بعد از این نسل دور بماند؛ خواهند دید که چه اتفاقی می‌افتد.

۲. در اسلام فرقی بین زن و مرد در حقوق اجتماعی و فردی نیست؛ فقط در چند مسئله‌ی اختصاصی شخصی امتیازاتی به زن داده شده است

خدای متعال در قرآن حدود تکریم زن را معین کرده است. زن پیش خدای متعال مثل مرد است. در طی مراتب معنوی و الهی، بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست. آن که این جاده را برایش درست کرده‌اند، انسان است، نه مرد یا زن. خدای متعال در تاریخ زنی مثل فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) می‌آفریند که امام عسکری یا امام هادی (علیهما السلام) - طبق حدیثی که از آنها نقل شده - میفرمایند: «نحن حجج الله علی خلقه و فاطمة حجّة الله علینا». فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) حجّتِ حجت خدا است، امام ائمه است؛ شخصیت، دیگر از این بالاتر؟ آن حضرت دارای مقام عصمت است. یک چنین انسانی، زن است. زنان بزرگ عالم: مریم، سارا، آسیه و دیگران و دیگران - بزرگانی که بودند - برجسته‌های عالم خلقتند. در این جاده‌ی تکامل و تعالی، آن که حرکت میکنند، انسان است. در حقوق



اجتماعی، فرقی بین زن و مرد نیست. در حقوق شخصی و فردی، بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. در چند مسئله‌ی اختصاصی شخصی امتیازاتی به زن داده شده است، در چند مسئله امتیازاتی به مرد داده شده؛ آن هم بر اساس اقتضای طبیعت زن و مرد؛ این اسلام است؛ متین‌ترین، منطقی‌ترین، عملی‌ترین قوانین و حدود و مرزهایی که ممکن است انسان در زمینه‌ی مسئله‌ی جنسیت فرض کند. باید دنبال این راه رفت؛ یکی از اساسی‌ترین تشکیلات خانواده است، یکی از اساسی‌ترینش اهتمام به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی است؛ که این به عهده‌ی کدبانوی خانه است.

۲,۱. مادران با زندگی کردن خود، فرزند تربیت می‌کنند؛ بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سواد و هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود

مادر میتواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالائی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت میکنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود.

۲,۲. یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است؛ گناه است که به آن با چشم حقارت نگاه کنیم؛ خانه داری یک شغل بزرگ است یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زنها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این میشود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز.

۲,۳. فرزندآوری یکی از مهمترین مجاهدت‌های بزرگ زنان، هنر زن و از وظائف آنهاست؛ متأسفانه در برهه‌ای این مساله مورد غفلت قرار گرفت

فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم، با عدم دقت‌هایی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم می‌بینیم؛ که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.

فرزندآوری یکی از مهمترین مجاهدتهای زنان و وظائف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل میکند، اوست که رنج‌هایش را میبرد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندامهای جسمانی‌اش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زنها است. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.

۳. تکریم زنان، رفتارهای زنان در محیط خانوادگی، کار، سیاست و اجتماع رفتار با زنان، مسائلی است که جداگانه باید مورد برنامه‌ریزی قرار گیرد

احترام زن و تکریم زن، یک مسئله است - که این حتماً باید مورد توجه و عنایت خاص باشد - رفتارهای زنان در محیط خانوادگی، در محیط کسب و کار، در محیط سیاست، در محیط اجتماعی، یک مسئله است؛ رفتار با زنان هم یک مسئله است. رفتار با زنان، ناظر به مردان است؛ چه مردان خانواده - مثل پدران، برادران و همسران - چه مردانی که در محیط‌های کار برخورد میکنند. رفتار با زن باید احترام‌آمیز، محبت‌آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفت باشد. بنابراین، هم تکریم زن، هم وظیفه‌ی زن، هم وظیفه‌ی نسبت به زن، جداگانه باید مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار بگیرد.

۴. اگر ما بتوانیم در زمینه زن، خانواده، مادر و همسر، فکر، تصمیم و عمل درست داشته باشیم، بدانید که آینده این کشور تضمین خواهد شد

روز زن و روز مادر که خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی انطباق پیدا کرده است با روز ولادت برگزیده‌ی خلقت، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، باید همه را توجه دهد به این نکات. اگر ما توانستیم در زمینه‌ی زن و خانواده و مادر و همسر، درست فکر کنیم، درست تصمیم بگیریم و درست عمل کنیم، بدانید که آینده‌ی این کشور تضمین شده است.

موخره

خداوند ان شاء الله به همه‌ی شما خیر بدهد، به همه‌ی شما برکت بدهد؛ به حنجره‌ی شما، به سینه‌ی شما برکت بدهد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

پاورقی

(۱) ابراهیم: ۲۸



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	استفاده از شعر و لحن در جهت افزایش و گسترش معرفت در میان مردم و عمق بخشیدن به هدایت و دانایی‌های آنها از دین و راه زندگی	مداحان	بنابراین، شأن مداح این است؛ یعنی برانگیختن عواطف و به کمک اندیشه و خرد بردن این عواطف. شأن مداح و ستایشگر - این حرفه‌ای که امروز در کشور ما بحمدالله به وفور وجود دارد - این است که بتواند با بیان هنری، با شیوه هنری، با اجرای هنری، معرفت را در بین مردم گسترش دهد. این شد محور اصلی. شعری که انتخاب می‌کنید، لحنی که انتخاب می‌کنید، شیوه‌ای که در آن با مردم حرف می‌زنید، در این جهت قرار بگیرید؛ در جهت افزایش معرفت و عمق بخشیدن به هدایت مردم و دانایی‌های آنها از دین و از راه زندگی؛ اینکاری است که جامعه مداح به بهترین وجهی می‌تواند انجام دهد.
۲	استفاده نکردن از اشعار بی‌محتوا یا دارای محتوای ضعیف و غلط	مداحان	بارها عرض کرده‌ایم و این یک حقیقتی است که وقتی شما یک قصیده را بایک غزل را که حامل معارف است، در یک مجلسی می‌خوانید، گاهی از ساعت‌ها سخن گفتن فصیح و بلیغ یک گوینده تأثیرش بیشتر و عمیق‌تر می‌شود؛ این یک فرصت است؛ از این فرصت باید استفاده کرد؛ این فرصت را نباید ضایع کرد. شعری که محتوا نداشته باشد، این فرصت را ضایع می‌کند؛ یا اگر چنانچه در آن یک نکته ضعیف و احیاناً غلط وجود داشته باشد، این فرصت را ضایع می‌کند.
۳	مخدوش نشدن مرزهای شرعی در مداحی	مداحان	اگر چنانچه کیفیت اجرا جویری باشد که مرزهای شرعی را مخدوش کند، این فرصت [بسیار خوب مداحی] ضایع شده است.

۴	توجه به نیازهای کشور در مداحی	مداحان	اگر [مداحی شما] جویری باشد که نیازهای نقد را که امروز مردم به دانستن آنها احتیاج دارند، ندیده‌بگیرد، این فرصت [بسیار خوب مداحی] ضایع شده است.
۵	قرار ندادن نعمت حنجره، لحن و آهنگ و قریحه شعر در خدمت اختلاف افکنی و تحریک عصبیت‌ها	مداحان	شما از حنجره استفاده می‌کنید که نعمت خدا است؛ از لحن و آهنگ استفاده می‌کنید که نعمت خدا است؛ از شعر استفاده می‌کنید که قریحه‌اش نعمت خداداد الهی است. این نعمت‌ها در اختیار شما است؛ اینها را در خدمت چه قرار می‌دهید؟ در خدمت معرفت‌افزایی. اگر در خدمت اختلاف‌افکنی واقع شد، اگر در خدمت تحریک عصبیت‌هایی قرار گرفت که امروز به خاطر این عصبیت‌ها، متعصبین لجوج در نقاطی از دنیا بیست تا، سی تا سر می‌برند، این استفاده بدی است؛ این را خیلی مراقب باشید.
۶	تحریک نکردن افراد جاهل و متعصب با اشعار	مداحان	شما اینجا یک شعری بخوانید، امروز هم که ویدئو و اینترنت و وسائل گوناگون انتقال پیام وجود دارد؛ عکس و تفصیلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهل متعصب را تحریک کند، بیندازد به جان یک مشت زن و بچه بی‌گناه، خون اینها را بریزد. مراقب این چیزها باشید.
۷	کمک به خلق حماسه با امیدآفرینی در مردم	مداحان	امروز مردم ما باید امید داشته باشند؛ اگر امید بود، حماسه خواهد بود. اینکه ما عرض کردیم «حماسه»، حماسه که دستوری نیست، بخشناه‌ای نیست؛ بخشناه صادر می‌کنیم، مردم حماسه ایجاد کنند! مگر می‌شود چنین چیزی؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل می‌جوشد، حماسه با عقل هدایت می‌شود، حماسه با ایمان پشتیبانی می‌شود؛ اینها که دستوری نیست.



۱۱	تبدیل نکردن جلسه جشن به مجلس عزا	مداحان	خیلی اوقات به برادران مداح که اینجای خوانند، این اعتراض را می‌کردم که جلسه جشن و مولود را تبدیلی کردند به مجلس عزاداری؛ مفصل روضه خوانند و اشک گرفتند! هر چیزی به جای خودش. به شما می‌گویند مداح. مداح یعنی چه؟ شاخصه اصلی شما مداحی است، نه روضه‌خوانی. روضه بخوانید، بنده طرفدار روضه‌خوانی‌ام، خودم هم روضه‌خوانم. این جور نیست که در مجلس مولودی خوانی ائمه (علیهم‌السلام) هم حتماً باید روضه‌ای خوانده شود، یک دمی داده شود، یکاشکی گرفته شود؛ هیچ لزومی ندارد.
۱۲	برنامه‌ریزی برای بالا رفتن سطح ایمان، سواد و هوش بانوان کشور	مسئولان حوزه زنان	مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالایی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیتی کنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود.
۱۳	برنامه‌ریزی در سه مسئله چگونگی تکریم زنان، رفتارهای زنان در محیط‌های مختلف و رفتار مردان با زنان در محیط‌های گوناگون	مسئولان حوزه زنان	احترام زن و تکریم زن، یک مسئله است - که این حتماً باید مورد توجه و عنایت خاص باشد - رفتارهای زنان در محیط خانوادگی، در محیط کسب و کار، در محیط سیاست، در محیط اجتماعی، یک مسئله است؛ رفتار با زنان هم یک مسئله است. رفتار با زنان، ناظر به مردان است؛ چه مردان خانواده - مثل پدران، برادران و همسران - چه مردانیکه در محیط‌های کار برخورد می‌کنند. رفتار با زن باید احترام‌آمیز، محبت‌آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفت باشد. بنابراین، هم تکریم زن، هم وظیفه زن، هم وظیفه نسبت به زن، جداگانه باید مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار بگیرد.



۸	دعوت نکردن به تنبلی و انزوا و بیکارگی در شرایطی که برای پیشرفت، به جهاد مداوم نیاز داریم	مداحان	جهاد مداوم، نیاز همه است. هم‌پیشرفت‌ها، هم‌تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدتِ دائم شده است. مجاهدتِ دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسبباید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، این‌ها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر الیالذین بدلوا نعمت الله کفراً و احلوا قومهم دار البوار»؛ این‌ها باید بشود.
۹	نبودن نشانه عقب‌ماندگی اخلاق و رفتار و عفت در مداح	مداحان	یک اصل مسلمی وجود دارد عزیزان من! مردم... به خود شما هم نگاه می‌کنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین آوریداشتید، همه آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای نکرده به عکس شد؛ مردم نشانه تزلزل اخلاقی، نشانه عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خداینکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبایی‌هایی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید.
۱۰	مراقبت از اخلاق، پاکی زبان، پاکی دامان، پاکی دل و پاکی دست	مداحان	همه‌مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه‌ای‌ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران، نامداران عرصه دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم؛ شما هم همین‌طور. شما کسانیکه در عرصه دین و معرفت و امور الهی دارید کار می‌کنید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکی زبان، پاکی دامان، پاکی دل، پاکی دست.





مقدمه

خوشامد عرض میکنم به همهی برادران و خواهران عزیز؛ امانتداران امانت بزرگ و ارزشمند ملی و اسلامی. هر کدام که در هر بخشی از این مجموعه‌ی بزرگ قرار دارید، به نوبه‌ی خود، کار مهم، اساسی، مؤثر، بالارزش و ان‌شاء‌الله ماندگاری را بر عهده خواهید داشت و عمل خواهید کرد؛ چه شورای محترم نگهبان و مجموعه‌ی نظارتی مرتبط با این شورا، چه وزارت محترم کشور و مجموعه‌های مردمی و دولتی عظیمی که وابسته‌ی به این تشکیلات هستند، چه مسئولان حفظ فضای امن و سالم انتخاباتی؛ مثل نیروی انتظامی و دیگران.

الف) تبیین جهات تلخ حادثه‌ی تخریب قبر حجرین عدی و ضرورت محکوم کردن کامل این حادثه غم‌انگیز از سوی همه مسلمانان

۱. حادثه‌ی تخریب قبر صحابی جلیل‌القدر، حجرین عدی (رضوان الله تعالی علیه و سلام الله علیه) از جهاتی تلخ است قبل از شروع عرایض کوتاهی که در این زمینه خواهم داشت، لازم است اشاره‌ای بکنم به یک حادثه‌ی تلخی که این روزها اتفاق افتاد؛ که هم خود حادثه تلخ بود، هم حاکی از دستهای پشت پرده‌ی زیادی بود؛ و آن، حادثه‌ی تخریب قبر صحابی جلیل‌القدر، حجرین عدی (رضوان الله تعالی علیه و سلام الله علیه) و اهانت به پیکر این بزرگوار بود. از جهاتی این قضیه تلخ است:

۱.۱. اصل شکافتن قبر صحابی پیامبر و حواری امیرالمومنین و اهانت به جسد مطهر ایشان، یک حادثه‌ی بسیار تلخ و غم‌انگیزی است خود اهانت به یک صحابی که از بزرگان اصحاب پیغمبر است و از حواریین امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) است و شهید در راه خدا است، قبر او را بعد از هزار و چهار صد سال بشکافند، جسد مطهر او را بیرون بیاورند و مورد اهانت قرار دهند، یک حادثه‌ی بسیار تلخ و غم‌انگیزی است.

۱.۲. این هم مصیبتی است که در میان امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر خود تجلیل از بزرگان صدر اسلام را کفر بدانند

در کنار این، تلخی دیگری که وجود دارد، این است که در میان مجموعه‌ی مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با

افکار پلید و متحجر و عقب‌مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره‌های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. اینها همان کسانی هستند که گذشتگانشان قبور ائمه (علیهم‌السلام) را در بقیع ویران کردند. آن روز که در دنیای اسلام، از شبه‌قاره‌ی هند گرفته تا آفریقا، علیه اینها قیام کردند، اگر اینها جرأت میکردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران میکردند، با خاک یکسان میکردند. ببینید چه فکر باطلی، چه روحیه‌ی پلیدی، چه انسانهای بداندیشی، احترام به بزرگان را اینجوری بخواهند نقض کنند و هتک کنند و این را جزو وظائف دینی بشمرند! در آن وقتی که اینها بقیع را ویران کردند، این را بدانید؛ سرتاسر دنیای اسلام علیه اینها اعتراض کرد. عرض کردم؛ از شرق جغرافیای اسلام - از هند - تا غرب جغرافیای اسلام، علیه اینها بسیج شدند.

۱.۳. جریان تکفیری خبیث که متأسفانه پول و امکانات در اختیار دارند و ابزار دست انگلیس و آمریکا هستند، یکی از مصائب اسلام است

اینها به عنوان اینکه این کارها پرستش است، این اقدامهای خبیث را میکنند! رفتن سر قبر یک انسانی و طلب رحمت کردن برای او از خدای متعال، و طلب رحمت کردن برای خود در آن فضای معنوی و روحانی، شرک است؟ شرک این است که انسان بشود ابزار دست سیاستهای اینتلیجنس انگلیس و سی.ای.ای آمریکا و با این اعمال، دل مسلمانان را غمدار کند، آزرده کند. اینها اطاعت و عبودیت و خاکساری در مقابل طواغیت زنده را شرک نمیدانند، احترام به بزرگان را شرک میدانند! خود این، یک مصیبتی است. جریان تکفیری خبیث که امروز در دنیای اسلام به برکت برخی از منابع مادی، متأسفانه پول و امکانات هم در اختیار دارند، یکی از مصائب اسلام است.

۲. شیعیان در هر نقطه‌ای که بودند و برادران اهل سنت هم در بسیاری نقاط این حادثه را محکوم کردند و بینش خود را نشان دادند

بحمدالله شیعیان در هر نقطه‌ای که بودند - چه در اینجا، چه در عراق، چه در پاکستان، چه در هر نقطه از نقاطی که شیعیان با قضیه‌ی این چند روز مواجه شدند - نشان دادند که دارای رشد فکری‌اند. دشمن میخواهد با این کار، آتش نزاعهای شیعه و سنی را تقویت کند؛ لیکن جامعه‌ی بزرگ شیعی، خانواده‌ی بزرگ پیروان اهل بیت نشان دادند که فریب این بازی را نمیخورند. برادران اهل سنت هم در بسیاری از نقاط این کار را محکوم کردند؛ آنها هم آگاهی و بینش خود را نشان دادند.

۲.۱. اگر این فتنه‌ها از سوی مسلمان‌ها به طور کامل محکوم نشود، آتشی به جان جامعه اسلامی می‌افتد که روزبه‌روز توسعه پیدا می‌کند

این باید ادامه پیدا کند. این از آن قضایائی نیست که دو روز، سه روز، پنج روز، یک هفته، یک سر و صدائی در دنیا درست کند، بعد رها شود. اینها اگر چنانچه به وسیله‌ی مسلمانها به طور کامل محکوم نشوند و بزرگان علمی و بزرگان روشنفکری و بزرگان سیاسی وظیفه‌ی خودشان را در مقابل اینها انجام ندهند، این فتنه‌ها به اینجاها منحصر نمی‌ماند؛ بلائی به جان جامعه‌ی اسلامی می‌افتد و روزبه‌روز این آتش توسعه پیدا میکند. باید جلوی این فتنه‌ها را بگیرند؛ چه از طرق سیاسی، چه از طرق فتوای دینی، چه از طرق مقاله‌های روشنگر نویسندگان و روشنفکران و نخبگان فکری و سیاسی در دنیا.

۳. در این کارها، دستهای پنهان دشمن نشانه‌های خود را نمایان می‌کند؛ سکوت حامیان این کور دلها، نشان می‌دهد در این قضیه داخلند

توجه شود به این که در این کارها دستهای پنهان دشمن نشانه‌های خودش را دارد نمایان میکند؛ این چیزی نیست که انسان بتواند این را ندیده بگیرد. آنهایی که برای تخریب یک اثر باستانی در دنیا عزا میگیرند و هیاهو میکنند، در مقابل این پدیده سکوت کرده‌اند؛ چه سازمانهای بین‌المللی، چه شخصیت‌های بین‌المللی، چه سیاسیونی که از این کوردلها دارند حمایت میکنند؛ این نشان دهنده‌ی این است که در قضیه داخلند؛ این قضیه، دستها را نشان میدهد.

۴. این را بدانید: آنها مکر می‌ورزند؛ اما مکر الهی قطعاً غالب خواهد شد و جریان مخالف پیشرفت امت اسلامی را متوقف خواهد کرد

این را بدانید: «ان ربك لبالمرصاد»، (۱) خدای متعال میفرماید: «أنهم يكيدون كيدا. و اكيد كيدا»؛ (۲) آنها مکر می‌ورزند، اما مکر الهی بر مکر آنها قطعاً غالب خواهد شد و این جریانی را که می‌خواهد در راه اتحاد امت اسلامی و پیشرفت امت اسلامی سنگ‌اندازی کند، متوقف خواهد کرد.

ب) اهمیت انتخابات ۹۲، تلاش دشمن در کمرنگ کردن انتخابات، توصیه‌هایی به مردم و کاندیداها و شاخص‌های رئیس‌جمهور مطلوب

۱. امسال به دلیل اینکه انتخابات ریاست جمهوری، شوراها و میان دوره‌ای با هم مجتمع است، از پاره‌ای از انتخابات گذشته مهمتر است

مسئله‌ی انتخابات در طول این سی و چهار سال برای کشور یک مسئله‌ی تعیین کننده و تجدید حیات دهنده برای مجموعه‌ی حرکت کشور ما بوده است. در طول این سالها، این سی و چند انتخاباتی که برگزار شده و مردم در پای صندوقهای رأی حاضر شده‌اند، هر باری یک مجموعه‌ی بلائی را از کشور دفع کرده است و هر باری توانسته است یک قوت جدیدی، روح جدیدی، در کالبد کشور و ملت و انقلاب بدمد؛ این دفعه هم از جهاتی، از پاره‌ای از انتخابات گذشته مهمتر است؛ که حالا یک جهت - همان طور که اشاره کردند - این است که انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراها، و در بعضی جاها انتخابات میاندوره‌ای بعضی از انتخاباتهای دیگر، با هم مجتمع شده است.

۱،۱. توجه به انتخابات ریاست جمهوری، اهمیت انتخابات شوراها را از چشم مسئولین، مردم و نخبگان دور ندارد

انتخابات ریاست جمهوری بسیار مهم است، انتخابات شوراها بسیار مهم است. توجه شود که توجه به انتخابات ریاست جمهوری نتواند اهمیت انتخابات شوراها را از چشم مسئولین، از چشم مردم، از چشم نخبگان، دور بدارد. این که ما از سطح روستا و شهر تا سطح کشور، کارها را، تصمیمها را، در نهایت به دست مردم میسپریم، خیلی حادثه‌ی مهمی است. شوراها مظهر یک چنین چیزی است.

۲،۱. از آنجا که امکانات و راه‌های پیمودن به سمت آرمانها در اختیار دولت قرار دارد، انتخابات ریاست جمهوری فوق‌العاده مهم است

دستگاه ریاست جمهوری هم که اهمیتش معلوم است. قانون اساسی و قوانین جاری کشور، این همه فعالیت و تلاش و امکانات و بودجه و راه‌های پیمودن به سمت آرمانها را در مقابل دستگاه دولتی و رئیس‌جمهور قرار داده است؛ بنابراین فوق‌العاده مهم است.

۲. تا قبل از جمهوری اسلامی، یک انتخابات سراسری عمومی پرشور واقعی اتفاق نیفتاده بود و امام بزرگوار ما طراح و مهندس این بنا بود

برگزاری انتخابات در کشور، از افتخارات جمهوری اسلامی است. آن روزی که در این کشور صحبت انتخابات شد، از اول مشروطه تا زمان جمهوری اسلامی - قبل از آن که این حرفها معنا نداشت - حقیقتاً به معنای واقعی کلمه، یک انتخابات سراسری عمومی پرشور واقعی اتفاق نیفتاده بود. حتی در دوران نهضت ملی هم اگرچه یک انتخابات واقعی بود، اما در حد شأن ملت ایران نبود، که مردم از ابعاد و اعماق روستاها بیایند پای صندوقهای رأی، خودشان بشناسند، خودشان بدانند، خودشان رأی بدهند؛ این اتفاق فقط در جمهوری اسلامی افتاد و امام بزرگوار ما مبتکر و طراح و مهندس این بنا بود. ایشان از همان اول کار اصرار کرد که باید همه‌پرسی برای تعیین نظام حکومتی در جمهوری اسلامی هرچه سریع‌تر انجام بگیرد.

۲،۱. در انقلابهای دنیا، همه‌پرسی برای تعیین نظام بعد از چند سال اتفاق می‌افتد؛ اما در جمهوری اسلامی، کمتر از پنجاه روز انجام گرفت

در انقلابهای دنیا این کارها بعد از سه سال، چهار سال، پنج سال، گاهی هم بیشتر، اتفاق می‌افتد؛ اما در جمهوری اسلامی، کمتر از پنجاه روز بعد از پیروزی انقلاب، همه‌پرسی سراسری انجام گرفت و آن جمعیت کثیر و عظیم و آن نسبت بالا، آمدند پای صندوقهای رأی و رأی دادند. این که به چه رأی دادند، مسئله‌ی دوم است؛ مسئله‌ی اول این است که مردم با همه‌ی وجود خود نشان دادند که در صحنه حاضرند و برای اقدام و برای تصمیم‌گیری و برای تعیین خطمشی آینده آماده‌اند. این از آنجا خشت اولش گذاشته شد، پایه‌گذاری شد و بعد هم ادامه پیدا کرد.

اوائل انقلاب که هنوز قانون اساسی فراهم نشده بود، آماده نشده بود و لازم بود مجلس خبرگان تشکیل شود، چند ماه بیشتر نگذشته بود که امام شورای انقلاب را احضار کردند قم. ما رفتیم. امام آنچنان تند و تلخ برخورد کردند: چرا اقدام نمیکنید برای تشکیل مجلسی که بتواند قانون اساسی را تنظیم کند؟ دیرش میشد امام.

۳. خیلی‌ها خواستند حضور مردم در انتخابات را کمرنگ کنند یا از وقت مقرر عقب بیندازند، اما نتوانستند؛ بعد از این هم نخواهند توانست

این، طبیعت جمهوری اسلامی است؛ این طبیعت در جمهوری اسلامی بحمدالله باقی مانده است. خیلی‌ها خواستند انتخابات را کمرنگ کنند، از وقت مقرر عقب بیندازند، حضور مردم را در آن کمرنگ و بی‌رونق کنند - برای این کار، انگیزه داشتند - اما نتوانستند؛



تا امروز نتوانستند، بعد از این هم به توفیق الهی نخواهند توانست.

۳,۱. چون دشمن می داند قوام جمهوری اسلامی متکی به رأی مردم است، سعی می کند انتخابات را کم رنگ کند

آنها چرا انگیزه دارند انتخابات را کم رنگ کنند؟ چون دشمن میداند که قوام جمهوری اسلامی، متکی به رأی و حضور مردم است. در جمهوری اسلامی اگر مردم در صحنه نباشند، جمهوری اسلامی چیزی نیست. جمهوری اسلامی که چهارتا مسئول از قبیل بنده نیستند؛ جمهوری اسلامی یعنی حضور همگانی ملت ایران و حرکت عمومی به سمت آرمانها و آرزوهای بزرگ و عملی؛ این معنای جمهوری اسلامی است.

۳,۲. به این خاطر دشمنان با این همه تلاش نتوانستند ما را متزلزل کنند که اتکا و اقتدار نظام به دل ها، اندیشه و بصیرت مردم است

اتکاء جمهوری اسلامی و اقتدار جمهوری اسلامی به دل‌های مردم است، به عواطف و احساسات مردم است، به خرد و اندیشه و بصیرت مردم است. اگر در طول سی و چند سال، با این همه تلاش نتوانستند جمهوری اسلامی را متزلزل کنند، به خاطر این است؛ والا این دنیای مادی، این دنیای مستکبر، این قدرتهای ظالم و بی‌رحم و خبیث، مگر ممکن بود بگذارد یک نظامی با این داعیه‌هایی که نظام جمهوری اسلامی دارد، زنده بماند؟ می‌بینید با کشورهای که نهضتی در آنها به نام اسلام راه افتاده، چه میکنند؛ زیر فشار میگذارند، خواسته‌های خودشان را به‌زور بر آنها تحمیل میکنند، آنها را وادار میکنند. در جمهوری اسلامی این کارها نشد؛ نتوانستند.

۳,۳. در صورتی دشمن می تواند جمهوری اسلامی را سربه فرمان خود قرار دهد که نظام به دلیل عدم حضور مردم ضعیف باشد

دشمن میخواهد خواسته‌های خود را بر جمهوری اسلامی تحمیل کند، جمهوری اسلامی را سربه‌فرمان خود قرار دهد؛ و این در صورتی میتواند اتفاق بیفتد که جمهوری اسلامی ضعیف باشد. با حضور مردم، جمهوری اسلامی قوت میگیرد؛ نمیخواهند این اقتدار باشد؛ لذا در همه‌ی انتخاباتهای ما، در طول این سالها، قبل از هنگام انتخابات، تبلیغات دشمن علیه انتخابات شروع شده؛ یعنی قبل از آنکه مسئولین ما و رسانه‌های ما و مطبوعات ما شروع کنند برای انتخابات کار کردن، دشمن طراحی کرده است و شروع کرده است؛ این دفعه هم همین جور است.

۴. رسانه های رسمی دشمن از مدتی پیش طراحی، برنامه ریزی و برنامه سازی کرده اند که دل مردم را نسبت به انتخابات سرد کند

ما اطلاع داریم که این دفعه هم رسانه‌های رسمی و شناخته شده‌ی دشمن - که هر وقت توانستند، علیه جمهوری اسلامی کار کردند - از مدتی پیش دارند طراحی میکنند، برنامه‌ریزی میکنند، برنامه‌سازی میکنند، برای اینکه دل مردم را نسبت به انتخابات سرد کنند؛ شروع هم کرده‌اند، منتها برنامه‌ریزی‌شان خیلی وسیع‌تر از این حرفها است؛ میخواهند مردم پای صندوق نیابند؛ میخواهند مردم در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور سهیم نشوند؛ میخواهند مردم در صحنه نباشند؛ لذا تلاش میکنند.

۵. اگر حضور مردم نباشد، دشمنان براحتی می توانند تهاجم خود را چندین برابر کنند؛ حضور مردم به نظام اسلامی

مصونیت می بخشد

اگر حضور مردم نباشد، آنها براحتی میتوانند تهاجم خودشان را چندین برابر کنند. حضور مردم است که به نظام اسلامی و به کشور عزیز ما مصونیت میبخشد. حضور مردم است که عوامل قدرت و قوت را در درون ما تقویت میکند؛ علم ما پیشرفت میکند، بصیرت ما پیشرفت میکند، سازوکارهای مدیریت ما پیشرفت میکند - همچنان که در طول این سالها پیشرفت کرده است - این به خاطر حضور مردم است، به خاطر انگیزه‌های مردم است؛ میخواهند این انگیزه‌ها نباشد، لذا سعی میکنند انتخابات را بی‌رونق کنند.

۶. باذن الله، انتخابات پیش رو، یکی از بهترین و پرشورترین انتخابات ما خواهد بود؛ البته دشمن تلاش می کند زحمت مردم را باطل کند

من عرض بکنم؛ آنچه که انسان از فضل الهی سراغ دارد، از همت این مردم عزیز سراغ دارد، ان‌شاءالله به توفیق الهی، باذن الله، این انتخاباتی که در پیش است، یکی از بهترین و پرشورترین انتخاباتهای ما خواهد بود. البته دشمن تلاش میکند زحمت مردم را باطل کند - همچنان که در سال ۸۸ کردند - این هم یکی از کارهای دشمنان بود؛ کسانی را وادار کردند که برخلاف قانون، توقعاتی بکنند و بر اساس آن توقعات، سعی کنند مردم را در مقابل نظام قرار دهند؛ که البته به توفیق الهی موفق نشدند.

۶,۱. راه اساسی برای اینکه مشکلات انتخاباتی پیش نیاید، التزام به قانون است؛ هر کس حرفی می زند و توقعی دارد، بر اساس قانون باشد

راه اساسی برای اینکه مشکلات انتخاباتی پیش نیاید، التزام به قانون است؛ این را من عرض بکنم. آحاد مردم در هر جای کشور که هستند؛ در شهر، در روستا، در مرکز، در کلانشهرها و در همه جا، باید به دنبال این باشند که هر کسی حرفی میزند، بر اساس قانون باشد؛ هر کسی توقعی دارد، بر اساس قانون باشد. آنهايي که آن سال آن خسارت را به کشور و به ملت وارد کردند و برای کشور هزینه درست کردند، اگر تسلیم قانون بودند، اینجوری نمیشد. قانون معین کرده است که اگر کسی اعتراضی دارد، بیاید. آن سال گفته شد؛ حتی ما از شورای محترم نگرهبان خواهش کردیم، آن زمان را تمديد هم کردند که آراء بازشماری شود؛ گفتیم هر تعداد معقولى و هر صندوقی که بخواهند بازشماری شود، بازشماری شود؛ خوب، زیر بار نرفتند! کارشان منطقی نبود، معقول نبود؛ برای کشور هزینه درست کردند. خوب، کشور بر این مسائل فائق می‌آید. نظام جمهوری اسلامی قوی است.

۶,۲. نظام از خرابکاری هایی مثل فتنه ۸۸ از پا در نمی آید؛ منتها برای کشور هزینه درست می کند؛ راه هزینه درست نشدن، التزام به قانون است

این خرابکاری‌ها و انگشت توی چشم کردنها و این مزاحمتها و آزارها، جمهوری اسلامی را که از پا نمی‌اندازد. جمهوری اسلامی در طول این سالها با انواع سیاستها و سیاستمداران مختلف روبه‌رو بوده است؛ اما با وجود همه‌ی معارضه‌ها، همه‌ی زاویه‌ها - که احياناً وجود داشته است - جمهوری اسلامی پیش رفته؛ بعد از این هم همین جور خواهد بود. جمهوری اسلامی که با این حرفها از پا در نمی‌آید، منتها برای کشور هزینه درست میشود. راه هزینه درست نشدن، التزام به قانون است.



۷. توصیه من به شما مسئولان محترم انتخابات این است که قانون را معیار قرار دهید؛ ادای امانت به این است که طبق مَرّ قانون عمل شود

این توصیه من به شما مسئولان محترم انتخابات هم هست: قانون را معیار قرار دهید. در آیه‌ی کریمه‌ی قرآن که تلاوت کردند، به ادای امانت اشاره شد - «انّ الله یامرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها» (۳) - ادای امانت به همین است که طبق مَرّ قانون عمل شود؛ هم در مرحله‌ی تشخیص صلاحیتها - چه در مورد ریاست جمهوری، چه در مورد شوراها، و در موارد دیگری که در پیش است - هم در مرحله‌ی قرائت آراء، هم در مرحله‌ی حفظ آراء و صندوقها. باید مَرّ قانون رعایت شود و نهایت امانتداری انجام بگیرد؛ که بحمدالله تا حالا هم همین جور بوده است.

۸. افرادی که به نتیجه مطلوب خود در انتخابات نمی‌رسند، باید در مقابل آنچه که مبتنی بر قانون پیش می‌آید، صبر انقلابی داشته باشند

بدیهی است در هر انتخاباتی، یک عده‌ای به نتیجه‌ی مطلوب خودشان نمی‌رسند - من نمیخواهم اسمش را بگذارم بازنده‌ی انتخابات؛ نباید تعبیر برنده و بازنده و این واژه‌ها و اصطلاحات غربی مادی را به کار برد؛ اگر برای خدا و برای انجام تکلیف وارد میشویم، برد و باخت وجود ندارد - خب، اینها اعتراض دارند. انسان پیش قاضی هم که می‌رود، همین جور است. قضاوتی در یک دادگاهی وجود دارد؛ آن طرفی که در این قضاوت به مقصود خود رسیده، خوشحال است، آن طرف دیگر ناراحت است؛ آن طرف دیگر نباید دادگاه را متهم کند که برخلاف حق عمل کرده؛ نه، دادگاه است و بر طبق قانون عمل میکند؛ منتها او ناراحت میشود، ناراضی میشود. باید همه‌ی آنچه را که پیش می‌آید - که مبتنی بر قانون است - تحمل کنیم؛ این را باید همه‌مان یاد بگیریم؛ این صبر انقلابی است، این تحمل انقلابی است. امیدواریم خدای متعال هم دلها را هدایت کند به آنچه که برای کشور بهتر است.

۹. از آنجا که خدمات مدیریت عالی اجرایی کشور تأثیرات عمیق و کوتاهی آن تأثیر منفی زیاد دارد، باید در انتخاب رئیس جمهور دقت کنیم

مدیریت عالی اجرایی در کشور، کار بزرگی است، کار مهمی است. یک کلمه حرف اثر میگذارد؛ یک اقدام کوچک یا بزرگ از سوی مجریان درجه‌ی یک کشور - رئیس جمهور، وزرا - اثر میگذارد؛ دستگاه اجرایی اینجور است. خدمت آنها، برای کشور تأثیرات عمیق دارد؛ خدای نکرده کوتاهی و تقصیر آنها، تأثیرات منفی زیادی دارد. اینها موجب میشود که من و شما که میخواهیم انتخاب کنیم، دقت کنیم.

۹.۱. آحاد مردم درصدد باشند که وظیفه‌شان را انجام دهند؛ تعهد، تدین، آمادگی و توانائی‌ها را بسنجید و طبق تشخیص عمل کنید
تعهد را، تدین را، آمادگی را، توانائی‌ها را بسنجیم؛ طبق تشخیص عمل کنیم. اگر من و شما که میخواهیم رأی بدهیم، با نیت صادق و خالص و برای انجام وظیفه و برای آینده‌ی کشور وارد میدان شویم و بخواهیم تصمیم بگیریم، ان‌شاءالله خدای متعال هم در این صورت دلهای ما را هدایت خواهد کرد. خدای متعال دلها را ان‌شاءالله هدایت میکند، به شرط این که آحاد مردم حقیقتاً درصدد این باشند که وظیفه‌شان را انجام دهند. بارها گفته شده است که انتخابات، هم حق مردم است، هم وظیفه‌ی مردم است؛ هم باید حق را

استنفاذ کنیم، هم باید وظیفه را بخوبی انجام دهیم. این انتخابات، یک چنین حالتی دارد.

۹.۲. رئیس جمهور باید کاری، مردمی، مقاوم، ارزشی، باتدبیر و پابند به قوانین باشد، درد مردم را احساس کند و طبقات مختلف مردم را ببیند

کسانی هم که میخواهند صلاحیتها را ملاحظه کنند و بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند، همه چیز را در کنار هم باید ببینند. رئیس جمهور، هم باید کاری باشد، هم باید مردمی باشد، هم باید مقاوم باشد، هم باید ارزشی باشد، هم باید باتدبیر باشد، هم باید پابند به قوانین و مقررات باشد - مجری قانون است - هم باید درد مردم را احساس کند، هم باید طبقات مختلف مردم را ببیند؛ اینها خصوصیات است که در انتخاب آن کسی که ما میخواهیم کلید اجرائی کشور را به او بسپریم، نقش دارد.

۱۰. مسلماً امنیت، مصونیت و پیشرفت کشور با حضور همگانی و حداکثری مردم افزایش پیدا خواهد کرد

ما مردم در این زمینه تصمیم‌گیریم. هیچ کس هم نگوید که رأی من یک نفر چه اثری دارد. میلیونها از همین یک نفرها تشکیل میشود. همه احساس وظیفه کنند و ان‌شاءالله وارد میدان شوند. به توفیق پروردگار، همین جور هم خواهد شد. مسلماً امنیت کشور، مصونیت کشور، پیشرفت کشور، با حضور همگانی و حداکثری مردم افزایش پیدا خواهد کرد و این کشور به توفیق الهی خواهد توانست یک گام دیگر به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی پیش برود.

موخره

از خداوند متعال مسئلت میکنیم که انشاءالله دلهای همه‌ی ما را، هم مجریان را، هم مسئولان را، هم ناظران را، هم آحاد مردم را هدایت کند که آنچه را مورد رضای او است و به نفع این کشور است، انجام دهیم.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

پاورقی

(۱) فجر: ۱۴

(۲) طارق: ۱۵ و ۱۶

(۳) نساء: ۵۸



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	محکومیت کامل فتنه‌هایی چون حادثه تخریب پیکر حجربن عدی	آحاد مسلمانان به ویژه بزرگان علمی، روشنفکری و سیاسی	این [حادثه تخریب قبر صحابی جلیل‌القدر، حجربن عدی و اهانت به پیکر مطهر ایشان] از آن قضایائی نیست که دو روز، سه روز، پنج روز، یک هفته، یک سر و صدائی در دنیا درست کند، بعد رها شود. اینها اگر چنانچه به وسیله مسلمان‌ها به طور کامل محکوم نشوند و بزرگان علمی و بزرگان روشنفکری و بزرگان سیاسی وظیفه خودشان را در مقابل اینها انجام ندهند، این فتنه‌ها به اینجاها منحصر نمی‌ماند؛ بلائی به جان جامعه اسلامی می‌افتد و روزه‌روز این آتش توسعه پیدا می‌کند. باید جلوی این فتنه‌ها را بگیرند؛ چه از طرق سیاسی، چه از طرق فتوهای دینی، چه از طرق مقاله‌های روشنگر نویسندگان و روشنفکران و نخبگان فکری و سیاسی در دنیا.
۲	غافل نشدن از اهمیت انتخابات شوراها در اثر توجه به انتخابات ریاست جمهوری	مسئولان، مردم و نخبگان	انتخابات ریاست جمهوری بسیار مهم است، انتخابات شوراها بسیار مهم است. توجه شود که توجه به انتخابات ریاست جمهوری نتواند اهمیت انتخابات شوراها را از چشم مسئولین، از چشم مردم، از چشم نخبگان، دور بدارد. اینکه ما از سطح روستا و شهر تا سطح کشور، کارها را، تصمیم‌ها را، در نهایت به دست مردم می‌سپریم، خیلی حادثه مهمی است. شوراها مظهر یک چنین چیزی است.

۳	قانونی بودن سخنان و توقعات در جریان انتخابات	آحاد مردم	راه اساسی برای اینکه مشکلات انتخاباتی پیش نیاید، التزام به قانون است؛ این را من عرض بکنم. آحاد مردم در هر جای کشور که هستند؛ در شهر، در روستا، در مرکز، در کلانشهرها و در همه جا، باید به دنبال این باشند که هر کسی حرفی می‌زند، بر اساس قانون باشد؛ هر کسی توقعی دارد، بر اساس قانون باشد
۴	عمل به مَرّ قانون در مرحله تشخیص صلاحیت‌ها، قرائت آراء و حفظ آراء و صندوق‌ها	مسئولان محترم انتخابات	این توصیه من به شما مسئولان محترم انتخابات هم هست: قانون را معیار قرار دهید. در آیه کریمه قرآن که تلاوت کردند، به ادای امانت اشاره شد - «انّ الله یأمركم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها» (۳) - ادای امانت به همین است که طبق مَرّ قانون عمل شود؛ هم در مرحله تشخیص صلاحیت‌ها - چه در مورد ریاست جمهوری، چه در مورد شوراها، و در موارد دیگری که در پیش است - هم در مرحله قرائت آراء، هم در مرحله حفظ آراء و صندوق‌ها. باید مَرّ قانون رعایت شود و نهایت امانتداری انجام بگیرد؛ که بحمدالله تا حالا هم همین جور بوده است.
۵	صبر انقلابی در مقابل آنچه که مبتنی بر قانون پس از اعلام نتایج انتخابات پیش می‌آید	افرادى که به نتیجه مطلوب خود در انتخابات نمی‌رسند	بدیهی است در هر انتخاباتی، یک عده‌ای به نتیجه مطلوب خودشان نمی‌رسند - من نمی‌خواهم اسمش را بگذارم بازنده انتخابات؛ نباید تعبیر برنده و بازنده و این واژه‌ها و اصطلاحات غربی مادی را به کار برد؛ اگر برای خدا و برای انجام تکلیف وارد می‌شویم، برد و باخت وجود ندارد - خب، اینها اعتراض دارند... باید همه آنچه را که پیش می‌آید - که مبتنی بر قانون است - تحمل کنیم؛ این را باید همه‌مان یاد بگیریم؛ این صبر انقلابی است، این تحمل انقلابی است. امیدواریم خدای متعال هم دل‌ها را هدایت کند به آنچه که برای کشور بهتر است.



۶	دقت در انتخاب رئیس جمهور به دلیل اهمیت مدیریت عالی کشور	آحاد مردم	<p>مدیریت عالی اجرائی در کشور، کار بزرگی است، کار مهمی است. یک کلمه حرف اثر می‌گذارد؛ یک اقدام کوچک یا بزرگ از سوی مجریان درجه یک کشور - رئیس جمهور، وزرا - اثر می‌گذارد؛ دستگاه اجرائی این جور است. خدمت آنها، برای کشور تأثیرات عمیق دارد؛ خدای نکرده کوتاهی و تقصیر آنها، تأثیرات منفی زیادی دارد. اینها موجب می‌شود که من و شما که می‌خواهیم انتخاب کنیم، دقت کنیم.</p>
۷	سنجش تعهد، تدین، آمادگی و توانایی‌ها کاندیداها با نیت صادق و خالص و عمل کردن طبق تشخیص فردی	آحاد مردم	<p>تعهد را، تدین را، آمادگی را، توانایی‌ها را بسنجیم؛ طبق تشخیص عمل کنیم. اگر من و شما که می‌خواهیم رأی بدهیم، با نیت صادق و خالص و برای انجام وظیفه و برای آینده کشور وارد میدان شویم و بخواهیم تصمیم بگیریم، ان شاء الله خدای متعال هم در این صورت دل‌های ما را هدایت خواهد کرد. خدای متعال دل‌ها را ان شاء الله هدایت می‌کند، به شرط اینکه آحاد مردم حقیقتاً درصدد این باشند که وظیفه‌شان را انجام دهند. بارها گفته شده است که انتخابات، هم حق مردم است، هم وظیفه مردم است؛ هم باید حق را استنقاذ کنیم، هم باید وظیفه را به خوبی انجام دهیم. این انتخابات، یک چنین حالتی دارد.</p>



۸	انتخاب فردی کاری، مردمی، مقاوم، ارزشی، باتدبیر و پابند به قوانین به عنوان رئیس جمهور که درد مردم را احساس کند و طبقات مختلف مردم را ببیند	آحاد مردم	<p>کسانی هم که می‌خواهند صلاحیت‌ها را ملاحظه کنند و بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند، همه چیز را در کنار هم باید ببینند. رئیس جمهور، هم باید کاری باشد، هم باید مردمی باشد، هم باید مقاوم باشد، هم باید ارزشی باشد، هم باید باتدبیر باشد، هم باید پابند به قوانین و مقررات باشد - مجری قانون است - هم باید درد مردم را احساس کند، هم باید طبقات مختلف مردم را ببیند؛ اینها خصوصیات است که در انتخاب آن کسی که ما می‌خواهیم کلید اجرائی کشور را به او بسپریم، نقش دارد.</p>
۹	افزایش امنیت، مصونیت و پیشرفت کشور با حضور همگانی و حداکثری مردم	آحاد مردم	<p>ما مردم در این زمینه [انتخاب رئیس جمهور] تصمیم بگیریم. هیچ کس هم نگوید که رأی من یک نفر چه اثری دارد. میلیون‌ها از همین یک نفرها تشکیل می‌شود. همه احساس وظیفه کنند و ان شاء الله وارد میدان شوند. به توفیق پروردگار، همین جور هم خواهد شد. مسلماً امنیت کشور، مصونیت کشور، پیشرفت کشور، با حضور همگانی و حداکثری مردم افزایش پیدا خواهد کرد و این کشور به توفیق الهی خواهد توانست یک گام دیگر به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی پیش برود.</p>





مقدمه

خوشامد عرض میکنیم به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که این افتخار را دارید که در کسوت تعلیم و تربیت در جامعه‌ی اسلامی مشغول فعالیتید، یا ان‌شاءالله در آینده مشغول فعالیت خواهید شد؛ که واقعاً هم افتخار بزرگی است.

یاد شهید بزرگوار عزیزمان، مرحوم شهید مطهری (رضوان الله تعالی علیه) و همچنین شهدای آموزش و پرورش را — معلمین، دانش‌آموزان — که یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین مناظر دفاع مقدس است، گرامی میداریم و امیدواریم ان‌شاءالله دست خدای متعال و حمایت الهی همیشه بر سر شما معلمین عزیز و مسئولان آموزش و پرورش باشد و روزبه‌روز این درخت پر بار و پربرکت، مبارکتر برای کشور ما و ملت ما به حساب بیاید.

الف) جایگاه و اهمیت معلم و آموزش و پرورش، بایسته‌های سند تحول آموزش و پرورش، دانشگاه فرهنگیان و کتاب‌های درسی

۱. این جلسه در درجه اول برای تکریم به معلمین است؛ معلمی بسیار بالاتر از سایر مشاغل است و باید منزلت لازم را در جامعه‌ی اسلامی داشته باشد

اولاً این جلسه برای تکریم و احترام به معلمین است. آنچه در باب تعلیم و تربیت، در باب آموزش و پرورش — چه ستاد آموزش، چه صفوف منظم آموزش در سراسر کشور — لازم است عرض شود، غالباً به مسئولین و کسانی که دست‌اندرکار اجرا هستند، عرض میشود؛ آنچه امروز در درجه‌ی اول برای ما اهمیت دارد، این است که نشان دهیم احترام قلبی‌ای را که شایسته‌ی مقام تعلیم و تربیت است. اصل این است که «معلمی» منزلت لازم را در جامعه‌ی اسلامی داشته باشد. خیلی کوتاه‌بینی است که انسان شغل معلمی و آموزگاری را ردیف سایر مشاغل متعارف زندگی قرار دهد، که یک وسیله‌ای است فقط برای تعیش، که انسان بتواند عایشه کند؛ نانی در بیاورد و زندگی‌ای بگذراند؛ این حقیقت ندارد، اینجوری نیست، معلمی در ردیف سایر مشاغل نیست؛ بسیار بالاتر است.

۲. معلم کسی است که پرداخت کننده و تراش دهنده یک گوهر گرانبهاست و به آن ارزش می‌بخشد؛ این گوهر گرانبها، کودکان ملت هستند

اگر به حقیقت تعلیم و تربیت و جایگاه معلم توجه شود، حقیقتاً اینجوری باید تشبیه کنیم؛ کسی که پرداخت کننده و تراش

دهنده‌ی به یک گوهر گرانبها است، که به آن ارزش می‌بخشد. این گوهر گرانبها همین بچه‌های مایند، همین کودکان مایند، کودکان ملتند، که نسلهای آینده را با همه‌ی مشخصات و ممیزاتشان تشکیل میدهند و به وجود می‌آورند. شما معلمها هستید که دارید این شخصیتها را شکل میدهید، پرداخت میکنید.

۲،۱. **تعلیم و خصوصیاتى که با رفتار، اخلاق، حرف زدن و تعامل معلم به دانش‌آموز منتقل می‌شود، از ماندگارترین حقایقى است که در ذهن باقى میماند**

صرفاً این نیست که در کلاس درس، دو کلمه شما بگوئید و او یاد بگیرد؛ همه‌ی رفتار شما، حرکات شما، منش شما، اخلاق شما، به صورت مستقیم در این مخاطبِ گیرا اثر میگذارد و او را شکل میدهد. آنچه هم که به عنوان تعلیم در ذهن او کار میگذارید، از ماندگارترین حقایقى است که در ذهن انسان باقى میماند. بعد از پنجاه سال، شصت سال، خیلی از جزئیاتی که معلم به دانش‌آموز گفته است، در ذهن انسان هست؛ خیلی از خصوصیاتى که او با رفتار خود، با اخلاق خود، با نحوه‌ی حرف زدن خود، با نحوه‌ی تعامل خود به دانش‌آموز منتقل کرده است، در انسان باقى میماند. گاهی انسان متوجه است، گاهی هم متوجه نیست؛ همه‌ی ما ندانسته در همان راهی داریم حرکت میکنیم که بخش معظمی از آن را معلمین در نهاد ما قرار داده‌اند؛ این خیلی چیز مهمی است.

۳. **کشوری که میخواهد سرفراز شود و مردم شجاع، آزاده و خردمند تحویل جامعه بشری دهد، باید زیرساخت تعلیم کودکی و نوجوانی را درست کند**

یک کشور اگر بخواهد به سرفرازی برسد، به رفاه و غنا برسد، به علم و تفوق علمی منتهی شود، اگر بخواهد مردم شجاع، آزاده، فهمیده، عاقل، خردمند و متفکر تحویل جامعه‌ی بشری دهد، باید این زیرساخت اصلی را درست کند؛ زیرساخت تعلیم دوران کودکی و نوجوانی. این، شأن معلم است. لذا به معلم خیلی باید احترام کرد. برای ایجاد آمادگی لازم در معلم، خیلی باید صرف وقت کرد. برای تهیه‌ی سازوکاری که تعلیم و تربیت در آن مؤثر باشد و جهت درست داشته باشد، خیلی باید سرمایه‌گذاری کرد.

اینکه ما بر روی این تحول بنیادین در آموزش و پرورش در سالهای گذشته تکیه کردیم — که خوب، بحمدالله امروز سند این تحول در اختیار آموزش و پرورش است و در واقع نقشه‌ی راه، مشخص و معین شده است — برای خاطر این است. تحول در انسانها، تغییر صحیح در دلها و باورها و حرکات و خلیقات و امثال اینها، احتیاج دارد به یک زیرساخت محکم؛ این زیرساخت، آموزش و پرورش است.

۴. **سند تحول آموزش و پرورش باید ما را به سمت هدفهای اسلامی حرکت دهد و جامعه را به سبک زندگی حقیقتاً اسلامی پیش ببرد**

آموزش و پرورش ما آن روزی که در کشور به شکل جدید درآمد، بر اساس یک مبنای فکری و اعتقادی دیگر به وجود آمد؛ ما هم در طول دهها سال — از اولی که آموزش و پرورش جدید در کشور آمد — بر همان مبنا حرکت کردیم، در واقع در همان ریل پیش رفتیم؛ که خوب، ریل درستی نبود. این سند تحول باید ما را به سمت هدفهای اسلامی حرکت دهد؛ باید جامعه را به سبک زندگی حقیقتاً اسلامی پیش ببرد؛ باید بتواند در ما خصلتهای والای انسانی را به وجود بیاورد. ما امروز در خودمان، در خلیقات خودمان، در رفتار خودمان،



نقائصی مشاهده میکنیم؛ این نقائص باید برطرف شود. استعداد بشری در جامعه‌ی ایرانی، یک استعداد انبوه و سرشار است؛ این استعداد باید امکان بروز پیدا کند، جهت صحیح پیدا کند. این سند تحول ناظر به یک چنین چیزی است.

۴،۱. سند تحول باید عملیاتی شود؛ منتها باید با تدبیر، تأمل و ملاحظه صحیح جوانب پیش رفت؛ کار عمیق و بلندمدتی است که نباید در آن شتابزدگی باشد

اشاره کردند به زیرساختهای سند تحول. من همین جا عرض بکنم؛ سند تحول یک متنی است که باید عملیاتی شود، منتها به هیچ وجه نباید در آن شتابزدگی باشد؛ با تدبیر، با تأمل، با ملاحظه‌ی صحیح جوانب باید پیش رفت. کار، کار عمیقی است. کارهای عمیق، کوتاه مدت نیست؛ زودبازده نیست؛ بلندمدت است؛ دیربازده است؛ اگر درست صورت بگیرد، ماندگار خواهد شد، مثمر خواهد شد؛ اگر سرهم‌بندی شد، شتابزده شد، آن وقت نتیجه‌ی لازم را نخواهد داد. فرمود: «و مجتنی الثمرة لغير وقت ایناعها كالزراع بغير ارضه»؛ اگر چنانچه میوه را قبل از اینکه برسد، چیدید، در واقع چیزی به دست نیآورده‌اید و زحمتتان هدر رفته است. بگذارید میوه برسد، بعد بچینید تا از همه‌ی منافع آن بهره ببرید.

۴،۲. حلقه‌های تحقیقاتی متعدد لازم است که راهکارهای اجرایی و عملیاتی برای بخشهای این سند پیدا کنند؛ دولت و مجلس هم باید پشتیبانی مالی کنند

شاید حلقه‌های تحقیقاتی متعددی لازم است که برای بخشهای این سند تحول، راهکارهای اجرایی و عملیاتی پیدا کند، تا حقیقتاً این ریل، صحیح گذاشته شود؛ آن وقت این قطار بر روی ریل حرکت کند. البته لازم است هم دولت، هم مجلس، برای پشتیبانی مالی آموزش و پرورش، برای پیشرفت در این کار، به طور جدی تأمل کنند، تدبیر کنند. آموزش و پرورش را نمیشود به حال خود رها کرد و پشتیبانی لازم از آن به عمل نیآورد، بعد هم توقع داشت که پیش برود.

۵. در این سالها کارهای خیلی خوبی شده است؛ اما آنچه نشده است و اگر امروز دست به کار نشویم، قطعاً دیر خواهد شد، فهرست بلندبالائی است

خب، بحمدالله در این سالها کارهای خیلی خوبی شده است — بنده هم گزارشهایی دارم — آنچه شده است، خوب است؛ اما آنچه نشده است و باید بشود و اگر امروز دست به کار نشویم، قطعاً دیر خواهد شد، خیلی زیاد است؛ آن هم یک فهرست بلندبالائی است که مسئولین محترم آموزش و پرورش — چه در ستاد، چه در صف — ان شاءالله باید به این نکات توجه کنند.

۶. باید به طور جدی به آرایش درونی دانشگاه فرهنگیان توجه شود؛ آموزش عالی هم باید همه پشتیبانی‌های ممکن را از این دانشگاه‌ها بکند

این مسئله‌ی دانشگاه فرهنگیان هم خیلی مهم است؛ این هم از جمله‌ی چیزهایی است که باید به طور جدی به آرایش درونی آن توجه شود. معلم اگر شخصیت خودش ساخته نباشد، نمیتواند به متعلم خود، به مخاطب خود چیزی بدهد. اینجا شخصیت معلمین ساخته میشود. اگرچه این دانشگاه در ذیل آموزش و پرورش تعریف شده است و مربوط به آموزش و پرورش است، لیکن آموزش عالی

باید همه‌ی پشتیبانی‌های ممکن را از این دانشگاه‌ها بکند. اینها کارهایی است که در زمینه‌ی آموزش و پرورش باید انجام بگیرد.

۷. آموزش و پرورش مرکزی اساسی و مهم است و در عرض سایر دستگاه‌ها نیست؛ میتوانید آنرا به عنوان موتور قطار و مرکز ذخیره یک مجموعه تعبیر کنید

آموزش و پرورش یک دستگاه معمولی و عادی در عرض سایر دستگاه‌ها نیست؛ این یک مرکز اساسی و مهمی است؛ حالا میتوانید آن را به عنوان موتور یک قطار، میتوانید به عنوان مرکز ذخیره‌ی یک مجموعه تعبیر کنید؛ به هر حال فرق میکند با دستگاه‌های اجرایی دیگر. کار عمقی و بنیانی در این وزارتخانه به قدری است که در سایر وزارتخانه‌ها نظیر آن را نمیشود پیدا کرد؛ حتی وزارتخانه‌های مشابه فرهنگی هم آن مقدار حساسیت و ظرافت و دقتی که در این مجموعه لازم است به کار گرفته شود، ندارند. به هر حال مجموعه‌ی بسیار مهمی است.

۸. در طول این سالها معلمین همیشه پای منافع انقلاب ایستاده‌اند؛ یک نمونه‌اش مسئله دفاع مقدس است، البته نمونه‌های دیگری هم دارد

یک تشکر هم باید حتماً بکنیم از معلمین عزیزمان که این شغل را اختیار کرده‌اند و این زحمات را بر عهده گرفته‌اند. ای بسا کسانی بودند که میتوانستند سراغ کارهای دیگری بروند که هم درآمد بیشتری داشت، هم ممکن بود موقعیتهای سیاسی و اجتماعی بیشتری داشته باشد، اما خود را وقف این مجموعه کردند؛ این خیلی باارزش است. در طول این سالها هم معلمین همیشه پای منافع انقلاب ایستاده‌اند، که یک نمونه‌اش مسئله‌ی دفاع مقدس و جنگ تحمیلی است، که اشاره کردیم به شهدای معلم و دانش‌آموز در آموزش و پرورش؛ نمونه‌های دیگری هم در جاهای مختلف دارد. خیلی‌ها برنامه‌هایی داشتند برای معلمین، برای مدارس، به دنبال هدفهای سیاسی بودند؛ آن که ایستاد، معلم بود. اینها همه پیش خدای متعال حسنه است؛ اینها همه کارهای مؤثر و مهمی است که خیلی اوقات ممکن است به چشم کسی هم درست نیاید، اما از چشم کرام‌الکاتبین بیرون نیست.

۹. مسئله کتابهای درسی بسیار مهم است؛ باید به طور مداوم و به تناسب نیازها، مضمون و محتوای این کتابها ترقی و پیشرفت داشته باشد

مسئله‌ی کتابهای درسی هم بسیار مهم است. باید به طور مداوم و به تناسب نیازها، مضمون این کتابها، محتوای این کتابها ترقی و پیشرفت داشته باشد.

۹،۱. دستگاه‌های هشیار مراقب باید پیشرفتهای مبتنی بر سند تحول را تعقیب و اشکالات را اصلاح کند و در زمینه کتابهای درسی، نیازها را بسنجد

دستگاه‌های هشیار مراقب در کل آموزش و پرورش باید وجود داشته باشد که هم پیشرفتهای مبتنی بر سند تحول را تعقیب کند، ببیند کجا لنگی هست، کجا اشکال وجود دارد، کجا تجربه‌ی ناموفق هست، بلافاصله اصلاح کند — چشم بینا لازم است — هم در زمینه‌ی



۱.۹.۲ اگر از معارف اسلامی، مدنی، تمدن ساز و انسان ساز در کتابهای ما وجود ندارد، بگنجانید و اموری که تخدیر کننده و گمراه کننده است حذف کنید

سالهاست که ما یک مسائلی را در کتابها می‌گنجانیم؛ بعضی‌ها خارج میکنند، بعضی‌ها داخل میکنند. ببینیم چه لازم است از معارف الهی، معارف اسلامی، معارف مدنی، معارف تمدن ساز، معارف انسان ساز؛ معارفی که یک ملت را سربلند میکند، پیشرو میکند، پیشتاز میکند؛ که اگر در کتابهای ما وجود ندارد، آنها را بگنجانیم؛ چه چیزهایی نقطه‌ی مقابل است، تخدیر کننده است، گمراه کننده است، آنها را حذف کنیم؛ چه چیزهایی به تناسب نسلها یا جنسیتها لازم است، آنها را بگنجانیم. فرض بفرمائید در کتابهای درسی دختران ممکن است چیزهایی لازم باشد در زمینه‌های خانه‌داری، تربیت فرزند و امثال اینها؛ و در کتابهای پسران ممکن است چیزهای دیگری لازم باشد در مواجهه‌ی با مسائل کار، زندگی و امثال اینها؛ اینها مراقبت لازم و دیده‌بانی دائم احتیاج دارد و باید این کارها انجام بگیرد. به‌رحال کار، بسیار کار مهمی است.

ب) ضرورت تحقق حماسه سیاسی و اقتصادی و ارتباط این دو مقوله با پیشرفت کشور

۱. تا آحاد ملت نقش ایفاء نکنند، حماسه به‌وجود نمی‌آید؛ وقتی مردم با نگاه به چشم‌انداز روشن انگیزه حرکت را داشتند، حماسه به‌وجود می‌آید

امسال ما عرض کردیم: حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی. هر دو مقوله از مقولاتی است که آحاد ملت در آن میتوانند نقش ایفاء کنند؛ و تا آحاد ملت نقش ایفاء نکنند، حماسه به‌وجود نمی‌آید. البته بعضی‌ها ممکن است گرفتار باشند، بعضی‌ها تنبل باشند، بعضی‌ها شوق و شور لازم را نداشته باشند؛ وقتی قاطبه‌ی ملت، نوع مردم در سرتاسر کشور، با نگاه به آن چشم‌انداز روشن، انگیزه‌ی لازم را برای حرکت داشتند، حماسه به‌وجود می‌آید و ان‌شاءالله به فضل الهی، به توفیق الهی، این حماسه به‌وجود خواهد آمد.

۱.۱. در زمینه حماسه، آموزش و پرورش نقش‌آفرین است؛ تعداد کثیر معلمین سراسر کشور میتوانند در مسئله انتخابات و حماسه اقتصادی تأثیر بگذارند

در این زمینه، آموزش و پرورش نقش‌آفرین است. ای بسا دانش‌آموزی که خود او هنوز در موقعیت قانونی برای رأی دادن نیست، اما میتواند خانواده‌ی خود را برای ورود در این میدان، برای انجام مسئولیت، تحت تأثیر قرار دهد. این تعداد کثیر معلمین در سرتاسر کشور، هم در این مسئله‌ی انتخابات -- که مصرع برجسته‌ی حماسه‌ی سیاسی، همین انتخاباتی است که پیش رو است -- هم در بخش حماسه‌ی اقتصادی که یک چیز بلندمدت است، میتوانند تأثیر بگذارند، میتوانند نقش‌آفرینی کنند.

۱.۲. کشور و ملت بزرگ ما با اهداف و آرمانهایی که دارد، به حماسه‌سازی در بخشهای مختلف نیاز دارد؛ ما باید با جهش پیش برویم کشور ما و ملت بزرگ ما با اهداف و آرمانهایی که دارد، به حماسه‌سازی در بخشهای مختلف نیاز دارد. ما باید با جهش پیش

برویم برادران و خواهران عزیز! این ملت با همه‌ی استعدادی که دارد، در طول دوران طولانی اختناق -- که بعد هم این اختناق همراه شد با دخالت بیگانگان و سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بیگانگان -- عقب ماند؛ از جاده‌ی علم عقب ماندیم، از سازندگی عقب ماندیم، از اقتصاد عقب ماندیم، دچار آفت‌های گوناگون فرهنگی و معرفتی شدیم.

۲. پیشرفتهای ملت ایران در این سه دهه، متناسب با سی سال نیست؛ این پیشرفتهای ما به برکت انقلاب است، اما در عین حال باید افزایش پیدا کند

انقلاب این فرصت را در مقابل ملت ایران گذاشت که این عقب‌ماندگی را جبران کند؛ و می‌بینید که در طول سه دهه‌ی گذشته‌ی انقلاب، ملت ایران چه مهارتی از خود نشان داد، چه پیشرفتی کرد، چه استعدادی در وجود خود ارائه کرد به همه‌ی بینندگان در سرتاسر عالم. پیشرفتهای ملت ایران در این سه دهه، متناسب با سی سال نیست؛ یک نمونه‌اش پیشرفتهای علمی است که مجامع جهانی چاره‌ای ندارند که به آنها اعتراف کنند؛ که اعتراف هم کردند. سرعت پیشرفت علمی ما سیزده برابر متوسط جهانی است؛ این شوخی است؟ در عین حال با این سرعت پیشرفت، ما هنوز از لحاظ علمی عقبیم. ببینید ما چقدر عقب بودیم! با اینکه بیش از ده برابر متوسط سرعت جهانی داریم حرکت میکنیم، هنوز عقبیم. پس این سرعت را باید حفظ کرد. این بخشی است که دشمن اعتراف میکنند؛ یک بخشهایی هم هست که دشمن نباید اعتراف کند، اعتراف هم نمیکند؛ در زمینه‌ی سیاسی همین جور است، در زمینه‌ی اجتماعی همین جور است، در زمینه‌ی سازندگی کشور همین جور است، در زمینه‌ی آگاهی و بصیرت عمومی همین جور است؛ اینها را دشمنان ما در تبلیغاتشان در اظهاراتشان مصلحت نمیدانند بگویند، که مبدا ملت ما را تشویق کنند به پیشرفت این کار. درخصوص اقتدار ملی و آبروی بین‌المللی هم سرعت پیشرفت باید با همین نسبت ملاحظه شود. این پیشرفتهای ما به برکت انقلاب است. اما در عین حال این پیشرفتهای همچنان کم است؛ باید این پیشرفتهای افزایش پیدا کند.

۱.۲.۱. اگر ملت ایران همین سرعت و شتاب پیشرفت را حفظ کند، بلاشک زمان زیادی طول نخواهد کشید که در جایگاه شایسته خود قرار خواهد گرفت

اگر ملت ایران همین سرعت و شتاب پیشرفت را -- چه در زمینه‌ی علمی، چه در زمینه‌ی سیاسی، چه در زمینه‌ی اجتماعی، چه در زمینه‌ی فرهنگی و معرفتی -- حفظ کند، بلاشک زمان زیادی طول نخواهد کشید که در جایگاه شایسته‌ی خود قرار خواهد گرفت؛ آن چیزی که شایسته‌ی ملت ایران است.

۲.۲. بخش مهمی از این مسئله به مدیران اجرائی کشور ارتباط پیدا میکند؛ اینهاست که مسائل کشور را حساس میکند و نیاز به حماسه دارد

بخش زیادی از این مسئله با آموزش و پرورش ارتباط دارد، بخش مهمی از آن به مدیران کشور در زمینه‌های اجرائی ارتباط پیدا میکند؛ اینهاست که مسائل کشور را حساس میکند در نظر هر انسان بصیر و بیننده‌ای؛ اینهاست که حماسه لازم دارد. بدون حماسه، این جهشها به‌وجود نمی‌آید. آن وقتی که حماسه باشد، شور و نشاط باشد، جهش قابل تصور است؛ میتوان فرض کرد که جهش



انجام بگیرد. ما در دوران دفاع مقدس این را امتحان کردیم؛ در هر جایی هم که مردم مشارکت داده شدند، این را امتحان کردیم. ان شاء الله در زمینه‌ی حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی هم باید این را ملت ایران به چشم ببیند؛ و بخش زیادی از این، به عهده‌ی شما معلمین عزیز است.

موخره

امیدواریم خداوند متعال به شماها توفیق بدهد؛ روح مطهر شهدای عزیزمان و امام بزرگوار را از همه‌ی شما و ما راضی کند؛ ما را در زمینه‌ی وظائف مهمی که در مسائل گوناگون کشور داریم، ان شاء الله به راه راست هدایت کند و دستگیری فرماید.

والسّلام علیکم ورحمةالله و برکاته

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	پرهیز از شتابزدگی در تدوین سند تحول و پیش‌روی با تدبیر و تأمل و ملاحظه جوانب	مسئولان آموزش و پرورش	سند تحول یک متنی است که باید عملیاتی شود، منتها به‌هیچ‌وجه نباید در آن شتابزدگی باشد؛ با تدبیر، با تأمل، با ملاحظه صحیح جوانب باید پیش رفت. کار، کار عمیقی است. کارهای عمیق، کوتاه‌مدت نیست؛ زودبازده نیست؛ بلندمدت است؛ دیربازده است؛ اگر درست صورت بگیرد، ماندگار خواهد شد، مثمر خواهد شد؛ اگر سرهم‌بندی شد، شتابزده شد، آن وقت نتیجه لازم را نخواهد داد. فرمود: «و مجتنبی الثمره لغير وقت ایناعها کالزراع به غیر ارضه»؛ اگر چنانچه میوه را قبل از اینکه برسد، چیدید، در واقع چیزی به دست نیآورده‌اید و زحمتتان هدر رفته است. بگذارید میوه برسد، بعد بچینید تا از همه منافع آن بهره ببرید.

۲	استفاده از حلقه‌های تحقیقاتی متعدد برای یافتن راهکارهای اجرایی و عملیاتی بخش‌های سند تحول	مسئولان آموزش و پرورش	حلقه‌های تحقیقاتی متعددی لازم است که برای بخش‌های این سند تحول، راهکارهای اجرایی و عملیاتی پیدا کند، تا حقیقتاً این ریل، صحیح گذاشته شود؛ آن‌وقت این قطار بر روی ریل حرکت کند.
۳	تأمل و تدبیر جدی برای پشتیبانی مالی آموزش و پرورش و پیشرفت در کار سند تحول	دولت و مجلس	البته لازم است هم دولت، هم مجلس، برای پشتیبانی مالی آموزش و پرورش، برای پیشرفت در این کار، به طور جدی تأمل کنند، تدبیر کنند. آموزش و پرورش را نمی‌شود به حال خود رها کرد و پشتیبانی لازم از آن به عمل نیآورد، بعد هم توقع داشت که پیش برود.
۴	توجه به بلندبالا بودن فهرست کارهایی که باید در آموزش و پرورش انجام شود	مسئولان ستادی و صفی آموزش و پرورش	بحمدالله در این سال‌ها کارهای خیلی خوبی شده است بنده هم گزارش‌هایی دارم. آنچه شده است، خوب است؛ اما آنچه نشده است و باید بشود و اگر امروز دست‌به‌کار نشویم، قطعاً دیر خواهد شد، خیلی زیاد است؛ آن هم یک فهرست بلندبالائی است که مسئولین محترم آموزش و پرورش چه در ستاد، چه در صف ان‌شاءالله باید به این نکات توجه کنند.
۵	توجه جدی به آرایش درونی دانشگاه فرهنگیان	مسئولان آموزش و پرورش	مسئله دانشگاه فرهنگیان هم خیلی مهم است؛ این هم از جمله چیزهایی است که باید به طور جدی به آرایش درونی آن توجه شود.
۶	انجام همه پشتیبانی‌های ممکن از دانشگاه فرهنگیان	مسئولان آموزش عالی	اگرچه این دانشگاه [فرهنگیان] در ذیل آموزش و پرورش تعریف شده است و مربوط به آموزش و پرورش است، لیکن آموزش عالی باید همه پشتیبانی‌های ممکن را از این دانشگاه‌ها بکند.



<p>ای بسا دانش‌آموزی که خود او هنوز در موقعیت قانونی برای رأی دادن نیست، اما می‌تواند خانواده خود را برای ورود در این میدان، برای انجام مسئولیت، تحت تأثیر قرار دهد. این تعداد کثیر معلمین در سرتاسر کشور، هم در این مسئله انتخابات که مصرع برجسته حماسه سیاسی، همین انتخاباتی است که پیش رو است هم در بخش حماسه اقتصادی که یک چیز بلندمدت است، می‌توانند تأثیر بگذارند، می‌توانند نقش‌آفرینی کنند</p>	<p>معلمان</p>	<p>تأثیرگذاری در حماسه سیاسی و انتخابات و حماسه اقتصادی</p>	<p>۱۰</p>
<p>پیشرفت‌های ملت ایران در این سه دهه، متناسب با سی سال نیست؛ یک نمونه‌اش پیشرفت‌های علمی است که مجامع جهانی چاره‌ای ندارند که به آنها اعتراف کنند؛ که اعتراف هم کردند. سرعت پیشرفت علمی ما سیزده برابر متوسط جهانی است؛ این شوخی است؟ در عین حال با این سرعت پیشرفت، ما هنوز از لحاظ علمی عقبیم. ببینید ما چقدر عقب بودیم! با اینکه بیش از ده برابر متوسط سرعت جهانی داریم حرکت می‌کنیم، هنوز عقبیم. پس این سرعت را باید حفظ کرد... این پیشرفت‌ها به برکت انقلاب است. اما در عین حال این پیشرفت‌ها همچنان کم است؛ باید این پیشرفت‌ها افزایش پیدا کند.</p>	<p>آحاد مردم و مسئولان</p>	<p>حفظ سرعت پیشرفت و افزایش پیشرفت‌ها</p>	<p>۱۱</p>

<p>مسئله کتاب‌های درسی هم بسیار مهم است. باید به طور مداوم و به تناسب نیازها، مضمون این کتاب‌ها، محتوای این کتاب‌ها ترقی و پیشرفت داشته باشد.</p>	<p>مسئولان آموزش و پرورش</p>	<p>ترقی و پیشرفت مداوم و متناسب با نیازهای مضمون و محتوای کتاب‌های درسی</p>	<p>۷</p>
<p>دستگاه‌های هشیار مراقب در کل آموزش و پرورش باید وجود داشته باشد که هم پیشرفت‌های مبتنی بر سند تحول را تعقیب کند، ببیند کجا لنگی هست، کجا اشکال وجود دارد، کجا تجربه ناموفق هست، بلافاصله اصلاح کند. چشم بینا لازم است، هم در زمینه مواد درسی و کتاب‌های درسی، نیازها را بسنجد.</p>	<p>مسئولان آموزش و پرورش</p>	<p>تعقیب پیشرفت‌های مبتنی بر سند تحول و اصلاح اشکالات و سنجش نیازهای کتاب‌های درسی توسط دستگاه‌های هشیار مراقب</p>	<p>۸</p>
<p>سال‌هاست که ما یک مسائلی را در کتاب‌ها می‌گنجانیم؛ بعضی‌ها خارج می‌کنند، بعضی‌ها داخل می‌کنند. ببینیم چه لازم است از معارف الهی، معارف اسلامی، معارف مدنی، معارف تمدن‌ساز، معارف انسان‌ساز؛ معارفی که یک ملت را سربلند می‌کند، پیشرو می‌کند، پیشتاز می‌کند؛ که اگر در کتاب‌های ما وجود ندارد، آنها را بگنجانیم؛ چه چیزهایی نقطه مقابل است، تخدیر کننده است، گمراه کننده است، آنها را حذف کنیم؛ چه چیزهایی به تناسب نسل‌ها یا جنسیت‌ها لازم است، آنها را بگنجانیم. فرض بفرمائید در کتاب‌های درسی دختران ممکن است چیزهایی لازم باشد در زمینه‌های خانه‌داری، تربیت فرزند و امثال اینها؛ و در کتاب‌های پسران ممکن است چیزهای دیگری لازم باشد در مواجهه با مسائل کار، زندگی و امثال اینها؛ اینها مراقبت لازم و دیده‌بانی دائم احتیاج دارد و باید این کارها انجام بگیرد. به‌رحال کار، بسیار کار مهمی است.</p>	<p>مسئولان آموزش و پرورش</p>	<p>گنجاندن مطالب مربوط به معارف اسلامی، مدنی، تمدن‌ساز و انسان‌ساز که در کتاب‌های ما وجود ندارد و حذف امور تخدیر کننده و گمراه کننده در کتاب‌های درسی</p>	<p>۹</p>





مقدمه

خیلی متشکریم از بانوان محترم و گرامی که جلسه‌ای به این خوبی و به این پربراری ترتیب دادید و من امروز حقیقتاً از بیانات خانمها بهره‌مند شدم و استفاده کردم؛ و خدا را سپاسگزاری کردم به خاطر عمقی که انسان مشاهده میکند در مباحث و تلاشها و فکر کردنها در بین بانوان برجسته و ممتاز کشورمان بحمدالله وجود دارد. مطالبی که فرمودید، غالباً مطالب خوبی بود؛ پیشنهادهایی هم بود که ان‌شاءالله می‌دهیم بررسی کنند؛ آن مقدار که به عهده‌ی من است و ما باید دنبال کنیم حتماً دنبال میکنیم ان‌شاءالله.

الف) گفتمان غرب و اسلام در مسئله زن، راهبردهای خروج از انفعال در برابر گفتمان غرب و گسترش گفتمان اسلام

۱. ما درباره مسئله زن دچار یک عقب‌ماندگی هستیم؛ به

این معنی که حرفهای برجسته‌ای داریم ولی نتوانستیم آن‌ها را به دنیا منتقل کنیم

درباره‌ی مسئله‌ی زن و آنچه که پیرامون این مسئله است، خب حرف خیلی زیاد است؛ ما دچار یک عقب‌ماندگی‌ای هستیم که شما خانمها - بعضی از خانمهایی که صحبت کردید - اشاره کردید. عقب‌ماندگی در این قلمرو، از نوع عقب‌ماندگی در علم - که ما می‌گوییم دچار عقب‌ماندگی هستیم مثلاً - نیست؛ در اینجا اگر تعبیر میکنیم به عقب‌ماندگی، به خاطر این است که ما در زمینه‌ی مسئله‌ی زن، مسئله‌ی جنسیت، مسئله‌ی اموری که حول و حوش وجود زن تحقق پیدا میکند و معنا پیدا میکند - مثل همین خانواده و فرزند و ازدواج و سکن و آرامش و از این مطالب - حرفهای برجسته‌ای داریم که توفیق پیدا نکردیم اینها را منتقل کنیم به دنیا، اینها را مطرح کنیم در ذهنیت جهانی، عقب‌ماندگی از این جهت. در حالی که دنیا احتیاج دارد به مبانی و مفاهیم روشن فراگیر کارگشا؛ همچنان که ملاحظه کردید بعضی از خانمها گفتند که وقتی ما اینها را در دنیا مطرح میکنیم، مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ یا بعضی از خانمها گفتند که دستاوردهای علمی در زمینه‌های روان‌شناسی و غیره، احکام اسلامی را در مورد زن تأیید میکند. خب، این یک گوشه‌ای از توانایی‌های نظام فکری اسلامی در این مسئله حساس است؛ و ما این توانایی‌ها را نتوانستیم درست بیان کنیم، تعریف کنیم. در خیلی از مناطق گوناگون فکری و قلمروهای فکری همین‌جور است؛ در خیلی از زمینه‌ها ما واقعاً نظر اسلام را درست نتوانستیم به دنیا منتقل کنیم.

۱,۱. البته همان مقداری هم که در این زمینه کار شده، به برکت نظام جمهوری اسلامی و نفوذ فکر و نام انقلاب و امام بوده است حالا اینکه می‌گوییم «نتوانستیم»، این را نمیشود گناه نظام جمهوری اسلامی دانست؛ چون همان مقداری هم که کار شده است، به برکت نظام جمهوری اسلامی است و به برکت نفوذ فکر انقلاب و فکر امام و نام انقلاب و نام امام و اینها بود که بحمدالله تا حدودی گسترش پیدا کرد؛ لکن بیش از این باید ما کار کنیم، که نیاز داریم به این؛ که حالا عرض خواهیم کرد.

۲. باید یک نهضت بیداری در زمینه مسائل زنان را بیفتد تا بتوانیم جبهه تهاجمی و مصون از تعرض تهاجم دیگران داشته باشیم

ما برای اینکه بتوانیم یک جبهه‌ی تهاجمی و مصون از تعرض تهاجم دیگران - یک آرایش تهاجمی - داشته باشیم، نیاز داریم به اینکه این کارها را، این اندیشه‌ها را، این افکار را منتشر کنیم، بگوییم؛ به این واقعاً نیازمندیم؛ در واقع این تهاجم ما، جنبه‌ی مصونیت‌سازی و تدافعی دارد.

بنابراین هرچه شماها کار بکنید برای اینکه این عقب‌ماندگی را جبران بکنید، به نظر من مفید است و لازم است. در زمینه‌ی این نهضت - باید گفت نهضت بیداری در زمینه‌ی مسائل مربوط به زنان - واقعاً هیچ نایستی ما تعلق کنیم، توقف کنیم؛ بین راه درنگ نباید کرد.

۳. با اینکه یک گفتمان کامل، مفید و قانع‌کننده از اسلام در زمینه زنان داریم، اما خود را در مقابل گفتمان غربی در موضع انفعال قرار دادیم

با وجود اینکه این گفتمان کامل و مفید و قانع‌کننده را از اسلام در اختیار داریم، اما عملاً خودمان را در موضع انفعال قرار دادیم در مقابل گفتمان غربی در مورد زن.

۳,۱. گفتمان غرب در مورد زن، یک گفتمان کاملاً حساب‌شده سیاسی است که از رنسانس و بعد پیدایش صنعت جدید آغاز و در روزگار ما اوج گرفت

گفتمان غرب در مورد زن، یک گفتمان کاملاً حساب‌شده‌ی سیاسی است؛ یعنی آن روزی که این فکر و این گفتمان درباره‌ی زن، در غرب آغاز به کار کرد و شروع کرد، یک محاسبه‌ی دقیقی پشت این وجود داشت. این البته به عنوان خبر نیست که من از روی اطلاع و با استناد به اخبار بگویم، اما مؤیدات واقعی‌ای دارد که این تحلیل را تقویت میکند؛ یعنی از آغاز رنسانس در غرب و به دنبال آن حضور صنعت و پیدایش صنعت جدید در غرب، بتدریج این گفتمان غربی رشد پیدا کرد؛ و اوجش در روزگار ما است که البته این اوج همراه خواهد بود با انحطاط و نزول و ان‌شاءالله سرافکندگی و فروپاشی این گفتمان.

۴. مردواره کردن زن و قرار دادن زن به عنوان وسیله راحتی برای التذاذ جنسی مرد، دو جزء برجسته گفتمان غربی در مورد زن است

گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، لکن دو جزء در آن برجسته است: یکی مردواره کردن زن، یعنی زن را متشبه به مرد قرار

دادن، این یک بخش مهم از این گفتمان است؛ یک بخش دیگر هم زن را وسیله‌ی راحتی برای التذاذ جنسی مرد قرار دادن، حالا التذاذ چشمی یا مراحل بدتر و بعدتر از التذاذ چشمی، این هم یک بخش دیگر از گفتمان غربی است در مورد زن. این مسئله‌ی فمینیسم و این چیزهایی که امروز در دنیا رایج شده، همه در واقع فرآورده‌های آن گفتمان غربی است که در نهایت کار به اینجاها می‌رسد.

۴,۱,۱. مردواره کردن یعنی مشاغلی که با ساخت جسمی، عصبی و فکری مرد سازگارتر است را به سمت بانوان کشانده و افتخاری برای زن قرار دادند

مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشانند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند.

۴,۱,۱. در مقابل این مساله دچار انفعال شدیم و دور خوردیم؛ چون افتخار می‌کنیم که در بخش‌های اجرایی کشور فلان تعداد زن داریم

ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم. می‌بینید ما الان افتخار می‌کنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخش‌های اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود، از اینکه این بانوان در این مناصب اجرایی باشند من هیچ مشکلی ندارم؛ یعنی منع نمی‌کنم، نفی نمی‌کنم، ایرادی هم برایش قائل نیستم - فرض کنید وزیر بهداشت ما یک خانم بود، یا معاونین رئیس‌جمهور مثلاً یا بخش‌های مختلف در بینشان بانوان هستند، این از نظر من اشکالی ندارد - آنچه اشکال دارد، افتخار به این است؛ که ما به رخ دنیا بکشیم که ببینید، ما در بخش‌های اجرایی اینقدر زن داریم! این همان دور خوردن است، این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد.

۴,۱,۲. اشکال ندارد خانمی به واسطه توانایی‌های خود در یک مقام اجرایی قرار بگیرد؛ آنچه اشکال دارد افتخار به این مساله است

خیلی خب، یک خانمی است، ارزش‌هایی داشته، توانایی‌هایی پیدا کرده، مناسب این مقام شده؛ خیلی خب، بگذارند، خلاف قانون هم که نبوده؛ اما اینکه ما به این افتخار بکنیم که ببینید، ما این تعداد خانم مسئول در بخش‌های اجرایی داریم، این غلط است. اگر ما افتخار کنیم که این تعداد خانم روشنفکر، خانم تحصیلکرده داریم، این خوب است، این جا دارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم نویسنده، خانم فعال فرهنگی یا فعال سیاسی داریم، اشکالی ندارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم شهادت‌طلب و مجاهده‌کار در میدان‌های گوناگون داریم، این خوب است؛ اگر بگوییم این مقدار خانمی که در عرصه‌های سیاسی انقلابی فعالیت دارند - گوینده‌اند، نویسنده‌اند - داریم، این خوب است؛ افتخار به اینها خوب است؛ اما افتخار به اینکه ما این تعداد وزیر زن، این تعداد نماینده‌ی زن، این تعداد معاون بخش‌های مختلف زن، این تعداد رئیس مؤسسات تجاری زن داریم، افتخار به این غلط است؛ این انفعال در مقابل آنها است.

۴,۱,۳. بنا نبود ما کارهای مردانه را به زنها بدهیم! زن و مرد از لحاظ آنچه که مربوط به انسانیت است هیچ فرقی ندارند و هر یک امتیازاتی دارند

مگر بنا بوده ما کارهای مردانه را به زنها بدهیم؟ نه، جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است. در مجموع هم که نگاه کنیم، زن و مرد فرقی ندارند؛ از لحاظ خلقت، از لحاظ خصوصیات کیان طبیعی‌شان که خدای متعال خلق کرده، یک امتیازاتی جانب زنانه دارد، یک امتیازاتی جانب مردانه دارد؛ خدای متعال یک مقدار خصوصیات را به این جنس داده، یک مقدار خصوصیات را به آن جنس داده؛ یک برجستگی‌ها و ارزش‌هایی این دارد، یک برجستگی‌ها و ارزش‌هایی آن دارد؛ لذا است که با همدیگر از لحاظ آنچه که مربوط به انسانیت است هیچ فرقی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ در آن چیزهایی که خدای متعال برای انسان قرار میدهد - از لحاظ حقوق انسانی، از لحاظ حقوق اجتماعی، از لحاظ ارزش‌های معنوی و سیر تکامل معنوی - هیچ فرقی ندارند؛ یعنی یک مردی مثل علی بن ابی‌طالب میشود، یک زنی مثل فاطمه‌ی زهرا میشود؛ یک مردی مثل عیسی میشود، یک زنی مثل مریم میشود؛ تفاوتی ندارند با همدیگر.

۴,۱,۴. این نگاه درست است که زن را در جنسیت خود بشناسیم و ارزش‌های مناسب برای فرد یا جامعه دارای این جنسیت را مشخص کنیم

پس این نگاه درست است که ما زن را در جنسیت خودش - همان جور که هست، زن واقعی، مؤنث واقعی - بشناسیم، و ببینیم چه ارزش‌هایی میتواند این فرد متعلق به این جنس را یا این جامعه‌ی این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است. ما نباید در مقابل نگاه غرب دچار این انفعال میشدیم که متأسفانه شدیم.

۴,۲. این نگاه که زن را وسیله‌ای برای التذاذ جنسی مرد قرار می‌دهد، مثل یک سیلی وارد کشورهای بی‌دفاع و بی‌حفاظ اسلامی و کشور ما شد

البته در آن بخش دوم که زن را وسیله‌ای برای التذاذ جنسی مرد قرار میدهد - نه التذاذ معنوی و روحی، نه التذاذ علمی؛ ممکن است دو نفر بنشینند، یکی لذت ببرد از خوش‌صحبتی یکی، از معلومات کسی؛ نخیر، این مطرح نیست - برای اینکه مرد به راحتی بتواند التذاذ ببرد از مسائل جنسی زن، این مثل یک سیلی وارد کشورهای بی‌دفاع و بی‌حفاظ اسلامی شد از طرف غرب؛ کشور ما هم همین جور.

۴,۲,۱. انقلاب، تا حد زیادی جلوی این سیل را گرفت؛ باید با حل مسئله حجاب، پوشش و حدود معاشرت زن و مرد، جلوی این بالای عظیم را سد کرد

خوشبختانه انقلاب آمد، جلوی این تا یک حدود زیادی گرفته شد و بایست جلوی این سد بشود؛ این خطر بزرگی است؛ بالای عظیمی است. مسئله‌ی حجاب یکی از مقدمات این کار است، مسئله‌ی پوشش و لباس همین جور، مسئله‌ی معاشرت زن و مرد و حدود معاشرت یکی از مقدمات این است که این بالای بزرگ که هم بالای برای زن است و هم بالای برای مرد است - و البته شامل تحقیر زن هم هست، بدون اینکه ملتفت بشوند - سد بشود. امروز در دنیا عمداً به این مسئله دامن زده میشود.

۴,۲,۲. دامن زدن به مساله شهوت و همجنس‌بازی و همجنس‌گرایی، چاله‌های عظیم، عمیق، خطرناک و لغزشگاه عجیبی برای تمدن



البته من اطلاع دارم و خوانده‌ام در نوشتجاتی، در مطبوعاتی، در کتابهایی که اندیشمندان غربی بتدریج دارند احساس ترس و احساس دهشت میکنند از این وضعیّت؛ که حق با آنها است، منتها دیر فهمیدند؛ دامن زدن به مسئله‌ی شهوت - که متمرکز بود روی مسئله‌ی زنها؛ و امروز می‌بینید که در دنیا بدتر از اینها دارد میشود، این مسئله‌ی همجنس‌بازی و همجنس‌گرایی و این ازدواجها و خانواده‌های دو جنس مشابه و مانند اینها - اینها چیزهایی است که به زبان آسان می‌آید؛ اینها چاله‌های عظیم و عمیق و خطرناکی است پیش پای آن تمدن و کسانی که آن تمدن را دارند اداره میکنند و پیش می‌برند؛ لغزشگاه عجیبی است، پدر اینها را درخواهد آورد؛ حالا این نیمه‌ی راه است، نیمه‌ی سراسیمه‌ی است. البته به نظر من قادر هم نیستند جلوی آن را بگیرند. یعنی مشکل آنها از این حرفها گذشته است. من چند سال پیش - هفت، هشت، ده سال قبل از این تقریباً - در مطبوعات کشورهای خارجی دیدم و خواندم و شنیدم که آمریکایی‌ها دارند دنبال میکنند که از کتابهای فلان نویسنده‌ی مثلاً رمان‌نویس خانواده‌نویس - که رمان‌هایش اطراف خانواده است - فیلم درست کنند برای اینکه بکشاند جهت فیلمسازی و فیلمبرداری و سینما و مانند اینها را به این جهت؛ خب، یک کارهایی هم کرده‌اند، دارند هم میکنند؛ اما اینها مثل یک جریانهای باریکی است در مقابل یک سیل عظیمی که خودشان به دست خودشان راه انداختند؛ و دچارشان کرده است و بعد از این بیشتر دچارشان خواهد کرد.

۴,۲,۳. خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن، مرد، جامعه و خانواده را باید خیلی جدی گرفت

ما البته نسبت به این قضیه فعلاً یک «مصونیۀ ما»ی (۱) داریم - به خاطر همین حجاب و همین چیزهایی که وجود دارد - منتها این را نبایستی دست کم گرفت، بایستی این را به جد اهمیت داد. در همین مباحثی که خانمها اشاره کردید که دارید کار میکنید، این مسئله‌ی جاذبه‌ی جنسی و خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن و برای مرد و برای جامعه و برای خانواده، این را به نظر من خیلی بایستی جدی گرفت. ۵. گفتمان اسلام، «زن حقیقی» است؛ باید این گفتمان را به صورت تهاجمی و طلبکارانه مطرح کنیم؛ مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید

خب، عرض کردیم گفتمان اسلام «زن حقیقی» است؛ این گفتمان را همان‌طور که اشاره کردم، بایستی ما به صورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. گفتند بعضی از خانمها که آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسّسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید میکنند که اگر چنین کنید، اگر چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به درک! قطعنامه صادر کنند. گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیۀ تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد. اگر آنها گفتند که شما چرا به زن برای اینکه بتواند بی‌حجاب بگردد آزادی نمیدهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضرّ و دهشتناک را میدهید، به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد. آنچه که امروز در غرب در زمینه‌ی بی‌حفاظی و بی‌حجابی زن دارد دنبال میشود، واقعاً گاهی اوقات تصوّرش انسان را دچار دهشت میکند که چکار میخواهند بکنند، کجا دارند میروند؟ که لابد شماها خبرهایتان بیشتر از من است، ولی من هم اطلاعات زیادی دارم در این زمینه که چه کارهایی دارد انجام میگیرد؛ در سطوح مختلف؛ از سطوح بالا، تا سطوح کار و معیشت متعارف زندگی و شغل و این حرفها.

۵,۱. خصوصیات زن در این گفتمان باید تبلیغ شود که عبارت است از: کرامت، عزّت، ظرافت جسمی، ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافتکار کردی

خصوصیات زن در این گفتمان گفته شود؛ کرامت زن، عزّت زن، ظرافت زن، نه فقط ظرافت جسمی بلکه ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافت کارکردی که باید بکند.

۵,۱,۱. فقط سز انگشت ظریف و لطیف مادر می‌تواند رشته‌های بشدّت رقیق و نازک اعصاب کودک را از هم جدا کند، تا برای کودک عقده به وجود نیاید

این رشته‌های بشدّت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سز انگشت ظریف و لطیف مادر است که میتواند از هم جدا کند که عقده به‌وجود نیاید، گره به‌وجود نیاید؛ هیچ کس دیگر نمیتواند، یعنی هیچ انسان دیگری که از جنس زن نباشد نمیتواند؛ این کار، کار زنانه است. یعنی برخی از کارکردها بقدری همراه با ظرافت است که انسان استعجاب میکند از قدرت الهی که چطور این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت کرده.

۵,۱,۲. زنان با تدبیر و ظرافت می‌توانند مرد را در دست خود بچرخانند و رام خود کنند

من همیشه به دوستان و خویشاوندان و زنان می‌گویم، می‌گویم برخلاف آنچه که معروف است، در بین این دو جنس، آن جنس قوی‌تر زن است. زنها قوی‌تر از مردهايند. زنها میتوانند با تدبیر و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند؛ انسان، هم در تجربه این را مشاهده میکند، هم با قیاسهای فکری و عقلی این را میتواند اثبات بکند. این واقعیتی است. بله، زنهایی هستند که بی‌تدبیری میکنند، لذا این کار را نمیتوانند انجام بدهند؛ اما زنی که اهل تدبیر باشد، مرد را میکند رام خودش. این مثل این است که یک نفری بتواند یک شیر درنده را افسار بزند، سوارش بشود؛ این معنایش این نیست که او از لحاظ جسمی از این شیر قوی‌تر است، معنایش این است که توانسته این اقتدار معنوی را به کار ببرد؛ زنها این توانایی را دارند، منتها با ظرافت؛ یعنی ظرافتی که می‌گوییم، تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست، بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم‌گیری است که خدای متعال در زن قرار داده. بنابراین به نظر من اساس کار باید این باشد؛ این گفتمان بایستی تقویت بشود و پیش برود.

ب) بیان مسائل اصلی مربوط به زنان کشور در شرایط کنونی و برخی از راه کارهای پیشرفت در امور زنان

۱. در مسائل مربوط به امروز زنان کشور ما دو مسئله از همه مهم‌تر، فوری‌تر و لازم‌الاهتمام‌تر از بقیه مسائل است مطلب دومی که عرض میکنم، در مسائل فعلی زنان کشور ما به اعتقاد من دو مسئله از همه مهم‌تر یا بگویید فوری‌تر و لازم‌الاهتمام‌تر از بقیه‌ی مسائل است.

۱,۱. یک مسئله، مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده است؛ برای خانه باید شأن قائل شد

یک مسئله، مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده است. برای خانه باید شأن قائل شد؛ انسان بدون خانه - که مسکن و



مأویایی ندارد - قابل تصوّر نیست. هر انسان احتیاج دارد به خانه و محیط خانه. روح محیط خانه عبارت است از خانواده؛ باید به این اهمّیت داد، باید در این تأمل و تدبّر کرد.

۱,۲. مسئله دوم، جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری است

و دوم جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف، ما زنانی داریم که ضعیفند و محرومند، زنانی داریم که ستم‌زده و مظلومند؛ باید جلوی این مظلومیتها را گرفت. قوانین مهمّی لازم است که باید وجود داشته باشد، حُقیقات لازمی وجود دارد که بایستی دنبال کرد که تحقّق پیدا کند، آداب و سننی لازم است وجود داشته باشد که زن در سطوح مختلف - من اینجا یادداشت کرده‌ام - معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری دچار ستم‌زدگی نباشد. یعنی از مسائل کاملاً شخصی و خصوصی - یعنی مسائل جنسی - احتمال و امکان ستم‌زدگی زن و مظلومیت زن وجود دارد، تا مسائل عمومی‌تر مثل مسائل معاشرتی، مسائل خانوادگی؛ که در مورد مسائل خانوادگی من اینجا یادداشت کرده‌ام: احترام در چشم شوهر، در چشم فرزند، در چشم پدر، در چشم برادر. زن اگر چنانچه در محیط خانواده، محترم و مکرم شمرده بشود، بخش مهمّی از مشکلات جامعه حل خواهد شد. باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً بیوسند؛ اسلام دنبال این است. کما اینکه در خانواده‌های مذهبی‌تر و اخلاقی‌تر و نزدیک‌تر به مفاهیم مذهبی، اینها مشاهده میشود. فرزندان خانواده نسبت به مادر تکریم داشته باشند. هیچ منافاتی ندارد این تکریم نسبت به مادر، با آن حالت عاطفی و خودمانی‌گری‌ای که بین فرزند و مادر وجود دارد؛ هیچ منافاتی ندارد؛ این احترام باید باشد؛ محترم باید باشد زن در درون خانواده. رفع مظلومیت به این شکل است.

۱,۲,۱. توهین‌های رفتاری، زبانی و وحشی‌گری یدی مرد به همسر، در غربی‌ها فراوان وجود دارد که خلاف انتظار نیست؛ اما در کشور ما نباید باشد

اگر چنانچه فرض کنیم در یک خانواده‌ای، در یک خانه‌ای، مرد به همسر خودش توهین میکند، انواع توهینها، از توهینهای رفتاری تا زبانی تا وحشی‌گری یدی که متأسفانه یک جاهایی هنوز در کشور ما وجود دارد که نباید وجود داشته باشد، البته در بین غربی‌ها هست، فراوان هم وجود دارد، خلاف انتظار هم نیست - غربی‌ها، یعنی بخصوص نژادهای اروپایی، نژادهای وحشی‌اند؛ اینها ظاهرشان اتو کشیده و کراوات زده و ادکلن زده و اینهاند اما همان باطن وحشی‌گری‌ای که در تاریخ وجود داشته هنوز هم در اینها هست؛ راحت آدم میکشند، خونسرد جنایت میکنند؛ بنابراین کتک زدن زن در داخل خانه به وسیله آنها و بعد به وسیله آمریکاییها، بعدی ندارد - اما در محیط اسلامی چنین چیزی اصلاً نبایستی تصوّر بشود؛ ولی متأسفانه هست. بنابراین این دو نقطه، دو نقطه‌ی اصلی است؛ به نظر من هر چه در این زمینه‌ها برنامه‌ریزی بشود، جا دارد.

۲. مسائل مهم دیگری مثل ازدواج، پوشش، معاشرت، حمایت مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم و مسئله اشتغال هم در مورد زنان وجود دارد

بعد از این دو مسائل مهم دیگری هم وجود دارد: مسئله ازدواج و نجات از تجرّد. موانع ازدواج احصاء بشود. همین کارهایی که خانمها اشاره کردند که دارند انجام میدهند و من واقعاً خرسند شدم که بحمدالله به این مسائل پرداخته میشود. مسئله پوشش،

مسئله معاشرت، واقعاً یک کار مبنایی‌ای در این زمینه انجام بگیرد. مسئله حمایت مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم که حالا مسئله دادگاه‌ها را که یکی از دغدغه‌های فکری من بود، آن خانم خراسان رضوی اشاره کردند که این کار در دادگستری آنجا شده؛ امیدواریم واقعاً تحقّق عینی داشته باشد این کار؛ یکی از دغدغه‌ها و از نگرانی‌های بنده همین است که خانمها در محیطهای دادگاهی و محیطهای قضائی، توانایی دفاع از خودشان را درست نداشته باشند؛ نه پول داشته باشند که بتوانند وکیل درست و حسابی بگیرند، نه خودشان بتوانند از خودشان دفاع کنند و مظلوم واقع بشوند؛ این از جمله چیزهایی است که مهم است، باید دنبال بشود. مسئله اشتغال زنان، حدود اشتغال، چه اشتغالی، چه جور کاری، به چه نحوی - همان انعطافی که ما گفتیم در زمینه مسائل اشتغال - اینها همه کارهایی است که باید انجام بگیرد؛ لکن فوری‌تر از همه‌ی اینها آن دو مسئله‌ای است که اول عرض کردم.

۳. باید فعالیت‌های گوناگونی که در کشور در زمینه زن وجود دارد، یک شکل سیستمی و یک هندسه‌ی عمومی پیدا کند یکی از چیزهایی که ذهن بنده را مشغول میکند این است که این همه فعالیت‌های گوناگونی که در زمینه زن و مسئله زن در کشور وجود دارد - از مسائل حقوقی و قانونی و فقهی بگیرد تا مسائل اجتماعی، تا مسائل اجرایی، تا مسائل عاطفی، این همه موضوعات مختلفی که در زمینه زن مطرح است - بایستی یک شکل سیستمی پیدا کند، بایستی یک هندسه‌ی عمومی پیدا کند. البته بعضی از گزارشهایی که به من دادند یا آنچه که اینجا گفته شد، اشاره‌ای به این میکند که فکری در این زمینه شده، لکن به اعتقاد من باید یک کار جامعی در این زمینه انجام بگیرد. ما همه‌ی مسائل زنان را به یک شکل سیستمی کامل، با یک هندسه‌ی صحیح تصویر کنیم، ترسیم کنیم.

۳,۱. یک مرکز عالی و ثابت با کادر قوی و چشم‌انداز بلند مدّت ایجاد شود؛ ذیل آن، نهادهای متناسبی تشکیل شود و بانک اطلاعات هم وجود داشته باشد

یک مرکز عالی و ثابت هم با کادرهای قوی و چشم‌انداز بلندمدّت - که بنده به کار کوتاه مدّت، در این زمینه مهم هیچ اعتقادی ندارم - به وجود بیاید؛ آن وقت در ذیل این مرکز عالی و ثابت، نهادها و بنیادهای متناسبی برای بخشهای مختلف تشکیل بشود؛ از کارهای هم مطلع هم بشوند و یک بانک اطلاعاتی مناسبی هم وجود داشته باشد، یعنی الان بسیاری از کارها هست که حتّی خانمهایی که در این جلسه حضور دارید ممکن است بعضی از بعضی از کارهای دیگران اطلاع نداشته باشند. خب این همه بحمدالله ما زن فرزانه و نخبه داریم، در بخشهای مختلف، با نگاه‌های مختلف، از این مجموعه‌ی عظیم بایستی استفاده کرد.

۴. نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه انقلاب کم‌رنگ شود؛ جبهه انقلاب، زنان کارآمد، فعال، زبان‌آور، نویسنده و عالم‌مزیاد دارد

یک نکته‌ی دیگر هم - که چون وقت نیست و ظهر است، عرض بکنیم به عنوان مطلب آخر - این است که زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب، یک روزی نقش آفرینی برجسته‌ای کردند - هم اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوائل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی - و از خودشان حضور نمایانی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کم‌رنگ بشود. دیگران در



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	با طرح اندیشه های اسلام در مسائل مربوط به زنان، یک نهضت بیداری با آرایش تهاجمی در برابر غرب راه بیندازید	بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی و مسئولان ذیربط در امور زنان	درباره‌ی مسئله‌ی زن و آنچه که پیرامون این مسئله است، خب حرف خیلی زیاد است؛ ما دچار یک عقب‌ماندگی‌ای هستیم... در اینجا اگر تعبیر میکنیم به عقب‌ماندگی، به خاطر این است که ما در زمینه‌ی مسئله‌ی زن، مسئله‌ی جنسیت، مسئله‌ی اموری که حول و حوش وجود زن تحقق پیدا میکند و معنا پیدا میکند - مثل همین خانواده و فرزند و ازدواج و سکُن و آرامش و از این مطالب - حرفهای برجسته‌ای داریم که توفیق پیدا نکردیم اینها را منتقل کنیم به دنیا، اینها را مطرح کنیم در ذهنیت جهانی، عقب‌ماندگی از این جهت... ما برای اینکه بتوانیم یک جبهه‌ی تهاجمی و مصون از تعرض تهاجم دیگران - یک آرایش تهاجمی - داشته باشیم، نیاز داریم به اینکه این کارها را، این اندیشه‌ها را، این افکار را منتشر کنیم، بگوییم؛ به این واقعاً نیازمندیم؛ در واقع این تهاجم ما، جنبه‌ی مصونیت‌سازی و تدافعی دارد. بنابراین هرچه شماها کار بکنید برای اینکه این عقب‌ماندگی را جبران بکنید، به نظر من مفید است و لازم است. در زمینه‌ی این نهضت - باید گفت نهضت بیداری در زمینه‌ی مسائل مربوط به زنان - واقعاً هیچ نایستی ما تعلل کنیم، توقف کنیم؛ بین راه درنگ نباید کرد. با وجود اینکه این گفتمان کامل و مفید و قانع‌کننده را از اسلام در اختیار داریم، اما عملاً خودمان را در موضع انفعال قرار دادیم در مقابل گفتمان غربی در مورد زن.

مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی میکنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان‌آور و نویسنده و عالم و دانشمند بمراتب بیشتر دارد؛ خانمهایی که اهل اقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتند، اهل فکر دادند، صحنه‌ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند؛ این یک نکته است.

۵. صداسوسیما حتماً باید نقشی صددرصدی در زمینه مطالبی که ما برای پیشرفت امور زنان عرض می‌کنیم، از شماها می‌شنویم و فکر میشود، ایفا کند

و نکته‌ی آخر را هم با این جمله من تکمیل و متمیم کنم که برای پیشرفت آنچه که در مورد زن ما عرض میکنیم و از شماها می‌شنویم و فکر میشود، حتماً بایستی صداسوسیما یک نقش صددرصدی ایفا کند. این را اعتقاد داریم ما و سفارش میکنیم، حتماً بایستی صداسوسیما یک نقش صددرصدی‌ای ایفا کند؛ میتواند؛

۵.۱. صداسوسیما به گونه‌ای فرهنگ‌سازی کند که زن دارای خصوصیات اسلامی، محترم باشد؛ متأسفانه بعضی از برنامه‌ها در جهت عکس این است

صداسوسیما میتواند آنچنان فرهنگ‌سازی‌ای بکند که زن مؤمن، فعال، مجاهد فی سبیل‌الله، باحجاب، دارای خصوصیات زن اسلامی، در جامعه محترم و مکرم باشد؛ دیگران میخواهند عکسش اتفاق بیفتد. بعضی از برنامه‌های صداسوسیما متأسفانه در همان جهت خاص دیگران است؛ باید عکس عمل بشود؛ یعنی واقعاً باید صداسوسیما صددرصد در خدمت این فکر قرار بگیرد.

جمع بندی:

در مسائل زنان در جمهوری اسلامی پیشرفتهایی داشتیم؛ منتها این پیشرفتها متناسب با نیاز، توقع و امکانی که در اسلام وجود دارد نیست

به‌رحال آنچه که میتوان به‌عنوان جمع‌بندی مجموعه‌ی کارها، فکر کرد و تصور کرد این است که بحمدالله ما در زمینه‌ی مسائل زنان در نظام جمهوری اسلامی پیشرفتهایی داشتیم، منتها این پیشرفتها متناسب با نیاز، متناسب با توقع، متناسب با آن امکانی که در اسلام وجود دارد نیست؛ عقب‌ماندگی داریم. این عقب‌ماندگی را ان‌شاءالله شما خانمها بایستی به بهترین وجهی جبران کنید.

موخره

خداوند ان‌شاءالله شماها را محفوظ بدارد. توفیقاتتان را روزافزون بکند و بتوانیم روزبه‌روز به سمت آنچه که مطلوب اسلام در این زمینه است، پیشتر برویم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

پاورقی

(۱) چیزی شبیه مصونیت



<p>۴</p>	<p>خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن، مرد، جامعه و خانواده را خیلی جدی بگیرید</p>	<p>همان</p>	<p>ما البتّه نسبت به این قضیه فعلاً یک «مصونیّه‌ما» ای (۱) داریم - به خاطر همین حجاب و همین چیزهایی که وجود دارد - منتها این را نبایستی دست کم گرفت، بایستی این را به جدّ اهمیت داد. در همین مباحثی که خانمها اشاره کردید که دارید کار میکنید، این مسئله‌ی جاذبه‌ی جنسی و خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن و برای مرد و برای جامعه و برای خانواده، این را به نظر من خیلی بایستی جدی گرفت.</p>
<p>۵</p>	<p>گفتمان اسلام در مسئله زن را به صورت تهاجمی و طلبکارانه مطرح کنید و مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید</p>	<p>همان</p>	<p>خب، عرض کردیم گفتمان اسلام «زن حقیقی» است؛ این گفتمان را همان‌طور که اشاره کردم، بایستی ما به صورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. گفتند بعضی از خانمها که آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسّسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید میکنند که اگر چنین کنید، اگر چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به درک! قطعنامه صادر کنند. گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیه‌ی تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد. اگر آنها گفتند که شما چرا به زن برای اینکه بتواند بی حجاب بگردد آزادی نمیدهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضرّ و دهشتناک را میدهید، به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد.</p>



<p>۲</p>	<p>نباید به مردواره کردن زنان و حضور آنان در مناصب اجرایی مربوط به مردان افتخار کنیم</p>	<p>همان</p>	<p>مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشاند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم. می بینید ما الان افتخار میکنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخشهای اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود، از اینکه این بانوان در این مناصب اجرایی باشند من هیچ مشکلی ندارم... آنچه اشکال دارد، افتخار به این است؛ که ما به رخ دنیا بکشیم که ببینید، ما در بخشهای اجرایی اینقدر زن داریم! این همان دور خوردن است، این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد... مگر بنا بوده ما کارهای مردانه را به زنها بدهیم؟ نه، جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است</p>
<p>۳</p>	<p>از طریق حل مسئله حجاب، پوشش و حدود معاشرت زن و مرد، جلوی بلای عظیم التذاذ طلبی جنسی از زنان را سد کنید</p>	<p>همان</p>	<p>خوشبختانه انقلاب آمد، جلوی این تا یک حدود زیادی گرفته شد و بایست جلوی این سد بشود؛ این خطر بزرگی است؛ بلای عظیمی است. مسئله‌ی حجاب یکی از مقدمات این کار است، مسئله‌ی پوشش و لباس همین‌جور، مسئله‌ی معاشرت زن و مرد و حدود معاشرت یکی از مقدمات این است که این بلای بزرگ که هم برای زن است و هم برای مرد است - و البتّه شامل تحقیر زن هم هست، بدون اینکه ملتفت بشوند - سد بشود. امروز در دنیا عمداً به این مسئله دامن زده میشود.</p>



<p>[زن باید] احترام در چشم شوهر، در چشم فرزند، در چشم پدر، در چشم برادر [داشته باشد]. زن اگر چنانچه در محیط خانواده، محترم و مکرم شمرده بشود، بخش مهمی از مشکلات جامعه حل خواهد شد. باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند؛ اسلام دنبال این است. کما اینکه در خانواده‌های مذهبی‌تر و اخلاقی‌تر و نزدیک‌تر به مفاهیم مذهبی، اینها مشاهد میشود. فرزندان خانواده نسبت به مادر تکریم داشته باشند. هیچ منافاتی ندارد این تکریم نسبت به مادر، با آن حالت عاطفی و خودمانی‌گری‌ای که بین فرزند و مادر وجود دارد؛ هیچ منافاتی ندارد؛ این احترام باید باشد.</p>	همان	<p>باید کاری کنید که زن در محیط خانه محترم شمرده شود و بچه‌ها حتماً دست مادر را ببوسند</p>	۹
<p>اگر چنانچه فرض کنیم در یک خانواده‌ای، در یک خانه‌ای، مرد به همسر خودش توهین میکند، انواع توهینها، از توهینهای رفتاری تا زبانی تا وحشی‌گری یدی که متأسفانه یک جاهایی هنوز در کشور ما وجود دارد که نباید وجود داشته باشد، البته در بین غربی‌ها هست، فراوان هم وجود دارد، خلاف انتظار هم نیست ... اما در محیط اسلامی چنین چیزی اصلاً نایستی تصور بشود؛ ولی متأسفانه هست.</p>	همان	<p>تلاش کنید تا توهین‌های رفتاری، زبانی و وحشی‌گری یدی مرد به همسر در کشور ما وجود نداشته باشد</p>	۱۰
<p>مسئله‌ی ازدواج و نجات از تجرد [یکی از مسائل مهم مربوط به زنان در کشور است]. موانع ازدواج احصاء بشود.</p>	همان	<p>موانع ازدواج در کشور را احصاء کنید</p>	۱۱
<p>. مسئله‌ی پوشش، مسئله‌ی معاشرت [یکی از مسائل مهم مربوط به زنان در کشور است]. واقعاً یک کار مبنایی‌ای در این زمینه انجام بگیرد</p>	همان	<p>کار مبنایی واقعی در مسئله پوشش و معاشرت زن و مرد انجام دهید</p>	۱۲



<p>خصوصیات زن در این گفتمان گفته شود؛ کرامت زن، عزت زن، ظرافت زن، نه فقط ظرافت جسمی بلکه ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافت کارکردی که باید بکنند... تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست، بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم‌گیری است که خدای متعال در زن قرار داده. بنابراین به نظر من اساس کار باید این باشد: این گفتمان بایستی تقویت بشود و پیش برود.</p>	همان	<p>خصوصیات زن در گفتمان اسلامی را تبلیغ کنید</p>	۶
<p>مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده [یکی از مهم‌ترین مسائل فوری مربوط به زنان] است. برای خانه باید شأن قائل شد؛ انسان بدون خانه - که مسکن و مأوایی ندارد - قابل تصور نیست. هر انسان احتیاج دارد به خانه و محیط خانه. روح محیط خانه عبارت است از خانواده؛ باید به این اهمّیت داد، باید در این تأمل و تدبیر کرد.</p>	همان	<p>در اهمیت و اعتبار خانه و خانواده تأمل و تدبیر کنید</p>	۷
<p>جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف خانواده [یکی از مهم‌ترین مسائل فوری مربوط به زنان است]. ما زنانی داریم که ضعیفند و محرومند، زنانی داریم که ستم‌زده و مظلومند؛ باید جلوی این مظلومیتهای را گرفت. قوانین مهمی لازم است که باید وجود داشته باشد، خلقیات لازمی وجود دارد که بایستی دنبال کرد که تحقق پیدا کند، آداب و سننی لازم است وجود داشته باشد که زن در سطوح مختلف - من اینجا یادداشت کرده‌ام - معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری دچار ستم‌زدگی نباشد.</p>	همان	<p>از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری جلوگیری کنید</p>	۸



<p>یکی از چیزهایی که ذهن بنده را مشغول میکند این است که این همه فعالیت‌های گوناگونی که در زمینه‌ی زن و مسئله‌ی زن در کشور وجود دارد - از مسائل حقوقی و قانونی و فقهی بگیرد تا مسائل اجتماعی، تا مسائل اجرایی، تا مسائل عاطفی، این همه موضوعات مختلفی که در زمینه‌ی زن مطرح است - بایستی یک شکل سیستمی پیدا کند، بایستی یک هندسه‌ی عمومی پیدا بکند... ما همه‌ی مسائل زنان را به یک شکل سیستمی کامل، با یک هندسه‌ی صحیح تصویر کنیم، ترسیم کنیم. یک مرکز عالی و ثابت هم با کادرهای قوی و چشم‌انداز بلندمدت - که بنده به کار کوتاه مدت، در این زمینه‌ی مهم هیچ اعتقادی ندارم - به وجود بیاید؛ آن وقت در ذیل این مرکز عالی و ثابت، نهادها و بنیادهای متناسبی برای بخشهای مختلف تشکیل بشود؛ از کارهای هم مطلع هم بشوند و یک بانک اطلاعاتی مناسبی هم وجود داشته باشد.</p>	همان	<p>یک مرکز عالی و ثابت با کادر قوی و چشم‌اندازی بلندمدت برای هماهنگ سازی سیستمی فعالیت های مربوط به زنان ایجاد کنید</p>	۱۵
<p>زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب، یک روزی نقش‌آفرینی برجسته‌ای کردند - هم اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوائل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی - و از خودشان حضور نمایانی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کم‌رنگ بشود. دیگران در مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی میکنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان‌آور و نویسنده و عالم و دانشمند بمراتب بیشتر دارد</p>	همان	<p>نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کم‌رنگ شود</p>	۱۶



<p>مسئله‌ی حمایت مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم که حالا مسئله‌ی دادگاه‌ها را که یکی از دغدغه‌های فکری من بود، آن خانم خراسان رضوی اشاره کردند که این کار در دادگستری آنجا شده؛ امیدواریم واقعاً تحقق عینی داشته باشد این کار؛ یکی از دغدغه‌ها و از نگرانی‌های بنده همین است که خانمها در محیطهای دادگاهی و محیطهای قضائی، توانایی دفاع از خودشان را درست نداشته باشند؛ نه پول داشته باشند که بتوانند وکیل درست و حسابی بگیرند، نه خودشان بتوانند از خودشان دفاع کنند و مظلوم واقع بشوند؛ این از جمله‌ی چیزهایی است که مهم است، باید دنبال بشود.</p>	همان	<p>مراقب باشید خانم‌ها در محیط های قضایی به دلیل عدم توانایی در دفاع از خود مظلوم واقع نشوند</p>	۱۳
<p>مسئله‌ی اشتغال زنان، حدود اشتغال، چه اشتغالی، چه جور کاری، به چه نحوی - همان انعطافی که ما گفتیم در زمینه‌ی مسائل اشتغال - اینها همه کارهایی است که باید انجام بگیرد.</p>	همان	<p>حدود، نوع و نحوه اشتغال اشتغال زنان را مورد بررسی قرار دهید</p>	۱۴



دیدار اقشار مختلف مردم

۱۳۹۲/۰۲/۲۵



مقدمه

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز؛ مردم مؤمن، جوانان پر شور، علمای اعلام، بالخصوص به خانواده‌های معظم شهیدان که از راههای دور تشریف آوردید و امروز به جمع ما، به حسینی‌های ما نورانیت و صفا بخشیدید. از خداوند متعال مسئلت میکنیم که فضل و رحمت و لطف و عنایت ویژه‌ی خود را که در این ماه شریف شامل حال بندگان و مؤمنان و مخلصان میفرماید، شامل حال همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، و همه‌ی مردم آن استانهای که زحمت کشیدید از آن استانها تشریف آوردید، و همه‌ی ملت ایران بفرماید.

الف) اهمیت و جایگاه ماه رجب، تاثیر انقلاب در رونق اعتکاف در میان جوانان و ضرورت اتصال به معدن قدرت الهی و منبع نورانی معنویت

۱. برادران و خواهران عزیز و مخصوصاً جوانها را به اهمیت ماه رجب توجه می دهیم؛ از این مناسبتها به آسانی نمی شود صرفنظر کرد

اولاً لازم میدانم برادران و خواهران عزیز را، مخصوصاً جوانها را توجه بدهم به اهمیت ماه رجب. از این مناسبتها و از این خصوصیات مربوط به ایام و شهر نمیشود به آسانی صرفنظر کرد. بزرگان و اهل معنا و اهل سلوک، ماه رجب را مقدمه‌ی ماه رمضان دانسته‌اند.

۱. ماه رجب و شعبان، آمادگایی برای ورود انسان به ماه مبارک رمضان است؛ آمادگی برای حضور قلب و بعد توجه بیشتر به کارها و رفتار خود

ماه رجب، ماه شعبان، یک آمادگایی است برای اینکه انسان در ماه مبارک رمضان - که ماه ضیافت الهی است - بتواند با آمادگی وارد شود. آمادگی به چیست؟ در درجه‌ی اول، آمادگی به توجه و حضور قلب است؛ خود را در محضر علم الهی دانستن، در محضر خدا دانستن - «سبحان من احصى كل شیء علمه» (۱) - همه‌ی حالات خود را، حرکات خود را، نیات خود را، خطورات قلبی خود را در معرض و محضر علم الهی دانستن؛ در درجه‌ی اول، این مهم است؛ و اگر این حاصل شد، آن وقت توجه ما به کارهایمان، به حرفهایمان، به رفت‌وآمدهایمان، به سکوتمان، به گفتنمان، بیشتر خواهد شد؛ توجه میکنیم که چه میگوئیم، کجا میرویم، چه اقدامی میکنیم، علیه چه کسی حرف میزنیم، به نفع چه کسی حرف میزنیم. وقتی انسان خود را در محضر الهی دانست، بیشتر متوجه کارها و

<p>برای پیشرفت آنچه که در مورد زن ما عرض میکنیم و از شماها میشنویم و فکر میشود، حتماً بایستی صداوسیما یک نقش صددرصدی ایفا کند. این را اعتقاد داریم ما و سفارش میکنیم، حتماً بایستی صداوسیما یک نقش صددرصدی ایفا کند؛ میتواند.</p>	<p>مسئولین صدا و سیما</p>	<p>۱۷</p> <p>حتماً باید نقشی صددرصدی در زمینه پیشرفت امور زنان کشور ایفا کنید</p>
<p>صداوسیما میتواند آنچه‌ان فرهنگ‌سازی‌ای بکند که زن مؤمن، فعال، مجاهد فی سبیل‌الله، باحجاب، دارای خصوصیات زن اسلامی، در جامعه محترم و مکرم باشد؛ دیگران میخواهند عکسش اتفاق بیفتد. بعضی از برنامه‌های صداوسیما متأسفانه در همان جهت خاص دیگران است؛ باید عکس عمل بشود؛ یعنی واقعاً باید صداوسیما صددرصد در خدمت این فکر قرار بگیرد.</p>	<p>مسئولین صدا و سیما</p>	<p>۱۸</p> <p>به گونه‌ای فرهنگ‌سازی کنید که زن دارای خصوصیات اسلامی در جامعه محترم باشد</p>



حرکات و رفتار خود میشود. عمده‌ی اشکالات ما به خاطر غفلتی است که از رفتار و اعمال خودمان میکنیم. وقتی انسان از حال غفلت خارج شود، توجه کند که دارد دیده میشود، محاسبه میشود - «أَنَا كُنَّا نَسْتَنْسَخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (۲) - همه‌ی حرکات او، کارهای او در محضر پروردگار است، طبعاً مراعات میکند. با این حالت، با یک طهارتی، با یک نزاهت و پاکیزگی‌ای، انسان وارد ماه رمضان شود - «شستشوئی کن و آنگه به خرابات خرام»؛ شستشو کرده وارد ماه رمضان شود - آن وقت در محضر ضیافت الهی حداکثر بهره را خواهد برد. ماه رجب را با این چشم نگاه کنید.

۱,۲. یکی از خصوصیات دعا‌های ماه رجب، توجه دادن به توحید و به اسماء و صفات الهی است

در دعا‌های ماه رجب که از ائمه (علیهم‌السلام) مأثور است، انسان وقتی نگاه میکند، می‌بیند بیشتر این دعاها ناظر به جهات توحیدی است؛ پرداختن به عظمت الهی، به صفات الهی، خود را در مقابل این عظمت مشاهده کردن، راه روشن را به سوی پروردگار شناختن، دانستن و به آن میل و رغبت پیدا کردن. یکی از خصوصیات دعا‌های ماه رجب این است: توجه دادن به توحید، توجه دادن به خدا، به اسماء و صفات الهی. این ماه را باید قدر دانست.

۱,۳. اول ماه رجب متبرک به ولادت امام باقر و آخر آن متبرک به بعثت پیغمبر است؛ در نیمه این ماه هم سنت اعتکاف قرار دارد

اول این ماه، متبرک است به ولادت امام باقر (علیه‌السلام)؛ آخر این ماه، متبرک است به بزرگترین حادثه‌ی تاریخ؛ یعنی بعثت پیغمبر. در نیمه‌ی این ماه، جوانان ما سالهائی است که این سنت حسنه را در کشور رائج کرده‌اند؛ سنت اعتکاف را، رفتن در مساجد را، روزه گرفتن را.

۲. چقدر منظره زیبا و معطر است که جمع کثیری از جوانهای ما روزه بگیرند و در یک مسجدی اعتکاف کنند؛ این از برکت انقلاب است

واقعاً چقدر منظره‌ی زیبا و معطر است که جمع کثیری از جوانهای ما برخلاف سیره‌ی متعارف جوانهای دنیا که غرق در شهوات و تمایلات نفسانی هستند، روزه‌ها و شبهائی را روزه بگیرند؛ بروند در یک مسجدی بنشینند، اعتکاف کنند؛ شب و روزشان را ذکر و فکر و شنیدن معارف الهی و شنیدن احکام و مذاکره‌ی علم حقیقی - که علم توحید است - قرار دهند؛ این خیلی چیز مهمی است. اینها از برکت انقلاب است. قبل از انقلاب، ما در این ایام نیمه‌ی ماه رجب ندیده بودیم یا خیلی بندرت میدیدیم که کسانی بروند اعتکاف کنند. غالباً همه‌ی ماها، همه‌ی مردم غافل بودیم از این روزنه‌ی رحمت الهی. بنده در مشهد که اصلاً ندیده بودم؛ در قم هم یک تعداد معدودی، یک چند نفر طلبه در مسجد امام میرفتند و ایام نیمه‌ی ماه رجب اعتکاف میکردند. امروز شما نگاه کنید؛ نه فقط مساجد جامع، نه فقط مساجد بزرگ، نه فقط در یک شهر و دو شهر، بلکه در همه‌ی کشور، در همه‌ی شهرها، در همه‌ی مساجد، جوانهای ما، مردان ما، زنان ما، دختران ما، پسران ما میروند صف میکشند، اسم مینویسند، برای اینکه به آنها فرصت داده شود که در این مسجد، در آن مسجد، سه روز روزه بگیرند و اعتکاف کنند؛ این خیلی برای یک ملت حائز ارزش است، این خیلی مهم است. اینها هست. این ماه رجب است؛ از این فرصتها استفاده کنید. جوانها! شما بیشتر استفاده کنید. دلهای پاک شما، جانهای باصفا و نورانی شما آماده‌ی تالوآت و

تشعشات رحمت الهی و توجهات الهی است؛ این را قدر بدانید.

۲,۱. معنویت حاصل از این فرصتها، پشتوانه‌ی پیش روی با عزم مقاوم در همه میدانهاست؛ امام متکی بر معنویت توانست این حرکت عظیم را راه بیندازد

آنچه یک ملت از این طریق و از طرق معنوی به دست می‌آورد، یک پشتوانه‌ای میشود، ذخیره‌ای میشود برای اینکه بتواند در همه‌ی میدانهای زندگی، با اراده‌ی راسخ و با عزم مقاوم در مقابل مشکلات پیش برود؛ بن‌بستها را باز کند، کارهای بزرگ انجام دهد. پشتوانه‌ی همه‌ی اینها، این معنویت است. کسی مثل امام بزرگوار ما که یکتنه وارد شد و توانست به برکت عزم و اراده‌ی راسخ و ایمان و توکل، همه‌ی ملت را بسیج کند و این حرکت عظیم را راه بیندازد، بیش از هر چیز متکی بود به همان جوش قلبی، معنوی، روحی، توکل، معرفت، عبادت. تا آخر عمر هم این بزرگوار با وجود پیری و ناتوانی و شکستگی، نیمه‌ی شب برمیاخاست، اشک میریخت. ما خبر داشتیم از نزدیکان ایشان که به همه‌ی خصوصیات زندگی ایشان واقف بودند، شنیده بودیم، اطلاع داشتیم؛ ایشان نیمه‌های شب برمیاخاست، از خدای متعال استمداد میکرد - «رهبان اللیل» (۳) - شب با آن حالت، آن وقت روز مثل شیر غرانی می‌آمد توی میدانها، قدرتها را شکست میداد، ضعفهای ملت را برطرف میکرد، اراده‌های همه‌ی ما مردم را تقویت میکرد و راه می‌انداخت؛ به برکت آن پشتوانه‌ی معنوی.

۲,۲. شما مردم عزیز بخصوص جوانها، می‌توانید به معدن عظیم قدرت الهی متصل و نورانی شوید و با پشتیبانی الهی در صحنه‌های مختلف نقش ایفا کنید

یک یک شما مردم عزیزمان - بخصوص جوانها، بخصوص جوانها - میتوانید به همان منبع و معدن عظیم قدرت، با توکل، با ارادت، متصل شوید و استفاده کنید و استفاضه کنید و نورانی شوید و نقش ایفا کنید. در اسلام، آن رهبانیتی که فرمودند «رهبان اللیل»، فرق میکند با رهبانیتی که نصاری درست کردند؛ «و رهبانیة ابتدعوها ما کتبناها علیهم» (۴) رهبانیت نصاری و ادیان دیگر به معنای انزوا بود، گوشه‌نشینی بود، انقطاع از دنیا بود؛ رهبانیت اسلام به معنای حضور در همه‌ی صحنه‌های زندگی بود - «سِیَاحَةُ أُمَّتِی الْجِهَادِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ» (۵) - همه‌ی حرکات و سکنات، در جهت خدا؛ صلحشان، آشتی‌شان، حرکتشان، سکوتشان، سکوتشان، اقدامشان، همه و همه در راه خدا. آن وقت «من کان لله کان الله له»، «ان تنصروا الله ینصرکم»، (۶) «لینصرن الله من ینصره» (۷) وقتی در راه خدا حرکت کردید، لطف الهی، مدد الهی، پشتیبانی الهی هم با شما خواهد بود. عزیزان من!

۲,۳. راز پیشرفت ملت ایران با این همه دشمنی به خاطر همین پشتوانه الهی است؛ انگیزه و همت جوانهای مؤمن امروز ما از دوره دفاع مقدس کمتر نیست

این راز پیشرفت ملت ایران است. اینکه شما مشاهده میکنید یک ملت با این همه دشمنی، با این همه خیانت و ردالتی که در مقابل این ملت، دشمنان در سطوح مختلف، در عرصه‌های مختلف، از همه طرف اعمال کردند، اما نتوانستند این ملت را متوقف کنند و ملت ایران با عزم خود، با پیشرفت خود، با حرکت مستمر و جهادگونه‌ی خود، همه‌ی آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد، به خاطر همین خصوصیات است، به خاطر همین پشتوانه‌ی الهی است؛ و این ادامه خواهد داشت. به توفیق الهی، ملت ایران همین راه را ادامه میدهد.



کسانی امیدوار بودند جوانهای ما را از دین جدا کنند؛ طمع داشتند جوانهای ما را سرگرم شهوات زندگی، مادیگری و امثال اینها کنند؛ اشتباه کردند. امروز عرصه‌ی جوانی ما، طبقه‌ی جوانان ما، از لحاظ کمیت و کیفیت، نسبتشان از مسن‌ترها اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. جوانهای مؤمن امروز ما و کسانی که دل در گرو انقلاب دارند، که نه امام را دیدند، نه انقلاب را درک کردند، نه دوران دفاع مقدس را دیدند، انگیزه‌شان، همتشان از جوانهای دوره‌ی دفاع مقدس بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ این را بنده از روی علم و اطلاع عرض میکنم؛ تحلیل نیست، حدس نیست. کارهای بزرگی که امروز جوانهای ما در عرصه‌ی ملی و در بخشهای گوناگون دارند انجام میدهند، گاهی زحمتش، فشارش، حتی خطرش، بیشتر از آن کاری است که در دوران دفاع مقدس انجام میدادند، یا باید انجام میدادند. این روحیه را باید حفظ کرد.

ب) اهمیت مضاعف انتخابات امسال، تقابل هدف ملت ایران و دشمن در انتخابات، توصیه‌ها برای برگزاری انتخابات پرشور و معیار انتخاب اصلح

۱. امروز مسئله‌ی انتخابات در درجه‌ی اول کارهای سیاسی کشور قرار دارد

آنچه که امروز در درجه‌ی اول کارهای سیاسی کشور قرار دارد، مسئله‌ی انتخابات است.

۱.۱. هرچند انتخابات در ظرف یک روز انجام میگیرد، اما تاثیر کوتاه مدت آن تا ۴ سال و تاثیر بلندمدت آن، گاهی اوقات تا ۴۰ سال باقی می ماند

انتخابات یک حادثه‌ی یکروزه است، ظرف یک روز انجام میگیرد؛ اما از آن حوادثی است که تأثیر آن، تأثیر بلندمدت است. انتخابات ریاست جمهوری را شما در ظرف یک روز انجام میدهید، اما اولاً کسی را یا کسانی را برای مدت چهار سال بر سرنوشته کشور و جریانهای عمده‌ی کشور حاکم میکنید؛ ثانیاً دامنه‌ی تأثیر آن به همان چهار سال هم محدود نمی‌ماند. گاهی اوقات دولتها کارهایی میکنند که تأثیرات آن تا سالها باقی میماند؛ چه کارهای خوب، چه خدای نکرده کارهای غیر خوب؛ تأثیر آن منحصر نمی‌ماند به آن چهار سال؛ مثل یک جریان‌ی ادامه پیدا میکند. پس شما در یک روز یک حرکتی میکنید، یک انتخابی میکنید، یک اقدامی میکنید که تأثیر آن در کوتاه‌مدت، در چهار سال، و در بلندمدت، گاهی در چهل سال باقی میماند؛ اینقدر انتخابات مهم است.

۱.۲. انتخابات امسال اهمیت مضاعف دارد؛ چراکه به یک موضوع بین‌المللی تبدیل شده است

انتخابات امسال اهمیت مضاعف دارد. من به شما عرض کنم برادران عزیز! خواهران عزیز! همه‌ی ملت ایران! امروز انتخابات شما - که حدود یک ماه دیگر انجام خواهد گرفت - به یک موضوع مهم بین‌المللی تبدیل شده است؛ این را بدانید. دستگاههای فکری دشمنان - به قول خودشان، اتاقهای فکر - نشسته‌اند رصد میکنند مقدمات این انتخابات را، این حادثه‌ی بزرگ را؛ دارند نگاه میکنند؛ نقشه هم دارند، هدف هم دارند.

۲. هدف ملت انتخاب اصلحی است که کشور را با سرعت بیشتری پیش ببرد؛ اما دشمن مایل است کشور را به سمت وابستگی و عقب ماندگی حرکت دهد

هدف جبهه‌ی دشمنان شما، نقطه‌ی مقابل هدف شما است. شما که در انتخابات شرکت میکنید، دنبال یک فرد اصلحی میگردید که بتواند کشورتان را با همین سرعت، بلکه بیش از این، پیش ببرد؛ هم در عرصه‌ی مادی، هم در عرصه‌ی معنوی. شما دنبال انتخاباتید، برای اینکه کسی یا کسانی، دولتی، رئیس‌جمهوری بتواند عزت شما را بالا ببرد، استقلال شما را عمیق‌تر کند، وضع زندگی شما را بهتر و مرفه‌تر کند، گره‌ها را باز کند، امید و شور و شوقی در کشور به‌وجود آورد؛ اما دشمن شما درست بعکس، مایل است انتخاباتی انجام بگیرد - حالا که بنا است انجام بگیرد؛ البته اگر میتوانستند کاری کنند که انتخابات انجام نگیرد، آن کار را میکردند؛ اما حالا که بالاخره چاره‌ای ندارند و انتخابات انجام خواهد گرفت - که برای آینده‌ی کشور این محسنات را نداشته باشد؛ بلکه کشور را به سمت وابستگی، به سمت ضعف، به سمت عقب‌ماندگی در صحنه‌های گوناگون حرکت دهد؛ کشور را به عقب بکشاند، به عقب براند؛ آنها هدفشان این است.

پس دو تا هدف در مقابل هم قرار دارد: هدف ملت ایران، هدف جبهه‌ی دشمنان.

۲.۱. هدف ملت ایران با دو عامل تأمین می‌شود: انتخابات گرم و پرشور و انتخاب رئیس‌جمهور شایسته‌ی وارسته‌ی باعزم مؤمن انقلابی با همت جهادی

هدف ملت ایران چگونه تأمین خواهد شد؟ با دو عامل، این هدف تأمین میشود: یک عامل این است که انتخابات، انتخابات گرم و پرشوری باشد؛ افراد زیاد شرکت کنند، مردم با شور و شوق شرکت کنند، بیایند پای صندوقها. دوم اینکه این انتخابات منتهی شود به انتخاب یک انسان شایسته‌ی وارسته‌ی باعزم مؤمن انقلابی با همت جهادی. با این دو چیز، مقصود ملت ایران حاصل میشود.

۲.۲. مقصود دشمن با انتخابات سرد و انتخابی که دولت و ملت را به سمت وابستگی بیشتر و تبعیت از سیاستهای دشمن بکشاند، حاصل می‌شود

مقصود دشمن چگونه حاصل میشود؟ مقصود دشمن با این حاصل میشود که انتخابات اولاً سرد برگزار شود؛ مردم بی‌رغبت باشند، عده‌ی کمی شرکت کنند، یک عده‌ای بگویند: آقا چرا شرکت کنیم؟ فایده‌اش چیست؟ ما نمیخواهیم بیاییم. اینها دشمن را خوشحال میکند. ثانیاً نتیجه‌ای که از صندوقها بیرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که دولت را، به تبع دولت، ملت را به سمت وابستگی بیشتر، به سمت تبعیت بیشتر، به سمت قرار گرفتن در سیاستهای دشمنان قرار دهد؛ دشمن این را میخواهد. پس ببینید، صحنه روشن است؛ معلوم است شما چه میخواهید، معلوم است دشمن چه میخواهد.

حالا آن مطلب دوم که چگونه اصلح را پیدا کنیم و مشخصات یک انسانی که اصلح از دیگران است، چیست، نکاتی در این زمینه وجود دارد که ان‌شاءالله اگر بنده عمری داشتم، در آینده تا قبل از روز انتخابات عرض خواهم کرد.

۳. دشمنان برای اینکه انتخابات را از شور و هیجان بیندازند، سعی می‌کنند با بحرانی نشان دادن مشکلات، مردم را از حضور در انتخابات ناامید کنند

آنچه که امروز میخواهم عرض کنم، این است که آن نکته‌ی اول - یعنی شور و هیجان انتخابات، حرکت عمومی به سمت انتخابات - اولین کار بزرگی است که ملت میتواند انجام دهد؛ دشمن میخواهد این اتفاق نیفتد. برای اینکه مردم را از شور و حال و حرکت



و هیجان بیندازند، چه کار میکنند؟ سعی میکنند مردم را از حضور در انتخابات ناامید کنند: آقا چه فایده دارد؟ حالا برویم رأی بدهیم که چه بشود؟ میخواهند این حالت را به مردم القاء کنند. برای همین است که شما اگر امروز به رادیوهای بیگانه و خبرگزاری‌های صهیونیستی مراجعه کنید - که امروز همه‌ی خبرهای دنیا را در واقع یک شبکه‌ی بزرگ صهیونیستی جهت میدهد، به قول خودشان کانالیزه میکند؛ خبرهای باب میل خودشان را منتشر میکنند - می‌بینید سعیشان این است که وضع کشور را بحرانی نشان دهند.

۳,۱. در کجای دنیا این مشکلات وجود ندارد؟ امروز کشورهای اروپائی که صحنه‌گردان تبلیغات علیه ما هستند، تا خرخره در مشکلات فرو رفته‌اند

خب، مشکلات در کشور هست؛ در کدام کشور نیست؟ گرانی هست، مشکل بیکاری هست؛ کجای دنیا امروز نیست؟ امروز خود آن کشورهای اروپائی که صحنه‌گردان تبلیغات علیه جمهوری اسلامی‌اند، تا خرخره در مشکلات فرو رفته‌اند. هر چند روز یک بار، در یکی از این کشورها یا در چند کشور، مردم می‌آیند در عرصه، از روی ناچاری و ناگزیری داد میکشند و مورد تهاجم نیروهای امنیتی‌شان قرار میگیرند. البته اینها را تا بتوانند، پنهان میکنند.

۳,۲. البته ما هم مشکلاتی داریم؛ اما مشکلات را باید با نقاط مثبتی که الان در جمهوری اسلامی داریم، مقایسه کنیم ما هم مشکلاتی داریم. ما مشکلات را باید مقایسه کنیم با نقاط مثبتی که الان در ما هست.

۳,۲,۱. کدام کشور مثل کشور ما ملتی منسجم و متحد و این همه جوان سرحال و بانشاط دارد؟

کدام کشور مثل کشور ما ملتی منسجم و متحد دارد؟ اقوام کشور، مذاهب کشور، شهرهای کشور، مناطق گوناگون کشور، همه در یک جهت، در یک هدف، با یک عواطف، با یک احساسات، با یک امید دارند حرکت میکنند، زندگی میکنند. کدام کشور این همه جوان سرحال و بانشاط دارد؟ جوانهای ما امروز میدانهای عظیم علمی را دارند فتح میکنند؛ در مسابقات گوناگون جهانی، رتبه‌های بالای جدول را دارند به دست می‌آورند؛ این چیز کمی است؟

۳,۲,۲. کدام ملت مثل ما با وجود این همه دشمنی‌ها توانسته است این عظمت و تأثیرگذاری را در دنیا و منطقه به دست آورد؟

کدام ملت مثل ما با وجود این همه دشمنی‌ها توانسته است این عظمت را، این اهمیت را، این تأثیرگذاری را در قضایای دنیا و در قضایای منطقه به دست آورد؟ یک عده دشمنان مایند، یک عده مزدوران دشمنان مایند؛ هرچه بتوانند، کارشکنی میکنند؛ اما ملت ایران، سربلند، سرفراز، وسط صحنه، با چهره‌ی بشاش، با چهره‌ی امیدوار، بدون کینه‌ی به این و آن، دارد راه خودش را میرود. این را شما بدانید؛ ملتها - البته آگاهانشان، فرزانشان، کسانی از آنها که با قضایای گوناگون آشنايند - شماها را با انگشت نشان میدهند؛ میگویند ببینید ملت ایران در چه عرصه‌هایی پیشرفت کرده و ما مانده‌ایم. حرکت ملت ایران اینجوری است.

۳,۳. شما جوانان، مسئولان و مبلغان باید در مقابل تبلیغات دشمن که الغای یاس، ناامیدی و بحران می‌کند، بعکس عمل کنید و به

دشمنان در تبلیغاتشان سعی میکنند سایه‌ی یأس و ناامیدی و بحران را بیندازند بر روی حوادث کشور، مشکلات کوچک را چند برابر بزرگ کنند؛ مشکلاتی که وجود ندارد، بیخود ملت را، کشور را متهم به آن کنند؛ آینده را تاریک نشان دهند، ملت را ناامید کنند؛ هدف دشمن این است. این ناامیدی از نظر آنها مقدمه‌ای است برای از رونق انداختن انتخابات. شما باید بعکس عمل کنید. عزیزان! جوانان! مسئولان! مبلغان! کسانی که عرصه‌ی سخن گفتن با مردم در مقابل شما است! شما باید بعکس عمل کنید؛ به مردم امید دهید. این امید، امید واهی نیست؛ امید واقعی است.

۴. مردم بدانند که حضور پرشور و پر رونق در انتخابات موجب می‌شود کشور مصونیت پیدا کند و طمع دشمن برای دست‌اندازی و تعرض و خباثت کم شود

مردم باید همه توجه کنند، بدانند که حضور پرشور و پر رونق در انتخابات موجب میشود کشور مصونیت پیدا کند؛ موجب میشود که طمع دشمن برای دست‌اندازی و تعرض و دشمنی و خباثت نسبت به این کشور کم شود؛ حضور مردم این تأثیرات را دارد. آنها تلاش دارند که این اتفاق نیفتد.

۴,۱. آنطور که ما ملتمان را تجربه کرده‌ایم و فضل الهی را مکرر آزموده‌ایم، ملت در این انتخابات هم آزمون افتخارآمیز دیگری را به صحنه خواهند آورد

البته من به شما عرض بکنم؛ آنطوری که ما ملت خودمان را تجربه کرده‌ایم، آنطوری که لطف و فضل الهی را مکرر آزموده‌ایم، این ملت در این نوبت هم مثل نوبتهای قبل، مشیت محکمی به دهان دشمن خواهد زد. مردم به توفیق الهی در این انتخابات یک آزمون افتخارآمیز دیگری را به صحنه خواهند آورد و بر افتخارات خودشان خواهند افزود. این، لطف الهی است؛ ان‌شاءالله تحقق پیدا خواهد کرد.

۵. مردم علاوه بر همت بر حضور، همت بر انتخاب خوب هم داشته باشند؛ برای انتخاب خوب باید فکر کرد و معیارها را شناخت

آنچه که در این فاصله و در این فرصت مهم است، این است که مردم علاوه بر همت بر حضور، همت بر انتخاب خوب هم داشته باشند. همان طور که عرض کردیم، یک انتخاب خوب، یک انتخاب درست، نه فقط در طول چهار سال، گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش برای کشور باقی میماند. برای انتخاب خوب باید فکر کرد، باید معیارها را شناخت.

۵,۱. معیار اصلی این است: بر حفظ عزت و حرکت در جهت هدفهای انقلاب همت کنند، اهل استقامت باشند و زرهی پولادین از یاد و توکل به خدا بیوشند

من ان‌شاءالله در آینده مطالبی عرض خواهم کرد؛ اما اجمالاً معیار اصلی این است که کسانی سر کار بیایند که همشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدفهای انقلاب باشد. آنچه ما در این سالهای طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدفهای انقلاب بوده است؛ هر جایی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدفهای انقلاب اسلامی و هدفهای



اسلامی بوده است. کسانی سر کار بیایند که مصداق: «انّ الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا» (۸) باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند.

۵,۲. یکی از معیارها این است که ببینید شعارهایی که تعیین می کنند، چه نوع شعارهایی است

شعارها را نگاه کنید، ببیند شعارهایی که تعیین میکنند، چه جور شعارهایی است؟

۵,۲,۱. بعضی ها برای جلب آراء، شعارهایی میدهند که از حدود اختیارشان بیرون است؛ مردم هوشمند ما دقت کنند و اینها را بشناسند

گاهی بعضی ها - البته اشتباه میکنند - برای جلب آراء، شعارهایی میدهند که این شعارها از حدود قدرت و اختیاراتشان بیرون است؛ اینها را مردم هوشمند ما میتوانند بشناسند، مراقبت کنند، دقت کنند.

۵,۲,۲. در شعارها باید آنچه را برای مردم فوریت بیشتری دارد، با واقعیات و امکانات سازگار است و به افزایش قدرت درونی ملت می انجامد، بگنجانند

آنچه که برای مردم لازم است، آنچه که فوریت بیشتری دارد، آنچه که با واقعیات و امکانات کشور سازگار است، آنچه که به افزایش قدرت درونی ملت می انجامد، آنها را در شعارهایشان بگنجانند؛ این یکی از معیارها است.

۶. تبعیت از قانونی که صددرصد درست نیست یا تحمل خطای مجری قانون که نمی توان از طریق قانونی اصلاح کرد، از بی قانونی بهتر است

افراد متعددی آمده اند. ان شاء الله شورای محترم نگهبان طبق وظائف قانونی خود، آن کسانی را که صلاحیت دارند، به مردم معرفی خواهد کرد. همه هم باید تابع قانون باشند. آنجائی اشکال پیش می آید که تخلف از قانون انجام میگیرد. سال ۸۸ اشکالاتی که وارد شد، خسارتی که به کشور وارد کردند و نگذاشتند کشور و ملت طعم آراء چهل میلیونی را درست بچشد، به خاطر تخلف از قانون بود. یک عده ای یا برای خاطر اغراض نفسانی، یا هدفهای خلاف سیاسی، یا هرچه - حالا در آن زمینه نمیخواهیم قضاوتی بکنیم - از قانون تخلف کردند، خطا کردند، از راه غیر قانونی وارد شدند؛ هم به خودشان صدمه زدند، هم به ملت صدمه زدند، هم به کشور صدمه زدند. راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند، همه تسلیم قانون باشند. گاهی ممکن است یک قانون، صددرصد درست هم نباشد، اما از بی قانونی بهتر است. گاهی ممکن است در یک بخشی، یک خطائی هم از مجری قانون سر بزند که من و شما بفهمیم او در اجرای قانون این خطا را کرده است؛ اما اگر نتوانیم آن را از طریق قانونی اصلاح کنیم، تحمل آن بهتر است از این که باز بی قانونی کنیم؛ از راه بی قانونی بخواهیم آنچه را که به نظر ما خطا است، درست کنیم. قانون، معیار بسیار خوبی است؛ وسیله ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه ی راه عمومی.

۷. باید بر اساس حجت شرعی فرد صالح تر را انتخاب کنیم؛ اگر انسان بر طبق حجت شرعی عمل کند، چنانچه بعداً غلط از آب دربیاید، باز سرفراز است

شورای محترم نگهبان، خب مردمانی پرهیزگار، متقی و آگاهند؛ طبق قانون تشخیصی میدهند و عده ای به عنوان افرادی که صالحند، معرفی میشوند؛ و شما باید نگاه کنیم ببینیم در بین این صالحها کدام صالح ترند، کدام بیشتر به درد مردم میخورند، کدام بیشتر میتوانند این

بار سنگین را بر دوش بکشند و با امانت کامل این راه را ادامه دهند و پیش ببرند؛ این را باید من و شما نگاه کنیم، ببینیم، بشناسیم. از افرادی که ممکن است ما را هدایت کنند، راهنمایی کنند، کمک بخواهیم؛ بالاخره خودمان را به حجت شرعی برسانیم. اگر انسان بر طبق حجت شرعی کار کرد، چنانچه بعداً غلط هم از آب دربیاید، باز سرفراز است، میگوید من تکلیفم را عمل کردم؛ اما اگر بر طبق حجت شرعی عمل نکنیم، بعد خطا از آب دربیاید، خودمان را ملامت خواهیم کرد؛ عذری نداریم، حجتی نداریم.

۸. من امیدوارم؛ انسان وقتی به وضع کشور نگاه می کند، روزه روز به آینده ی این ملت و این کشور، امیدوارتر می شود

البته من امیدوارم. امید ما به خدای متعال، خیلی زیاد است. خدا را شکر میکنیم که روزه های امید را در دل ما هرگز نیست. انسان وقتی به وضع کشور نگاه میکند، روزه روز به آینده ی این راه، به آینده ی این ملت، به آینده ی این کشور، امیدوارتر میشود. این مردم مؤمن، این مردم با همت، این جوانهای با نشاط و با شور، در عرصه های مختلف، اینها همه امید انسان را به آینده بیشتر میکند.

موخره

امیدواریم ان شاء الله تفضلات الهی شامل حال باشد؛ دعای حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) شامل حال همه ی شما ملت عزیز باشد؛ و بخصوص در این آزمون مهمی که در پیش دارید، ان شاء الله دعای آن بزرگوار، هدایت الهی را برای دلهای همه ی ما فراهم کند و آنچه که خیر و صلاح این کشور است، به دست شما مردم انشاء الله رقم بخورد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

پاورقی

(۱) مصباح المتهجد، ج ۱، ص ۳۰۵

(۲) جائیه: ۲۹

(۳) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۸؛ «انّ من اخلاق المؤمنین ... رهبان اللیل اسد بالنهار»

(۴) حدید: ۲۷

(۵) مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۴

(۶) محمد: ۷

(۷) حج: ۴۰

(۸) فصلت: ۳۰



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	استفاده از فرصت ماه رجب برای حضور قلب و توجه بیشتر به کارها و رفتار خود	آحاد مردم به خصوص جوانان	لازم می‌دانم برادران و خواهران عزیز را، مخصوصاً جوان‌ها را توجه بدهم به اهمیت ماه رجب. از این مناسبت‌ها و از این خصوصیات مربوط به ایام و شهور نمی‌شود به آسانی صرف‌نظر کرد. بزرگان و اهل معنا و اهل سلوک، ماه رجب را مقدمه ماه رمضان دانسته‌اند. ماه رجب، ماه شعبان، یک آمادگایی است برای اینکه انسان در ماه مبارک رمضان - که ماه ضیافت الهی است - بتواند با آمادگی وارد شود. آمادگی به چیست؟ در درجه اول، آمادگی به توجه و حضور قلب است؛ خود را در محضر علم الهی دانستن، در محضر خدا دانستن - «سبحان من احصی کل شیء علمه» - همه حالات خود را، حرکات خود را، نیات خود را، خطورات قلبی خود را در معرض و محضر علم الهی دانستن؛ در درجه اول، این مهم است؛ و اگر این حاصل شد، آن وقت توجه ما به کارهایمان، به حرف‌هایمان، به رفت‌وآمدهایمان، به سکوتمان، به گفتنمان، بیشتر خواهد شد؛ توجه می‌کنیم که چه می‌گوئیم، کجا می‌رویم، چه اقدامی می‌کنیم، علیه چه کسی حرف می‌زنیم، به نفع چه کسی حرف می‌زنیم. وقتی انسان خود را در محضر الهی دانست، بیشتر متوجه کارها و حرکات و رفتار خود می‌شود... از این فرصت‌ها استفاده کنید. جوان‌ها! شما بیشتر استفاده کنید. دل‌های پاک شما، جان‌های باصفا و نورانی شما آماده تالوئات و تشعشعات رحمت الهی و توجهات الهی است؛ این را قدر بدانید.

۲	همراه کردن پشتیبانی و مدد الهی در صحنه‌های مختلف زندگی با توکل و اتصال به معدن عظیم قدرت خداوند	آحاد مردم به خصوص جوانان	یک‌یک شما مردم عزیزمان - به خصوص جوان‌ها، به خصوص جوان‌ها - می‌توانید به همان منبع و معدن عظیم قدرت، با توکل، با ارادت، متصل شوید و استفاده کنید و استفاده کنید و نورانی شوید و نقش ایفا کنید. در اسلام، آن رهبانیتی که فرمودند «رهبان اللیل»، فرق می‌کند با رهبانیتی که نصاری در دست کردند؛ «و رهبانیة ابتدعوها ما کتبناها علیهم». رهبانیت نصاری و ادیان دیگر به معنای انزوا بود، گوشه‌نشینی بود، انقطاع از دنیا بود؛ رهبانیت اسلام به معنای حضور در همه صحنه‌های زندگی بود - «سیاحه اُمّتی الجهاد فی سبیل الله» - همه حرکات و سکنات، در جهت خدا: صلحشان، آشتی‌شان، حرکتشان، سکوتشان، سکونشان، اقدامشان، همه و همه در راه خدا. آن وقت «من کان لله کان الله له»، «ان تنصروا الله ینصرکم»، «لینصرن الله من ینصره»؛ وقتی در راه خدا حرکت کردید، لطف الهی، مدد الهی، پشتیبانی الهی هم با شما خواهد بود. عزیزان من!
۳	امید دادن به مردم در مقابل القای یأس، ناامیدی و بحران دشمنان در انتخابات	جوانان، مسئولان و مبلغان	دشمنان در تبلیغاتشان سعی می‌کنند سایه یأس و ناامیدی و بحران را بیندازند بر روی حوادث کشور، مشکلات کوچک را چند برابر بزرگ کنند؛ مشکلاتی که وجود ندارد، بیخود ملت را، کشور را متهم به آن کنند؛ آینده را تاریک نشان دهند، ملت را ناامید کنند؛ هدف دشمن این است. این ناامیدی از نظر آنها مقدمه‌ای است برای از رونق انداختن انتخابات. شما باید به عکس عمل کنید. عزیزان! جوانان! مسئولان! مبلغان! کسانی که عرصه سخن گفتن با مردم در مقابل شما است! شما باید به عکس عمل کنید؛ به مردم امید دهید. این امید، امید واقعی نیست؛ امید واقعی است.



<p>همه هم باید تابع قانون باشند. آنجائی اشکال پیش می‌آید که تخلف از قانون انجام می‌گیرد. سال ۸۸ اشکالاتی که وارد شد، خسارتی که به کشور وارد کردند و نگذاشتند کشور و ملت طعم آراء چهل میلیونی را درست بچشد، به خاطر تخلف از قانون بود... راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند، همه تسلیم قانون باشند. گاهی ممکن است یک قانون، صددرصد درست هم نباشد، اما از بی‌قانونی بهتر است. گاهی ممکن است در یک بخشی، یک خطائی هم از مجری قانون سر بزند که من و شما بفهمیم او در اجرای قانون این خطا را کرده است؛ اما اگر نتوانیم آن را از طریق قانونی اصلاح کنیم، تحمل آن بهتر است از این که باز بی‌قانونی کنیم؛ از راه بی‌قانونی بخواهیم آنچه را که به نظر ما خطا است، درست کنیم. قانون، معیار بسیار خوبی است؛ وسیله‌ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه راه عمومی.</p>	<p>مردم و کاندیدها</p>	<p>تابع و تسلیم قانون بودن؛ حتی قانونی که صددرصد درست نباشد یا مجری آن خطایی صورت دهد که از راه قانونی قابل اصلاح نباشد</p>	<p>۷</p>
<p>از افرادی که ممکن است ما را هدایت کنند، راهنمایی کنند، کمک بخواهیم؛ بالاخره خودمان را به حجت شرعی برسانیم. اگر انسان بر طبق حجت شرعی کار کرد، چنانچه بعداً غلط هم از آب دربیاید، باز سرفراز است، می‌گوید من تکلیفم را عمل کردم؛ اما اگر بر طبق حجت شرعی عمل نکنیم، بعد خطا از آب دربیاید، خودمان را ملامت خواهیم کرد؛ عذری نداریم، حجتی نداریم.</p>		<p>انتخاب کاندیدای اصلح بر طبق حجت شرعی، با استفاده از کمک و راهنمایی دیگران</p>	<p>۸</p>



<p>مردم باید همه توجه کنند، بدانند که حضور پرشور و پررونق در انتخابات موجب می‌شود کشور مصونیت پیدا کند؛ موجب می‌شود که طمع دشمن برای دست‌اندازی و تعرض و دشمنی و خبثات نسبت به این کشور کم شود؛ حضور مردم این تأثیرات را دارد. آنها تلاش دارند که این اتفاق نیفتد.</p>	<p>همه مردم</p>	<p>کاستن از طمع دشمن برای دست‌اندازی، تعرض و خبثات بر علیه کشور با حضور پرشور و پررونق در انتخابات</p>	<p>۴</p>
<p>مردم علاوه بر همت بر حضور، همت بر انتخاب خوب هم داشته باشند. همان‌طور که عرض کردیم، یک انتخاب خوب، یک انتخاب درست، نه فقط در طول چهار سال، گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش برای کشور باقی می‌ماند. برای انتخاب خوب باید فکر کرد، باید معیارها را شناخت... اجماً معیار اصلی این است که کسانی سر کار بیایند که همشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد. آنچه ما در این سال‌های طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدف‌های انقلاب بوده است؛ هر جایی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدف‌های انقلاب اسلامی و هدف‌های اسلامی بوده است. کسانی سر کار بیایند که مصداق: «انّ الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا» باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند.</p>	<p>مردم</p>	<p>بر سر کار آوردن افرادی که بر حفظ عزت و حرکت در جهت هدف‌های انقلاب همت کنند، اهل استقامت باشند و با زرهی پولادین از یاد و توکل به خدا وارد میدان شوند</p>	<p>۵</p>
<p>شعارها را نگاه کنید، ببینید شعارهایی که تعیین می‌کنند، چه جور شعارهایی است؟ گاهی بعضی‌ها - البته اشتباه می‌کنند - برای جلب آراء، شعارهایی می‌دهند که این شعارها از حدود قدرت و اختیاراتشان بیرون است؛ اینها را مردم هوشمند ما می‌توانند بشناسند، مراقبت کنند، دقت کنند.</p>	<p>مردم</p>	<p>مراقب بودن در مقابل افرادی که شعارهایی خارج از حدود اختیارات رئیس‌جمهور می‌دهند</p>	<p>۶</p>



